

سود هر سهم: چالش‌های محاسبه و فرصت‌های بهبود

دکتر علی رحمانی

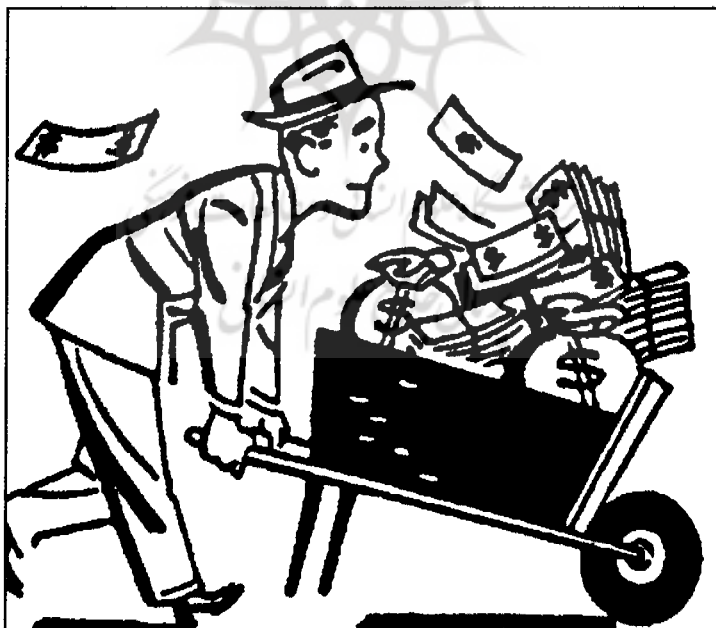
مدرس دانشگاه علامه طباطبایی

بهروز بختکی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

سود هر سهم، از موضوعات محوری حسابداری است و توجه نهادهای حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. دلیل این موضوع، اهمیت سود هر سهم به سبب کاربردهای مختلف آن می‌باشد. در کشورهای پیشرفته، استانداردهای مرتبط با محاسبه و افشای سود هر سهم تکوین و تکامل یافته است. در



این پیش‌نویس سعی شده است رهنمودهای عملی‌تری درباره نحوه برخورد با برخی ابزارهای مالی پیچیده، به هنگام محاسبه سود پایه و تقلیل یافته هر سهم، ارائه شود. همچنین این اصلاحیه، گامی در جهت همگرایی بیشتر استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده و استانداردهای

حسابداری مالی بین‌المللی است. نگارندگان معتقدند با وجود مطلوب بودن ارائه رهنمودهای عملی‌تر، در برخورد با ابزارهای مالی پیچیده، باید توجه بیشتری به محتوای موضوع می‌شد. از طرف دیگر، با توجه به اختلافات زیاد

راستای بهبود محاسبه و افشای اطلاعات سود هر سهم، در سپتامبر ۲۰۰۵، هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، پیش‌نویس اصلاح بخش‌هایی از بیانیه شماره ۱۲۸ خود با عنوان «سود هر سهم» را به نظر خواهی گذاشت. در

موجود بین ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای جهان، احتمال موفقیت در همگرایی استانداردهای حسابداری مالی به سمت یک هدف مشخص، در کوتاه مدت، کم رنگ جلوه می کند. لیکن به دلیل وجود موج جهانی شدن، این مسئله اجتناب ناپذیر است. در ایران نیز باید در جهت هماهنگ سازی استانداردهای مالی، اقدامات منسجم تری را انجام داد. استاندارد جدید سود هر سهم، به خصوص به لحاظ یکنواخت کردن نحوه محاسبه تعداد سهام مورد استفاده در مخرج کسر سود هر سهم، می تواند به بهبود گزارشگری مالی در ایران کمک کند.

واژه های کلیدی

سود هر سهم، سود پایه هر سهم، سود تقلیل یافته هر سهم، همگرایی استانداردهای حسابداری

مقدمه

سود خالص یا سطر آخر (Bottom line)، مورد توجه عده کثیری از محققان و پژوهشگران حسابداری و علوم مالی قرار گرفته است. مقالات و بحث های بسیار زیادی پیرامون سود و سود هر سهم (EPS)^۱ وجود دارد. عده ای، ارتباط سود هر سهم (EPS) و سود پرداختی هر سهم (DPS)^۲ را با قیمت سهام بررسی می کنند. عده ای دیگر، محتوای اطلاعاتی سود پیش بینی شده هر سهم شرکت ها را مورد مطالعه قرار می دهند. بعضی نیز کیفیت سود هر سهم را مورد توجه قرار داده و برطبقه بندی جداگانه اقلام تشکیل دهنده آن تاکید می کنند. گروهی دیگر، درجه نقد شوندگی سود هر سهم را مورد بحث قرار می دهند و گروهی خواستار محاسبه محافظه کارانه ترین سود هر سهم هستند.

سود هر سهم (EPS) یکی از آماره های مالی بسیار مهم است که مورد توجه سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی می باشد. سود هر سهم نشان دهنده سودی است که عاید هر سهم عادی می شود و اغلب برای ارزیابی سودآوری و ریسک مرتبط با سود و نیز قضاوت درخصوص قیمت سهام استفاده می شود. در بسیاری از کشورهای جهان، اهمیت این رقم به حدی است که آن را به عنوان یکی از معیارهای

اساسی موثر در تعیین قیمت سهام می دانند و در مدل های ارزشیابی سهام نیز به طور گسترده ای از آن استفاده می شود. در حال حاضر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طبق بخشنامه های بورس، ملزم به ارائه اطلاعات سود هر سهم واقعی، پیش بینی شده و افشای تغییرات بعدی در پیش بینی ها می باشند، ولی استاندارد حسابداری خاصی درخصوص نحوه محاسبه و گزارش سود هر سهم وجود ندارد. فقط در استاندارد حسابداری شماره یک، محاسبه عایدی هر سهم بر مبنای تعداد سهام در تاریخ ترانزنامه و افشای آن در صورت سود و زیان یا در یادداشت های توضیحی الزامی شده است. اخیراً سازمان حسابرسی، تدوین پیش نویس استاندارد خاصی را در این زمینه آغاز کرده است که انتظار می رود موجب بهبود گزارشگری مالی شود.

در آمریکا، بیانیه شماره ۱۲۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۳ و در سطح بین المللی، استاندارد حسابداری بین المللی^۴ شماره ۳۳، نحوه محاسبه و افشای سود هر سهم را مشخص می کنند. استاندارد حسابداری بین المللی شماره ۳۳ در سال ۲۰۰۴ مورد تجدید نظر قرار گرفت. هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB) نیز در واکنش به طرح موضوعات جدیدی مانند ابزارهای مالی پیچیده و لزوم شفاف سازی هر چه بیشتر آثار محاسباتی این ابزارها، در سود پایه هر سهم (BEPS)^۵ و سود تقلیل یافته هر سهم (DEPS)^۶ و همچنین در جهت همگرایی^۷ با استانداردهای بین المللی حسابداری، در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ پیش نویس پیشنهاد اصلاح بخش هایی از بیانیه شماره ۱۲۸ منتشر کرد.

موضوع مطرح در این پیش نویس^۸ از آن جهت اهمیت دارد که بحث های بسیار زیادی در مورد نحوه برخورد با برخی ابزارهای مالی مطرح است مثل سهام قابل انتشار مشروط^۹، ابزارهای مالی قابل تبدیل اجباری^{۱۰}، آپشن (اختیار معامله)^{۱۱} و وارانته (اختیار خرید سهام)^{۱۲} و قراردادهایی که در آینده ممکن است با وجه نقد یا سهام تسویه شوند^{۱۳}. در حقیقت نوعی احساس نیاز به ارائه رهنمودی عملی برای محاسبه سود پایه و تقلیل یافته هر

سهم در صورت وجود ابزارهای پیشگفته، در حرفه حسابداری پیش آمده است.

در این مقاله اهمیت سود هر سهم، کاربردها و محدودیت‌های آن، سابقه قانون‌مندی سود هر سهم و تلاش‌های انجام شده برای همگرایی بین‌المللی در استانداردهای حسابداری سود هر سهم مورد بحث قرار می‌گیرد تا تحلیلی جامع پیرامون این موضوع مهم شکل گیرد. در ادامه با نگاهی انتقادی، پیش نویس اصلاحات پیشنهادی در استاندارد آمریکا بررسی می‌شود.

هم‌چنین به دلیل لغو بیانیه شماره ۱۵ هیات اصول حسابداری ایالات متحده (APB) و جایگزینی آن با بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۲۸ که انطباق زیادی با استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۳ دارد، چگونگی محاسبه سود هر سهم بر اساس این دو استاندارد تشریح شده است تا خلاء اطلاعاتی مرتبط با روش‌های جدید محاسبه سود هر سهم رفع گردد. واقعیت این است که به دلیل عدم تجدید نظر در نشریه ۹۴ سازمان حسابرسی، با عنوان "حسابداری شرکت‌های سهامی"، در بسیاری از دانشگاه‌های کشور هنوز بیانیه منسوخ شده شماره ۱۵ هیات اصول حسابداری ایالات متحده تدریس می‌شود.

اهمیت سود هر سهم و کاربردهای آن

سود منبع اصلی تأمین جریان نقد و زایش ثروت است. تعیین سطح سود که برای مقاصد تجزیه و تحلیل مالی مربوط باشد، یک فرآیند تحلیلی پیچیده است. با توجه به تفاوت ارقام سود شرکت‌های مختلف و نیز تغییر ارقام سود شرکت در طی دوره‌های زمانی مختلف، مقایسه‌پذیری این ارقام تا حدودی مشکل می‌باشد. یکی از روش‌های استاندارد کردن رقم سود، تبدیل آن به یک مبلغ سود هر سهم می‌باشد. این اهمیت و حساسیت سود هر سهم باعث شده است که اولاً محاسبه و گزارش سود هر سهم واقعی و پیش‌بینی طبق قوانین بازار سرمایه بسیاری از کشورها الزامی گردد، ثانیاً مراجع تدوین استانداردهای حسابداری نیز الزامات معینی را جهت نحوه محاسبه و افشای آن وضع کنند تا سودمندی سود هر سهم را از طریق افزایش قابلیت

مقایسه (بین شرکت‌ها و طی دوره‌های مختلف) و کاهش صلاحدید مدیریت ارتقاء دهند.

براساس تحقیقات تجربی انجام شده در سایر کشورها، سود هر سهم فواید زیر را دارد:

۱- ارزیابی، تعیین و قضاوت درخصوص قیمت سهام. تحلیل‌گران مالی با ضرب سود هر سهم در رقم نسبت قیمت به سود درخصوص پایین یا بالا بودن قیمت سهام قضاوت می‌کنند. این دو رقم به طور گسترده در تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود و حتی بورس اوراق بهادار تهران نیز بر همین مبنا در خصوص معقول بودن قیمت، قضاوت می‌کند. به دلیل اهمیت سود هر سهم، ضروری است رویکردی یکنواخت برای محاسبه آن وجود داشته باشد.

۲- پیش‌بینی سود هر سهم در آینده و نرخ رشد آن، بر قیمت سهام تاثیر دارد. سهامداران و تحلیل‌گران، سود هر سهم گزارش شده را برای بر آورد سود هر سهم در آینده و بر آورد نرخ رشد آتی به کار می‌برند و در واقع توان زایش ثروت شرکت را ارزیابی می‌کنند.

۳- ارزیابی پوشش سود نقدی و توانایی پرداخت سود سهام. مبلغ سود هر سهم، یکی از معیارهای قضاوت درخصوص توان پرداخت سود سهام در زمان حال و آینده می‌باشد. اگر چه سایر ملاحظات مالی و سرمایه‌گذاری، در تعیین خط مشی تقسیم سود موثر است ولی بدون وجود سود، امکان پرداخت سود سهام وجود ندارد.

۴- قضاوت درخصوص وضعیت شرکت و عملکرد مدیریت و نیز ترسیم تصویری از آینده. رقم سود هر سهم نسبت به بازده نقدی (سود سهام) مبنای قابل قبول‌تری برای مقایسه عملکرد شرکت و مدیریت می‌باشد. اگر چه جریان‌های نقدی، عامل مهم در ارزیابی ارزش شرکت است، ولی اعتقاد بر این است که سود هر سهم معیار بهتری برای مقایسه عملکرد شرکت طی سال‌های مختلف و نیز با رقبا می‌باشد.

۵- برآورد قدرت سودآوری و ارزیابی سطح و روند سود قدرت سودآوری، بهترین برآورد ممکن از متوسط سود شرکت است که انتظار حفظ و یا تکرار آن با درجه‌ای از نظم در یک محدوده زمانی آتی می‌رود بیشتر مدل‌های ارزیابی

به نحوی قدرت سودآوری را از طریق یک عامل یا ضریب سرمایه‌ای می‌کنند که هزینه سرمایه و نیز ریسک و بازده‌های مورد انتظار آتی را در بر می‌گیرد. سود هر سهم در صورتی برای ارزیابی قدرت سودآوری مناسب است که با تاکید بر ارقام مستمر سود و زیان محاسبه شده باشد. تحلیل‌گران بر شناسایی اجزایی از جریان درآمد و هزینه تاکید می‌کنند که با ثبات و قابل پیش‌بینی باشند.

۶- نسبت P/E (قیمت به سود) یکی از خلاصه‌های مهم مالی است که براساس سود هر سهم محاسبه می‌شود و دوره مورد انتظار برگشت سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد و معکوس آن را نیز نرخ بازده مورد توقع حسابداری را نشان می‌دهد.

محدودیت‌های سود هر سهم

تاکید شده است که کاربران اطلاعات مالی صرفاً بر یک رقم، سود هر سهم، تمرکز نکرده و از سایر اطلاعات نیز در مدل‌های تصمیم‌گیری خود استفاده کنند. با این وجود حتی در استفاده از سود هر سهم به همراه سایر اطلاعات نیز باید به محدودیت‌های موجود در اندازه‌گیری آن، توجه شود. محدودیت‌های سود هر سهم به این شرح است:

۱- سود هر سهم مبتنی بر سود تاریخی است. مدیریت ممکن است در گذشته تصمیماتی گرفته باشد که سود جاری را افزایش دهد، ولی در آینده رشد سود کاهش یابد. بنابراین رشد سود هر سهم نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده قابل اتکایی برای نرخ رشد آتی باشد. به عبارت دیگر به کیفیت سود نیز باید توجه شود.

۲- سود هر سهم بدون توجه به تورم محاسبه می‌شود و نرخ رشد واقعی سود هر سهم ممکن است متفاوت از نرخ رشد اسمی آن باشد.

۳- سود هر سهم متأثر از انتخاب روش‌های حسابداری و زمان‌بندی معاملات توسط مدیریت است و این امر بر مقایسه بین شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد.

۴- با توجه به این که تغییرپذیری سود، نشانه‌ای از ریسک شرکت است و باعث نوسان قیمت بازار سهام می‌گردد، مدیران تمایل به هموارسازی سود از طریق انتخاب

روش‌های حسابداری و زمان‌بندی معاملات دارند. بنابراین سود هر سهم ممکن است متأثر از صلاح‌دید مدیران باشد. ۵- سود هر سهم متأثر از ساختار سرمایه است. مثلاً تغییرات در تعداد سهام ناشی از صدور سهام جایزه (سود سهمی) بر مبلغ سود هر سهم دوره‌های جاری و گذشته تاثیر می‌گذارد و این مسئله مقایسه بین شرکت‌ها را مشکل می‌کند.

سابقه قانون‌مندی سود هر سهم

سود هر سهم از مدت‌ها قبل توسط تحلیل‌گران مالی و نیز سرمایه‌گذاران تهیه و استفاده شده است. در آوریل ۱۹۵۸ کمیته روش‌های حسابداری در آمریکا با انتشار بولتن تحقیقات حسابداری (ARB) شماره ۱۲ تحت عنوان "سود هر سهم"، شرکت‌هایی که سهام آنها توسط عموم معامله می‌شد را ملزم به افشای اطلاعات سود هر سهم کرد. در دسامبر ۱۹۶۶ نظریه شماره ۹ هیئت اصول حسابداری (APB) ۱۵، تحت عنوان "گزارش نتایج عملیات" جایگزین استاندارد قبلی شد و این هیئت، ارائه سود هر سهم در متن صورت سود و زیان را الزامی کرد. در اواسط دهه ۱۹۶۰ با شدت یافتن موج ادغام‌ها و استفاده گسترده از اوراق بهادار قابل تبدیل به‌عنوان یکی از ابزارهای تامین مالی، توجه تحلیل‌گران و حسابداران به مخرج کسر سود هر سهم یعنی تعداد سهام عادی جلب شد که سود بر آن تقسیم می‌شود. در این مورد، مشخص گردید که رویه رایج، فقط تعداد سهام در جریان را در نظر گرفته و توجهی به اثرات تقلیل دهندگی ذاتی اوراق بهادار قابل تبدیل ندارد و این مسئله، اغلب منجر به ارائه بیش از واقع سود هر سهم می‌شد. مدیران شرکت‌های جذب و ادغام‌کننده دریافته‌اند که امکان خرید سود شرکت از طریق واگذاری اوراق بهادار قابل تبدیل کم بازده وجود دارد که در واقع بیانگر منافع مالکیت انتقالی به آینده است. چنین رشدی در سود باعث افزایش ارزش سهام می‌شد.

انتقاد از روش محاسبه سود هر سهم باعث شد هیئت اصول حسابداری (APB) در مه ۱۹۶۹ نظریه شماره ۱۵ تحت عنوان «سود هر سهم» را منتشر کند. این استاندارد ضوابط پیچیده‌ای جهت محاسبه سود هر سهم وضع کرد.

سال مالی، براساس عملکرد ۳ ماهه اول، ۶ ماهه، ۹ ماهه و ۱۲ ماهه) پیش‌بینی سود خود را اعلام کنند. مسئولان بورس بارها نارضایتی خود را از تاخیر در ارائه اطلاعات سود هر سهم، عدم شفافیت پیش‌بینی‌ها، تاخیر در اعلام دلایل تعدیل پیش‌بینی سود هر سهم، غیرواقعی بودن پیش‌بینی‌های اعلام شده و عدم وجود ابزار مناسب جهت برخورد با این نوع بی‌انضباطی‌ها اعلام کرده‌اند (بیدختی، ۱۳۸۰).

در ایران قابلیت اتکای اطلاعات ارائه شده به دلیل رویه‌های متفاوت ارائه اطلاعات (جسورانه، محافظه‌کارانه و واقع‌گرایانه) باید توسط سهامداران بررسی و با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد. پیش‌بینی سود هر سهم از محورهای مهم تصمیم‌گیری در مورد وضعیت شرکت‌هاست و برای قیمت‌گذاری سهام، از اطلاعات سود هر سهم استفاده زیادی می‌شود. در بسیاری از گزارش‌های مالی، اطلاعات سود هر سهم در متن صورت‌های مالی و یا در یادداشت‌های پیوست افشا نمی‌شود.

ضرورت قانون‌مندی افشای اطلاعات

بسیاری از استدلال‌های ارائه شده درخصوص قانون‌مندی افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها بر این موضوع تاکید دارد که سرمایه‌گذاران و بازار سهام به‌طور کلی، توانایی تشخیص شرکت‌های کارا از شرکت‌های کمتر کارا را ندارد. بعضی از دلایل ارائه شده برای این ناتوانی در تشخیص کارایی بازار، به شرح زیر است:

۱- کنترل انحصاری اطلاعات توسط مدیریت. اغلب ادعا می‌شود که مدیران بر منابع اطلاعات کنترل داشته و قادرند به روش‌ها و مقادیر مختلف اطلاعات را ارائه و قیمت‌های سهام را دستکاری کنند. وضع مقرراتی که افشای اطلاعات را اجباری کند منجر به بهبود توانایی بازار در ایجاد تمایز بین شرکت‌ها در تخصیص بهتر منابع می‌شود.

۲- جزمی‌گری (دگماتیسم)^{۲۱}. طبق فرضیه جزمی‌گری، سرمایه‌گذاران صرف نظر از روش‌های حسابداری متفاوت مورد استفاده برای محاسبه سود، ارقام سود را به نحو مشابهی تفسیر می‌کنند. یک تعبیر از فرضیه جزمی‌گری این

پس‌چیدگی روش‌های محاسبه به‌گونه‌ای بود که هیئت تا سال ۱۹۷۱ بالغ بر ۱۰۲ بیانیه تفسیری در مورد آن منتشر کرد. طبق استاندارد جدید، برای شرکت‌های بدون اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام، یک رقم سود هر سهم پایه و برای شرکت‌های با اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام (شرکت‌های با ساختار سرمایه پیچیده) دو رقم سود اولیه (PEPS)^{۱۶} و کاملاً تقلیل یافته (FDEPS)^{۱۷} هر سهم، باید محاسبه و در متن صورت سود و زیان افشا می‌شد. این نحوه محاسبه و افشا تا سال ۱۹۹۷ پابرجا بود.

در فوریه ۱۹۹۷ هیئت استانداردهای حسابداری مالی بیانیه شماره ۱۲۸ را تحت عنوان «سود هر سهم» منتشر کرد که جایگزین نظریه شماره ۱۵ هیات اصول حسابداری شد. این استاندارد، روش‌های محاسبه سود هر سهم را تا حد زیادی ساده و محاسبه سود پایه هر سهم (BEPS) و سود تقلیل یافته هر سهم (DEPS) را به ترتیب جایگزین محاسبه سود اولیه هر سهم (PEPS) و سود کاملاً تقلیل یافته هر سهم (FDEPS) کرد.

در انگلستان نیز بیانیه اصول استاندارد حسابداری (SSAP)^{۱۸} شماره ۳ تحت عنوان «سود هر سهم» در فوریه ۱۹۷۲ منتشر و شرکت‌هایی که سهام آنها به صورت عمومی مبادله می‌شد را ملزم به تهیه و ارائه سود هر سهم کرد. در اگوست ۱۹۹۰، بیانیه گزارشگری مالی (FRS)^{۱۹} شماره ۳ تحت عنوان «گزارشگری عملکرد مالی» منتشر شد که تجدید نظری در استاندارد قبلی بود. در اکتبر ۱۹۹۸ بیانیه گزارشگری مالی (FRS) شماره ۱۴ تحت عنوان «سود هر سهم» منتشر گردید. انتشار استاندارد جدید در راستای یکنواخت کردن روش‌های محاسبه سود هر سهم در سطح بین‌المللی و متعاقب انتشار استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۳ در ژانویه ۱۹۹۷ بود.

در ایران، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، ملزم به ارائه پیش‌بینی سود هر سهم^{۲۰} به بازار هستند. در حال حاضر، اجزای پیش‌بینی سود شامل سود عملیاتی، سایر درآمدها و هزینه‌ها و اطلاعات مقایسه‌ای نیز ارائه می‌شود. مطابق مقررات سازمان بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌ها باید حداقل ۵ بار در سال (قبل از شروع

است که سرمایه‌گذاران به دلیل این که تعدیل ارقام سود متضمن هزینه است، بین روش‌های مختلف محاسبه سود تمایز قائل نمی‌شوند. یک تعبیر دیگر از فرضیه این است که سرمایه‌گذاران غیر معقول عمل می‌کنند هر چند که در اقتصاد فرض می‌شود که رفتار افراد، رفتاری منطقی است.

۳- تنوع روش‌ها. یکی از دلایل دیگر ناتوانی بازار در فرقی‌گذاری بین شرکت‌های کارا و کمتر کارا، تنوع روش‌هاست. فرض می‌شود به دلیل غیر حرفه‌ای بودن بسیاری از سرمایه‌گذاران، آنها قادر به درک روش‌های متفاوت و تمایز بین آنها نمی‌باشند. استدلال می‌شود که وضع مقررات افشا و ایجاد یکنواختی باعث افزایش رفاه اجتماعی (از طریق کاهش هزینه‌های افشا و استفاده از اطلاعات) می‌گردد.

۴- فقدان عینیت. طبق رویه جاری، روش‌های مختلف حسابداری منجر به ارقام متفاوت در خصوص واقعیت‌های مشابه می‌شود. دلیل این امر، آزادی عمل حسابداران در انتخاب روش‌های مختلف است. وضع مقررات باعث ایجاد یکنواختی می‌گردد و اطلاعات، انعکاسی از واقعیت خواهد بود.

استدلال‌های ارائه شده در خصوص ضرورت قانون‌مندی افشای اطلاعات حسابداری تا حد زیادی در مورد وضعیت فعلی محاسبه و گزارش سود هر سهم صادق است.

چگونگی محاسبه سود هر سهم

در این بخش، نحوه محاسبه سود هر سهم بر طبق بیانیه شماره ۱۲۸ بیانیه‌های استانداردهای حسابداری مالی (SFAS) و نیز استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۳ تشریح می‌شود. در ابتدای ورود به بحث سود هر سهم، تشریح دو مفهوم، ضروری به نظر می‌رسد:

الف) ساختار سرمایه: ساختار سرمایه شرکت‌ها معمولاً به دو شکل ساده و پیچیده است. ساختار ساده، تنها شامل سهام عادی است. در ساختار پیچیده، علاوه بر سهام عادی، شامل اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام مثل گواهینامه حق تقدم خرید سهام و یا اوراق بدهی قابل تبدیل به سهام و انواع

قراردادهایی است که ممکن است در آینده با سهام عادی شرکت تسویه شوند.

ب) میانگین موزون تعداد سهام منتشر شده: سود هر سهم عادی، بیانگر نسبت سود خالص متعلق به سهامداران عادی دوره به تعداد سهام عادی منتشر شده طی همان دوره است. در مخرج این نسبت، باید از میانگین موزون تعداد سهام عادی منتشر شده طی دوره استفاده شود. زیرا در واقع صدور سهام، به منزله ورود جریان وجوه نقد به شرکت است که معمولاً منجر به افزایش سود و یا در صورت تسویه بدهی‌ها، منجر به کاهش هزینه می‌شود. لذا لازم است که متناسب با میزان منابع مورد استفاده جهت تحصیل سود خالص دوره، سود هر سهم آن دوره نیز تعدیل شود تا رابطه‌ای منطقی بین سود کسب شده و منابع بکاررفته جهت تحصیل آن سود، برقرار شود.

به عنوان نمونه، اگر شما دارای یک حساب سپرده سرمایه‌گذاری باشید که در ابتدای سال مبلغ یک میلیون ریال موجودی داشته باشد و در اول مهر و بیست و نهم اسفندماه، به ترتیب اقدام به واریز ۶ میلیون ریال و برداشت ۴ میلیون ریال کنید، در پایان سال مانده حسابی معادل ۳ میلیون ریال خواهید داشت. چنانچه در پایان سال، بانک ۸/۰ میلیون ریال به عنوان سود سپرده به این حساب پرداخت کند، نرخ سود حساب شما چه قدر است؟ در این شرایط، براساس رقم موجودی آخر دوره، نرخ سود حساب سپرده شما ۶/۲۶ درصد خواهد بود. ولی چنانچه مینا، میانگین موزون وجوه طی سال، باشد، نرخ بازده حساب شما ۲۰ درصد می‌شود که نرخ واقعی بازده این حساب خواهد بود. زیرا شما به طور متوسط ۴ میلیون ریال در طی سال، در این حساب موجودی داشته‌اید و بانک نیز به طور متوسط این مبلغ را جهت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود، به وکالت از شما در اختیار داشته است. به عبارت دیگر، سود به مبلغ سرمایه‌گذاری در یک نقطه زمانی خاص تعلق نمی‌گیرد بلکه به متوسط سرمایه‌گذاری در دوره زمانی معین تعلق می‌گیرد. این مثال را می‌توان به شرکت‌ها تسری داد. وجوه حاصل از افزایش سرمایه مانند واریز وجوه به حساب سپرده و کاهش سرمایه مثل برداشت از حساب سپرده

کرده است. میانگین قیمت بازار سهام عادی نیز در این دوره ۷۵ ریال بوده است. مضافاً این که شرکت در طی سال، سهام عادی بالقوه زیر را در جریان داشت:

(الف) اختیار خرید (پاداشی نیست) برای ۱۰۰,۰۰۰ سهم عادی به قیمت اعمال ۶۰ ریال.

(ب) ۸۰۰,۰۰۰ سهم ممتاز قابل تبدیل، با سود هر سهم ۸ ریال و با انباشت سود هر سهم قابل تبدیل به دو سهم می‌باشد.

(ج) اوراق قرضه قابل تبدیل با ارزش اسمی ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (صادر شده به ارزش اسمی) با بهره ۵ درصد، هر ورقه ۱۰۰۰ ریالی قابل تبدیل به ۲۰ سهم عادی است. (نرخ مالیات شرکت ۴۰ درصد است).

براساس استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۳ و بیانیه استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۲۸، تمام شرکت‌ها موظف به محاسبه سود پایه هر سهم می‌باشند. در مورد شرکت‌ها با ساختار سرمایه پیچیده، لازم است سود تقلیل یافته هر سهم نیز محاسبه و گزارش شود.

لذا، سود پایه هر سهم براساس وضعیت جاری سهام شرکت مورد محاسبه قرار می‌گیرد که برای این منظور می‌توان از فرمول ۲ استفاده کرد:

همان طور که مشاهده می‌شود، در این مثال، شرکت دارای یک ساختار سرمایه پیچیده است. بنابراین نیاز به محاسبه سود تقلیل یافته هر سهم (DEPS) مطرح می‌شود. اولین اقدام در این جهت، شناسایی تمام قراردادهای خرید سهام و اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام است که اثر تقلیل دهنده بر روی سود هر سهم دارند. بدیهی است که تبدیل اوراق بهاداری همچون، حق تقدم خرید و اختیار خرید سهام، فقط بر مخرج کسر محاسبه سود هر سهم اثر دارند و در صورتی که میانگین قیمت بازار سهام بیش از قیمت اعمال باشد، قطعاً اثر تقلیل دهنده خواهند داشت. لیکن در اینجا یک سؤال مطرح می‌شود که چه برخوردی باید با وجوه نقد حاصل از

نمایشگر ۱- اطلاعات مربوط به تغییرات تعداد سهام عادی شرکت الف

تاریخ	توضیحات	تعداد
۱۳۸۵/۱/۱	مانده اول سال	۶۰۰,۰۰۰
۱۳۸۵/۲/۱	صدور سهام جدید	۱۲۰,۰۰۰
۱۳۸۵/۵/۱	بازخرید و ابطال سهام (کاهش سرمایه)	۶۰,۰۰۰
۱۳۸۵/۷/۱	تجزیه سهام ۱ به ۲	—
۱۳۸۵/۹/۱	اعلام و توزیع ۵۰ درصد سود سهمی	—
۱۳۸۵/۱۱/۱	صدور سهام جدید	۱۲۰,۰۰۰

است. در مواردی که شرکت از بابت سود سهمی، تجزیه سهام یا معکوس تجزیه سهام، سهام جدیدی منتشر می‌کند، این سهام به عنوان بخشی از سهام منتشر شده قبلی تلقی می‌شود و اثرات انتشار، به ابتدای دوره و دوره‌های قبل تسری می‌یابد. در این موارد فرض می‌شود که سهام اضافی صادر شده، صرف نظر از تاریخ توزیع سهام جدید، در تمام طول دوره‌های مورد گزارش، در اختیار صاحبان سهام بوده است. زیرا انتشار این سهام منجر به ورود منابع جدید به شرکت نشده و از محل منابعی (سود انباشته، اندوخته‌ها یا صرف سهام) است که از قبل در اختیار شرکت بوده است. لیکن شاید در ایران این نحوه برخورد با سود سهمی مناسب نباشد زیرا شرکت‌ها فاقد یک سیاست تقسیم سود مشخص می‌باشند و عمدتاً هر سال بخش عمده‌ای از سود خود را تقسیم می‌کنند. در ادامه با ذکر مثالی، نحوه محاسبه سود هر سهم تشریح می‌شود:

شرکت الف (سهامی عام) برای محاسبه سود هر سهم سال مالی منتهی به ۱۳۸۵/۱۲/۲۹، اطلاعات مربوط به افزایش یا کاهش تعداد سهام عادی، در طی سال مالی مذکور را به شرح نمایشگر ۱ ارائه کرده است.

با توجه به اطلاعات موجود، میانگین موزون سهام در طی دوره با فرمول ۱ محاسبه می‌شود: با این کار در واقع، تعداد سهام موزون شده براساس زمان، به دست می‌آید. شرکت، سود خالص سال مالی ۱۳۸۵ را ۱۶,۴۰۰,۰۰۰ ریال اعلام

فرمول ۱ الی ۴

فرمول ۱

$$(600,000 \times \frac{12}{12} + 120,000 \times \frac{10}{12} - 60,000 \times \frac{8}{12}) \times 2 \times 1/5 + 120,000 \times \frac{2}{12} = 2,000,000$$

فرمول ۲

کل سودی که متعلق به سهامداران عادی است = $\frac{\text{سود سهام ممتاز - سود خالص}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام عادی در طی دوره}}$ - سود پایه هر سهم (BEPS)

$$\text{سود هر سهم (BEPS)} = \frac{(16,400,000 - (800,000 \times 8))}{2,000,000} = \frac{10,000,000}{2,000,000} = 5$$

فرمول ۳

تعداد کل سهام قابل خرید با اختیار خرید \times $\left[\frac{\text{قیمت اعمال اختیار خرید - میانگین قیمت بازار}}{\text{میانگین قیمت بازار سهام}} \right]$ = تعداد سهامی که باید منتشر شود

فرمول ۴

تغییر سود خالص ناشی از تبدیل فرضی = $\frac{\text{سود هر سهم تفاضلی ناشی از تبدیل فرضی}}{\text{افزایش تعداد سهام عادی ناشی از تبدیل فرضی اوراق بهادار قابل تبدیل}}$

بهادار قابل تبدیل، چه میزان سود و سهام تغییر می‌کند، و برای هر نوع اوراق، یک مبلغ سود هر سهم محاسبه می‌شود. بنابراین می‌توان رابطه فرمول ۴ را برای این نسبت ارائه کرد:

در مثال مذکور، سود هر سهم تفاضلی و احتمال تقلیل دهندگی اوراق قابل تبدیل به شرح نمایشگر ۲ است: نحوه محاسبه ارقام مندرج در نمایشگر ۲، در نمایشگر ۳ ارائه شده است:

در گام بعدی، باید اوراق بهادار تقلیل دهنده اولویت بندی شده را به ترتیب اولویت شان، بر روی صورت و مخرج کسر محاسبه سود پایه هر سهم (BEPS) اعمال کرد و این کار را تا مادامی ادامه داد که حاصل، نسبت به مرحله قبلی خود در حال کاهش است. آخرین عددی که به این طریق محاسبه خواهد شد، سود تقلیل یافته هر سهم (DEPS) شرکت خواهد بود. در این جا، بدیهی است که اوراقی مانند اختیار

اعمال اوراق مربوطه بشود؟ در این مورد طبق هر دو استاندارد مورد اشاره، باید از روش سهام خزانة استفاده کرد. به عبارت دیگر، باید فرض شود که شرکت هرگونه دریافت‌های نقدی، در نتیجه اعمال حق تقدم خرید سهام را برای باز خرید سهام به کار می‌برد و این سهام را به صاحبان حق تقدم سهام می‌دهد و برای باقی مانده نیز، سهام جدید منتشر می‌کند. بنابراین تعداد سهامی که به طور مثال از بابت اختیار خریدهای شرکت می‌تواند در محاسبه سود تقلیل یافته هر سهم (DEPS) آن شرکت ملحوظ شود، از فرمول ۳ قابل استخراج است:

برای هر یک از اوراق بهادار قابل تبدیل به سهام عادی، باید آزمون تقلیل / ضد تقلیل سود هر سهم را انجام داد و به این منظور سود هر سهم تفاضلی (نهایی) آنها را محاسبه و به ترتیب از کمترین به بیشترین مرتب کنیم. مفهوم سود هر سهم تفاضلی (نهایی) این است که با فرض تبدیل اوراق

نمایشگر ۲- تعیین سود هر سهم تفاضلی و آزمون تقلیل / ضد تقلیل اوراق قابل تبدیل

شرح	افزایش در سود	افزایش در تعداد سهام عادی	سود هر سهم اضافی	واجد شرایط
اختیار خرید	۰	۲۰,۰۰۰ (۱)	۰	بله
اوراق قرضه	۲,۰۰۰,۰۰۰ (۳)	۲,۰۰۰,۰۰۰ (۵)	۱/۵	بله
سهام ممتاز	۶,۴۰۰,۰۰۰ (۲)	۱,۶۰۰,۰۰۰ (۲)	۴	خیر

نمایشگر ۳- محاسبات مربوط به تعیین سود هر سهم اضافی

(۱)	$\left[\frac{(۷۵ - ۶۰)}{۷۵} \right] \times ۱۰۰,۰۰۰ = ۲۰,۰۰۰$
(۲)	$۸۰۰,۰۰۰ \times ۸ = ۶,۴۰۰,۰۰۰$
(۳)	$۸۰۰,۰۰۰ \times ۲ = ۱,۶۰۰,۰۰۰$
(۴)	$(۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۵\%) \times (۱ - ۳۰\%) = ۳,۰۰۰,۰۰۰$
(۵)	$\frac{۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲۰}{۱۰۰۰} = ۲,۰۰۰,۰۰۰$

بود. پس از آن، بیانیه استاندارد حسابداری مالی (FASB) شماره ۱۲۸ و استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۳ تحت نام «سود هر سهم» به عنوان اولین پروژه فنی مشترک بین هیات استانداردهای حسابداری مالی (FASB) و هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)^{۲۲} منتشر شد. براساس این طرح، در سپتامبر ۲۰۰۲، اعضای هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده (FASB) و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) جلسه مشترکی در جهت همگرایی استانداردهای حسابداری و طرح‌های بلندمدت پیاده سازی این همگرایی برگزار کردند. به عنوان قسمتی از آن برنامه، این دو هیئت به طور مشترک تصمیم به اجرای طرحی کوتاه‌مدت، برای حذف تفاوت‌های فاحش بین بیانیه‌های رسمی حسابداری پیشگفته گرفتند و هر دو هیئت موافقت کردند که توجه اصلی طرح کوتاه‌مدت همگرایی بین آنها، محدود به سه موضوع زیر باشد:

خرید سهام با سود هر سهم تفاضلی صفر ریال، بالاترین اوراق در گام قبل و اولین اوراقی خواهد بود که در این گام بر روی سود پایه هر سهم (BEPS) اعمال می‌شود.

سود هر سهم تفاضلی و مبلغ سود هر سهم به شرح نمایشگر ۴ است:

همگرایی بین‌المللی در استانداردهای حسابداری سود هر سهم

در سال ۱۹۹۱، هیات استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده طرحی را منتشر (و در ۱۹۹۵ به روز) کرد که در آن پیشنهاداتی جهت افزایش دامنه قدرت و فعالیت‌های بین‌المللی ارائه شده بود. یکی از اهداف آن طرح، تدوین بیانیه‌های مالی مفیدتر برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، از طریق افزایش قابلیت مقایسه بین‌المللی استانداردهای حسابداری و بهبود کیفیت استانداردهای حسابداری جاری

نمایشگر ۴- اعمال اوراق بهادار تقلیل‌دهنده بر روی سود پایه هر سهم و محاسبه سود تقلیل یافته هر سهم

شرح	صورت کسر	مخرج کسر	سود هر سهم
سود پایه هر سهم	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	۵
اختیار خرید	۰	۲۰,۰۰۰	
جمع	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۲,۰۲۰,۰۰۰	۳/۹۵
اوراق قرضه	۳,۰۰۰,۰۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	
جمع	۱۳,۰۰۰,۰۰۰	۲,۰۲۰,۰۰۰	۳/۲۲
سهام ممتاز	۶,۴۰۰,۰۰۰	۱,۶۰۰,۰۰۰	
جمع	۱۹,۴۰۰,۰۰۰	۲,۶۲۰,۰۰۰	۳/۴۵

سود تقلیل یافته هر سهم →

اوراق بهادار ضد تقلیل →

نهایتاً هیات استانداردهای حسابداری مالی (FASB)، در دسامبر ۲۰۰۳ در راستای پروژه همگرایی کوتاه‌مدت با هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)، پیش‌نویس اصلاح بیانیه ۱۲۸ را برای یک دوره ۱۲۰ روزه نظرخواهی منتشر کرد و ۲۹ نامه اظهار نظر روی پیش‌نویس ۲۰۰۳ اصلاح این بیانیه، دریافت کرد. هیئت دوباره بیانیه اصلاحی پیشنهادی خود را مورد بررسی قرار داد. بیشتر نتیجه‌گیری‌ها و بررسی‌ها، تغییری در پیش‌نویس ۲۰۰۳ ایجاد نکرد. لیکن هیئت یک سری تصمیمات اضافی در مورد برخی ابزارهای مالی گرفت و آخرین نسخه پیش‌نویس اصلاح قسمت‌هایی از بیانیه شماره ۱۲۸ را در سپتامبر ۲۰۰۵ منتشر کرد و در فرصت ۶۰ روزه نظرخواهی راجع به آن، ۱۴ نامه اظهار نظر از نهادها و اشخاص مختلف حرفه‌ای دریافت کرد.

طرح‌های جدید در مورد بهبود محاسبه سود هر سهم پیش‌نویس اصلاح بیانیه ۱۲۸، قصد دارد رهنمودهای عملی بیشتری برای ابزارهای مالی قابل تبدیل اجباری به روش سهام خزانه^{۲۴}، قراردادهایی که با وجه نقد یا سهام تسویه خواهند شد و سهام قابل انتشار مشروط، ارائه کند. البته هیچ‌گونه تغییر نگرش بنیادی در محاسبه سود پایه هر سهم و سود تقلیل یافته هر سهم بوجود نخواهد آمد و تمام اصلاحات، بنا به نیازهای حرفه حسابداری و همگرایی با استانداردهای بین‌المللی بوده است.

الف) توجه به بیانیه‌های رسمی حسابداری مربوط به هیئت آمریکا که واگرا^{۲۳} و متفاوت بودند.

ب) همگرایی به یک راه حل با کیفیت بالا و دست یافتنی برای یک دوره کوتاه‌مدت، که با انتخاب استانداردهای مشترک امکان‌پذیر می‌شود.

ج) کار بر روی بیانیه‌های مربوط به موضوعات جاری، که در پروژه‌های دیگر به آنها پرداخته نشده است.

بعد از این جلسه، هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)، استاندارد شماره ۳۳ را مورد تجدید نظر قرار داد و به منظور افزایش راهنمایی‌های محاسباتی سود هر سهم تغییراتی در آن ایجاد کرد و نسخه اصلاح شده بیانیه را سپتامبر ۲۰۰۴ منتشر کرد.

در حقیقت این دو هیئت محاسبه سود هر سهم را به عنوان یک بیانیه مناسب برای قسمتی از پروژه همگرایی کوتاه مدت تعریف کردند. زیرا سود هر سهم به‌طور گسترده‌ای به عنوان مقیاس عملکرد شرکت‌ها استفاده می‌شود. در پاراگراف ۷۵ بیانیه ۱۲۸ هیات استانداردهای حسابداری مالی آمده است که «... صورت‌های مالی می‌تواند به وسیله ساده‌سازی رهنمودهای محاسباتی موجود ... و افزایش قابلیت مقایسه سود هر سهم، مبتنی بر یک منبای بین‌المللی، بهبود یابد» و این خود راه‌گشای اصلاحات بعدی روی این بیانیه در جهت همگرایی با استانداردهای بین‌المللی بوده است.

نظارت و حسابرسی اثربخش در نظام بانکی

دکتر حسین کثیری

مدرس دانشگاه و عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

این مقاله در همایش "نظارت در صنعت بانکداری" که در اردیبهشت ماه ۸۴ در مرکز همایش‌های محمد بن زکریای رازی برگزار گردید توسط جناب آقای دکتر حسین کثیری ارائه گردید. که متن کامل این مقاله در اختیار کلیه علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان قرار می‌گیرد.

نقدینگی، ریسک بازار، مشتمل بر نوسانات نرخ بهره، تورم، نرخ ارز و قیمت‌ها، ریسک عملیاتی، ریسک سرمایه و حقوقی، محیط تجاری بانک‌ها را از بعد نظارت و حسابرسی و ریسک‌پذیری از دیگر فعالیت‌های اقتصادی متمایز و آنها را با مشکلاتی در دستیابی



اهداف سازمانی مواجه ساخته است. از این رو امر نظارت و کنترل و مدیریت ریسک در بانک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از دیدگاه مدیریت استراتژیک، نظارت و حسابرسی یکی از اجزای لاینفک برنامه‌ریزی استراتژیک بانک محسوب می‌شود که برای حصول اطمینان از دستیابی به

چکیده

بانک‌ها نهادهای مالی هستند که به عنوان سازمان‌های واسطه‌گری در نظام مالی نقش بسیار مهم و حساسی را ایفا می‌نمایند. این نهادها از طریق جذب منابع به صورت سپرده‌های جزء و کلان و تخصیص آنها به صورت بهینه و کارشناسانه از طریق اعطای تسهیلات و

سرمایه‌گذاری نقش اساسی در فراهم‌سازی مکانیزم ارزش افزوده اقتصادی به عهده دارند. به علاوه بانک‌ها با انجام خدمات متنوع گردش پول، انجام معاملات و سایر امورات اقتصادی جامعه را تسهیل می‌کنند.

ماهیت خدمات بانکی مستلزم پذیرش ریسک است. پذیرش ریسک‌های مختلف از جمله ریسک اعتباری،

اهداف و برنامه‌های بانک و آگاهی از میزان پیشرفت آنها، گزارش به موقع استثنائات و عدول از پیش‌بینی‌ها و اهداف تعیین شده، ضرورت می‌یابد.

از منظر حاکمیت شرکتی، نظارت و حسابرسی بخشی غیرقابل تفکیک از مکانیزم حاکمیت شرکتی بانک را تشکیل می‌دهد. مکانیزمی که از طریق آن هدایت و نظارت بر فعالیت‌های بانک در راستای حمایت از منافع سرمایه‌گذاران و افزایش ارزش بانک به همراه رعایت حقوق سایر ذی‌نفعان تحقق می‌یابد.

از دیدگاه ساختار کنترل داخلی، نظارت و حسابرسی به عنوان یکی از اجزای چارچوب کنترل داخلی برای اطمینان از قابل حصول بودن اهداف و ارزیابی کیفیت عملکرد بانک شناخته می‌شود.

بخشی از نظارت مستقیماً توسط مدیریت بانک در راستای وظائف نظارتی مدیریت صورت می‌گیرد و بخشی دیگر مستقلاً توسط فرایند حسابرسی انجام می‌شود. فرایند نظارت و حسابرسی مستقل در بانک‌ها متشکل از دو مکانیزم داخلی (کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و بازرسی کل) و مکانیزم خارجی (ناظرین بانکی، حسابرسان مستقل و سایر نهادهای نظارتی) می‌باشد. اگر چه هر یک از اجزای مکانیزم‌های فوق ممکن است اهداف متفاوتی را دنبال کنند، لکن هدف مشترک آنها اطمینان از حرکت فعالیت‌ها در راستای اهداف تعیین شده بانک از جمله حمایت از منافع سرمایه‌گذاران و حفظ حقوق سایر ذی‌نفعان و ارائه خدمت و خلق ارزش برای ذی‌نفعان بانک می‌باشد، لذا هماهنگی و تبادل اطلاعات بین آنان در راستای اثربخشی و کاهش هزینه نظارت و حسابرسی و تحقق اهداف بانک ضروری است و لازمست این هماهنگی از طریق مکانیزمی مدون در بانک استقرار یابد. یکی از راه‌های ایجاد هماهنگی تشکیل کمیته حسابرسی بانک است. در این نوشتار ضمن بررسی ضرورت و جایگاه نظارت و حسابرسی در نظام بانکی، اصول کلی پیشنهادی کمیته نظارت بانکی بال در خصوص نظارت کارآمد بانکی، حسابرسی داخلی در بانک‌ها و ارتباط ناظرین بانکی با حسابرسان تشریح می‌شود.

مقدمه

بانک‌ها نهادهای مالی هستند که به عنوان سازمان‌های واسطه‌گری در نظام مالی نقش بسیار مهم و حساسی را ایفاء می‌نمایند. این نهادها از طریق جذب منابع به صورت

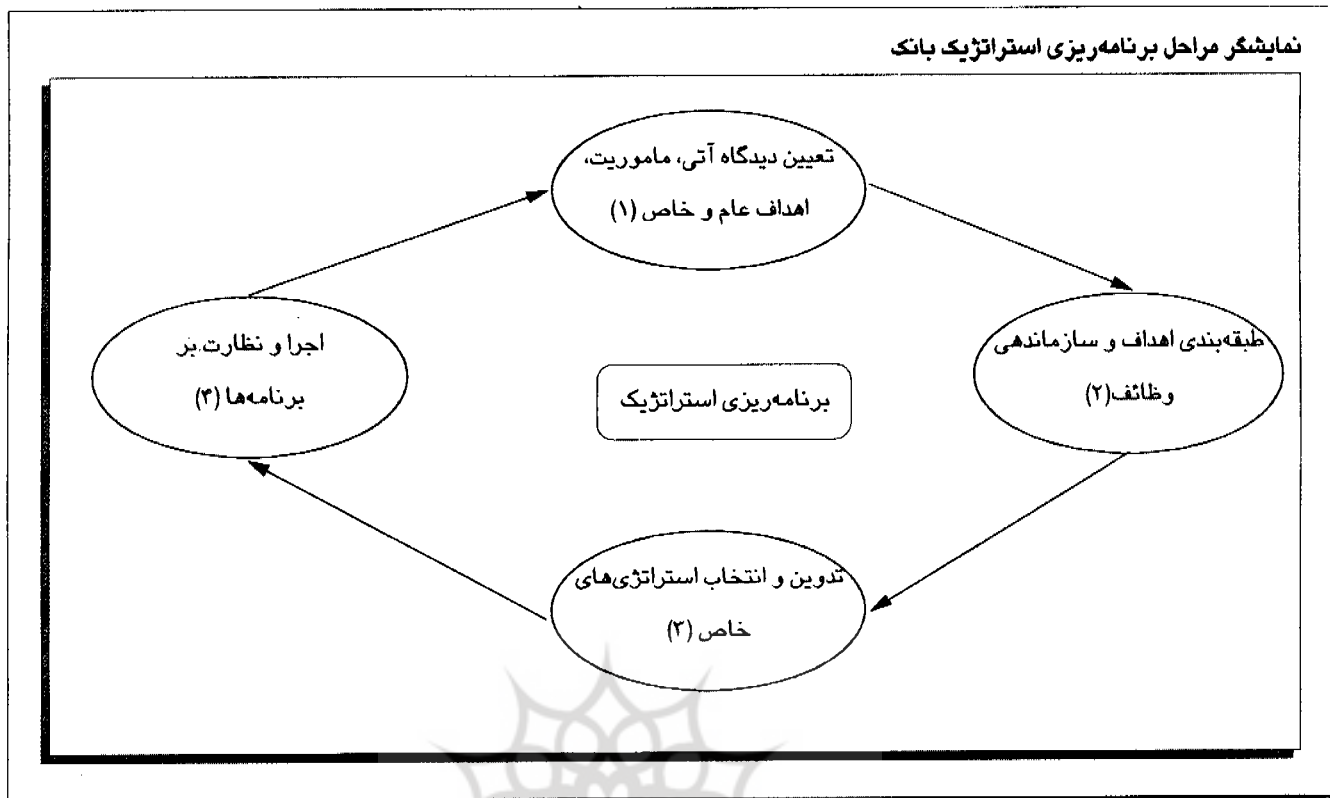
سپرده‌های جزء و کلان و تخصیص آنها به صورت بهینه و کارشناسانه از طریق اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری نقش اساسی در فراهم‌سازی مکانیزم ارزش افزوده اقتصادی به عهده دارند. به علاوه بانک‌ها با انجام خدمات متنوع گردش پول، انجام معاملات و سایر امور اقتصادی جامعه را تسهیل می‌کنند.

ماهیت خدمات بانکی مستلزم پذیرش ریسک است. پذیرش ریسک‌های مختلف از جمله ریسک اعتباری، نقدینگی، ریسک بازار، مشتمل بر نوسانات نرخ بهره، تورم، نرخ ارز و قیمت‌ها، ریسک عملیاتی، ریسک سرمایه و حقوقی، محیط تجاری بانک‌ها را از بعد نظارت و حسابرسی و ریسک‌پذیری از دیگر فعالیت‌های اقتصادی متمایز و آنها را با مشکلاتی در دستیابی اهداف سازمانی مواجه ساخته است. از این رو امر نظارت و حسابرسی و مدیریت ریسک در بانک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از دیدگاه مدیریت استراتژیک، نظارت و حسابرسی یکی از اجزای لاینفک برنامه‌ریزی استراتژیک بانک محسوب می‌شود که برای حصول اطمینان از دستیابی به اهداف و برنامه‌های بانک و آگاهی از میزان پیشرفت آنها، گزارش به موقع استثنائات و عدول از پیش‌بینی‌ها و اهداف تعیین شده، ضرورت می‌یابد.

از منظر حاکمیت شرکتی، نظارت و حسابرسی بخشی غیرقابل تفکیک از مکانیزم حاکمیت شرکتی بانک را تشکیل می‌دهد. مکانیزمی که از طریق آن هدایت و نظارت بر فعالیت‌های بانک در راستای حمایت از منافع سرمایه‌گذاران و افزایش ارزش بانک به همراه رعایت حقوق سایر ذی‌نفعان تحقق می‌یابد.

از دیدگاه ساختار کنترل داخلی، نظارت و حسابرسی به عنوان یکی از اجزای چارچوب کنترل داخلی برای اطمینان از قابل حصول بودن اهداف و ارزیابی کیفیت عملکرد بانک شناخته می‌شود. بخشی از نظارت مستقیماً توسط مدیریت بانک در راستای وظائف نظارتی مدیریت صورت می‌گیرد و بخشی دیگر مستقلاً توسط فرایند حسابرسی انجام می‌شود. فرایند نظارت و حسابرسی مستقل در بانک‌ها متشکل از دو مکانیزم داخلی (کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و بازرسی کل) و مکانیزم خارجی (ناظرین بانکی، حسابرسان مستقل و سایر نهادهای نظارتی) می‌باشد. اگر چه هر یک از اجزای مکانیزم‌های فوق ممکن است اهداف متفاوتی را دنبال کنند، لکن هدف مشترک آنها اطمینان از حرکت



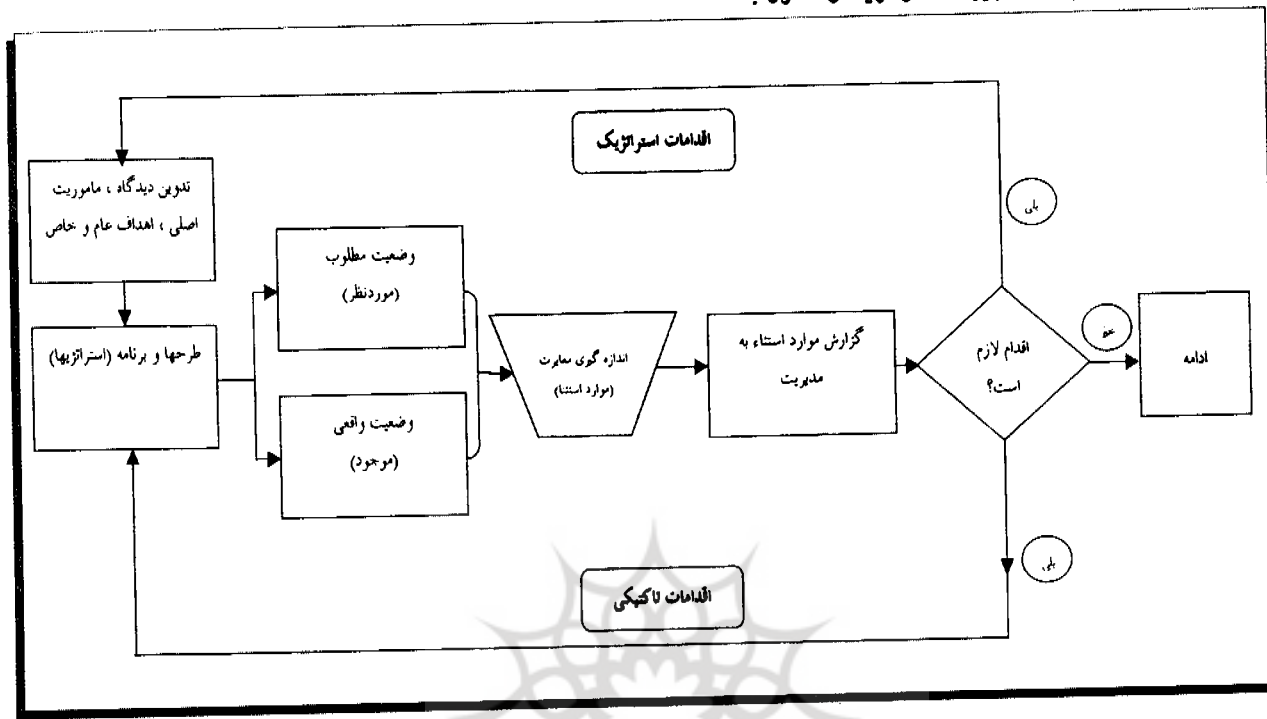
استفاده از رسیدگی نمونه‌ای، وجود محدودیت‌های ذاتی سیستم کنترل داخلی (امکان تبانی و جعل)، متفاوت بودن درجه متقاعدکنندگی شواهد و استفاده از قضاوت تنها می‌توانند اطمینانی معقول ارائه کنند نه مطلق. پذیرش ریسک حسابرسی و مدیریت آن متأثر از ریسک ذاتی و محیط تجاری واحد اقتصادی است. محیط تجاری بانک‌ها به لحاظ ماهیت و ویژگی‌های ذاتی فعالیت‌ها و پذیرش ریسک‌های گوناگون، متفاوت از دیگر واحدهای اقتصادی است.

ویژگی‌های متمایز محیط تجاری بانکی به شرح زیر است:

- ۱- استفاده از وجه نقد و معادل نقد به عنوان ورودی فعالیت‌های تجاری؛
- ۲- وجود طیف گسترده‌ای از ریسک‌ها در ماهیت فعالیت‌های بانکی؛
- ۳- آسیب‌پذیری شدید در مقابل متغیرهای اقتصادی؛
- ۴- بالا بودن ریسک عملیاتی به لحاظ استفاده وسیع از نیروی انسانی و مکانیزاسیون؛
- ۵- پاسخ‌گویی بالا به انتظارات جامعه و حفاظت از منافع عمومی و ابزار اعمال حاکمیت دولت؛
- ۶- حاکمیت مقررات و قوانین مختلف.

فعالیت‌ها در راستای اهداف تعیین شده بانک از جمله، حمایت از منافع سرمایه‌گذاران، حفظ حقوق سایر ذی‌نفعان و ارائه خدمت و خلق ارزش برای ذی‌نفعان بانک می‌باشد، لذا هماهنگی و تبادل اطلاعات بین آنان در راستای اثربخشی و کاهش هزینه نظارت و حسابرسی و تحقق اهداف بانک ضروری است و لازمست این هماهنگی از طریق مکانیزمی مدون در بانک استقرار یابد. یکی از راه‌های ایجاد هماهنگی تشکیل کمیته حسابرسی بانک است. در این نوشتار ضمن بررسی ضرورت و جایگاه نظارت و حسابرسی در نظام بانکی، اصول کلی پیشنهادی کمیته نظارت بانکی بال^۱ در خصوص نظارت کارآمد بانکی، حسابرسی داخلی در بانک‌ها و ارتباط ناظرین بانکی با حسابرسان تشریح می‌شود.

وجه تمایز محیط تجاری بانک‌ها با دیگر واحدهای اقتصادی انجام حسابرسی مانند هر فعالیت دیگری مستلزم پذیرش ریسک است، ریسک اظهار نظر نامناسب و ریسک عدم کشف اشتباهات و تحریفات با اهمیت، لذا حسابرسان به دلیل محدودیت‌های ذاتی هرکار حسابرسی، از جمله

نمایشگر مدل سیستم برنامه‌ریزی استراتژیک و کنترل بانک^۲

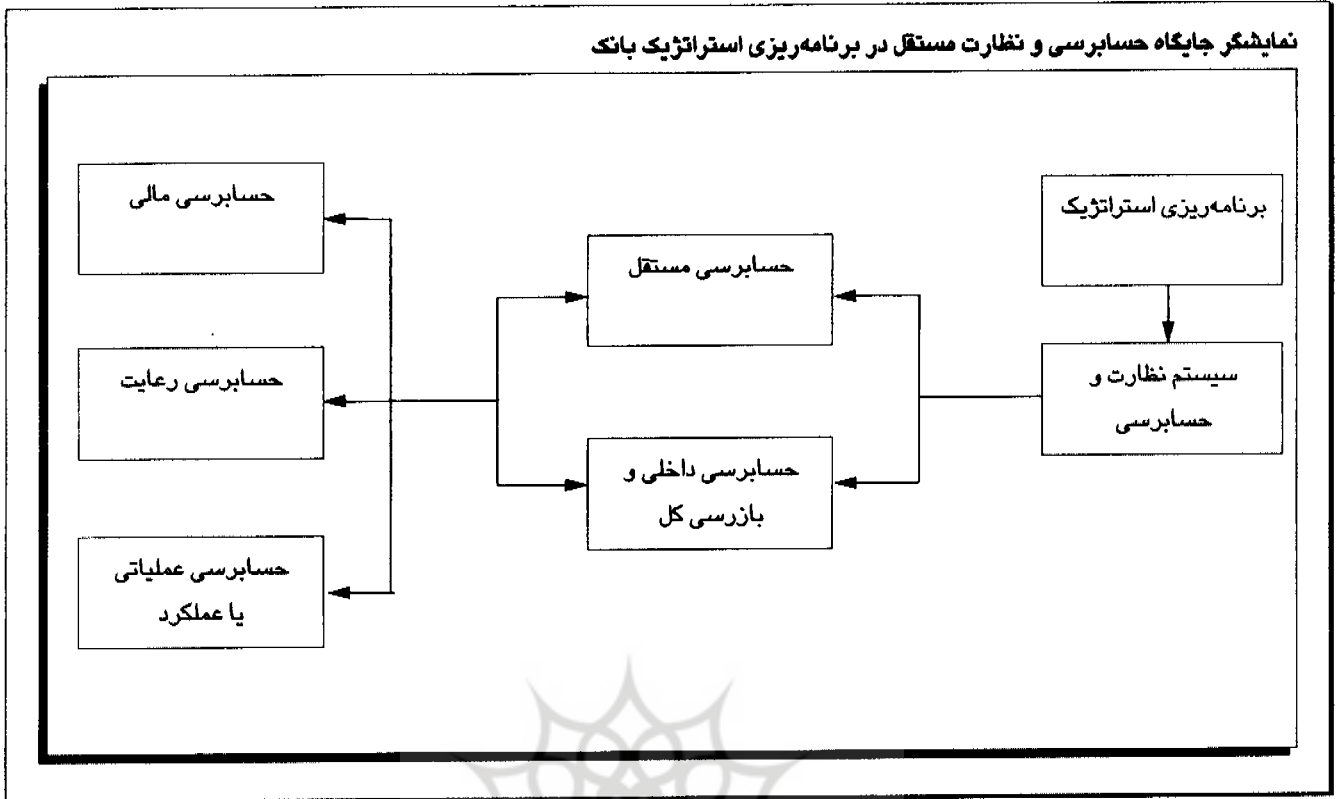
که حداقل سود مورد انتظار تعیین شده توسط مراجع ذیصلاح حاصل شود. از این رو است که بانک‌ها معمولاً حداقل سود مورد انتظار را به صورت علی‌الحساب طی دوران سپرده‌گذاری به سپرده‌گذاران پرداخت نموده و در پایان هر دوره مالی، مابه‌التفاوت سود حاصله را به آنان پرداخت می‌کنند. تخصیص منابع به مصارفی چون تسهیلات اعطایی و سرمایه‌گذاری مستلزم پذیرش ریسک است. ریسک یعنی احتمال محقق نشدن پیش‌بینی‌های آینده. بانک‌ها با انواع ریسک‌ها از جمله ریسک اعتباری، نقدینگی ریسک بازار شامل ریسک نوسانات نرخ بهره، تورم، تغییرات نرخ ارز و نوسانات قیمت‌ها، ریسک عملیاتی و ریسک سرمایه و حقوقی مواجه‌اند. اگر چه ریسک‌های فوق بعضاً در واحدهای اقتصادی دیگر نیز وجود دارد، لکن عمده ریسک مورد پذیرش آنها محدود به نوع فعالیت خاصی است که در آن عمل می‌کنند. در حالی که بانک با اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری در واحدهای اقتصادی مختلف، ریسک کلیه آن فعالیت‌ها را می‌پذیرد.

تجهیز منابع و تخصیص آن به شکل تسهیلات و سرمایه‌گذاری و کسب سود مورد انتظار تصمیمات اصلی بانک را تشکیل می‌دهد. در این تصمیمات همواره دو سوال

استفاده از وجه نقد و معادل نقد به عنوان ورودی فعالیت‌های تجاری - وجه نقد و معادل نقد که به عنوان ورودی در غالب فعالیت‌های بانکی به‌طور وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد، ذاتاً به دلیل قابلیت انتقال و نقدینگی در مقابل اشتباهات و تحریفات شدیداً آسیب‌پذیر است. در حالی که در سایر فعالیت‌ها، وجه نقد تنها به عنوان یکی از اقلام دارایی جهت رفع نیازهای نقدینگی کوتاه‌مدت استفاده می‌شود و معمولاً مواد اولیه آنها از قابلیت نقدینگی و انتقال‌پذیری کمتری برخوردار است.

وجود طیف گسترده‌ای از ریسک‌ها در ماهیت فعالیت‌های بانکی - فعالیت اصلی بانک‌های اسلامی جذب منابع به صورت سپرده‌های جزء و کلان و تخصیص آنها به صورت بهینه و کارشناسانه به وکالت از سپرده‌گذاران، از طریق اعطای تسهیلات، مشارکت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف اقتصادی است. فعالیت بانک‌ها کسب سود و تقسیم آن بین سپرده‌گذاران و بانک با توجه به میزان و مدت منابع استفاده شده پس از کسر حق‌الوکاله بانک را به همراه دارد. طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌های مربوطه، بانک باید سپرده‌ها را در فعالیت‌های سودآوری به کار گیرد

نمایشگر جایگاه حسابرسی و نظارت مستقل در برنامه‌ریزی استراتژیک بانک



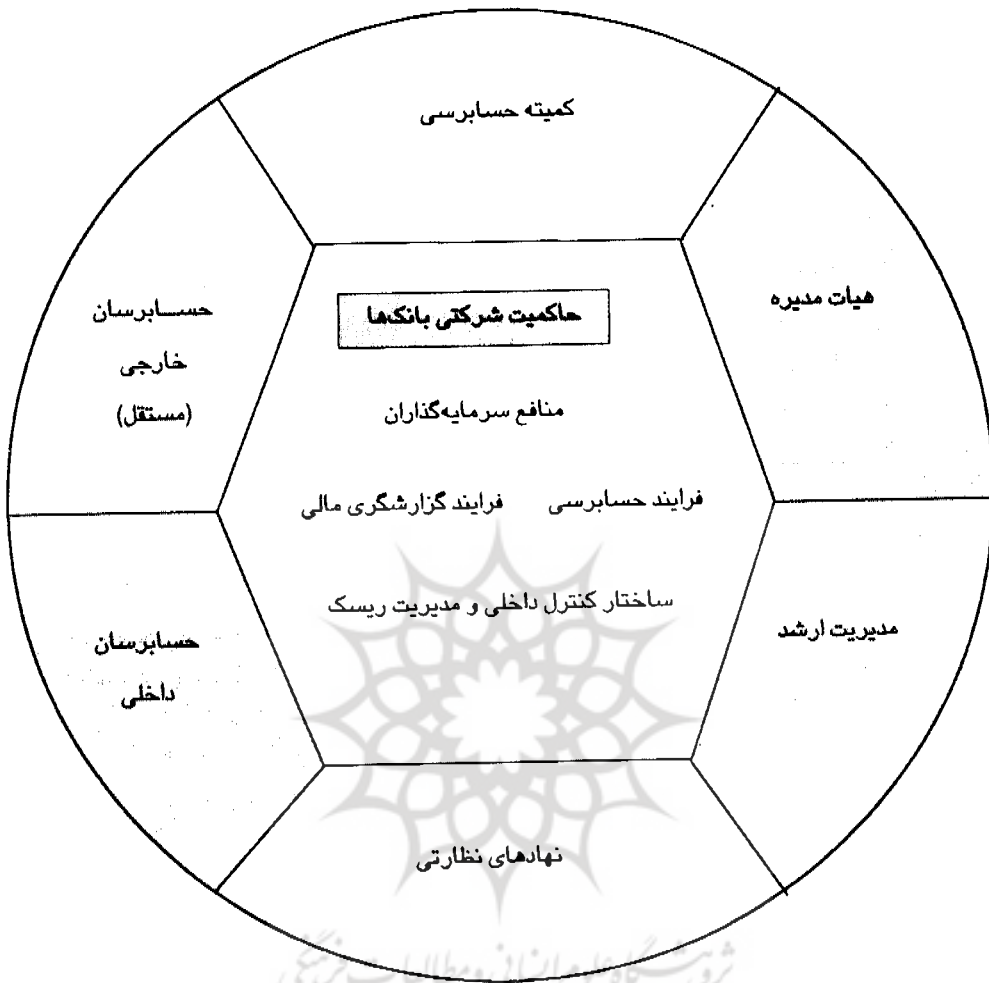
بدهی‌ها، درآمدها و هزینه‌های ناشی از آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای مثال، افزایش حداقل نرخ سود مورد انتظار در بازار موجب افزایش نرخ سود مورد انتظار سپرده‌گذاران به ویژه در کوتاه مدت می‌گردد، لکن سود حاصل از تسهیلات اعطایی بلندمدت با توجه به مفاد قرارداد، نوع معاملات و شرایط اقتصادی الزاماً تغییر نخواهد کرد. لذا در صورت عدم تحقق حداقل سود مورد انتظار سپرده‌گذاران، بانک‌ها در شرایط موجود این مابه‌التفاوت را از محل منابع خود تامین می‌نمایند.

بالا بودن ریسک عملیاتی به لحاظ استفاده وسیع از نیروی انسانی و مکانیزاسیون - ریسک عملیاتی به احتمال زیاد ناشی از عدم کفایت و ناتوانی فرایندهای کنترل‌های داخلی، نیروی انسانی، سیستم‌های اطلاعاتی و مکانیزه و نیز رویدادهای خارجی اطلاق می‌شود. ضعف در سیستم‌های کنترلی و عملیاتی، به ویژه سیستم‌های مکانیزه و خطاهای ناشی از نیروی انسانی اعم از سهوی و عمدی (اشتباهات و تقلبات)، ریسک عملیاتی بانک را افزایش داده و جریان نظام تسویه حساب‌ها و نقل و انتقالات مالی بانک را تحت تاثیر قرار می‌دهد. و موجب ضرر و زیان هنگفت می‌شود. ریسک عملیاتی هم چنین موجب از دست دادن درجه اعتبار و

اصلی مطرح است. اول آنکه تخصیص منابع به تسهیلات و سرمایه‌گذاری چه میزان ریسک برای بانک در برداشته و چه میزان سود عاید خواهد کرد و آیا این میزان ریسک با ریسک مورد پذیرش بانک (منابع در معرض ریسک بانک)^۳ که براساس سیاست‌های کلی تعیین می‌شود هماهنگ است و ثانیاً با توجه به پیش‌بینی تغییرات نرخ سود در بازار و تاثیر آن بر حداقل سود مورد انتظار بانک، ترکیب و زمانبندی منابع و مصارف، با توجه به ترکیب و زمانبندی متفاوت دارایی‌ها و بدهی‌ها، چگونه باشد تا سود مورد انتظار بانک حاصل شود. با توجه به متغیر بودن عوامل فوق، حاشیه سود بانک تغییر خواهد کرد. بنابراین بانک باید مدیریت ریسک و مدیریت دارایی و بدهی مناسبی را مستقر کرده تا از طریق آن بتواند ریسک‌های مزبور را کنترل و مدیریت نماید.

آسیب‌پذیری شدید در مقابل متغیرهای اقتصادی - بانک‌ها به لحاظ ماهیت فعالیت‌های خود در مقابل متغیرهای اقتصادی هم چون تغییرات نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ سود، اشتغال، نقدینگی و ... شدیداً آسیب‌پذیرند. اگر چه متغیرهای اقتصادی بر سایر واحدهای اقتصادی نیز موثر است. لکن نوسانات نرخ‌های مختلف در بازار به ویژه نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ سود، پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها و

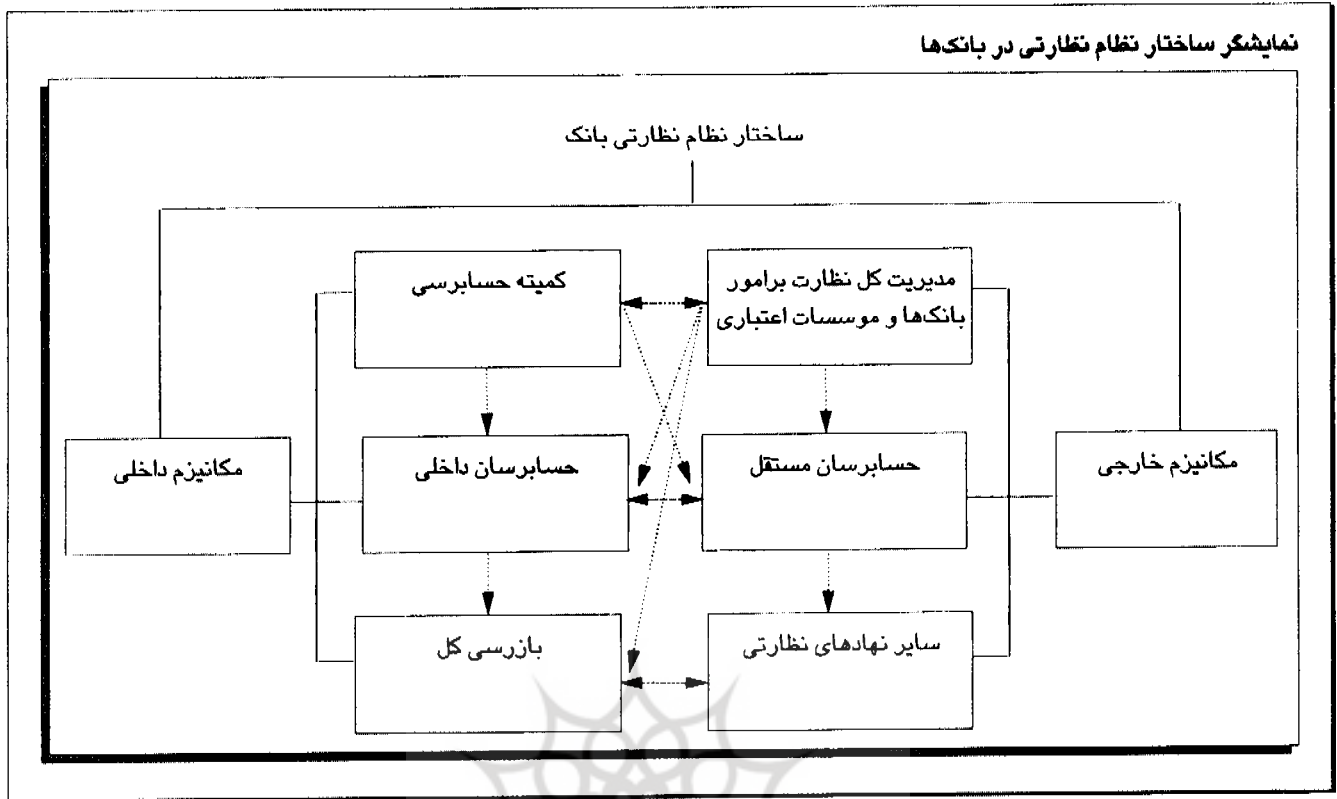
نمایشگر حاکمیت شرکتی در بانکها



پولی (کنترل نقدینگی، تورم، تخصیص منابع و ...) و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور می‌باشند. از سویی، بسیاری از خدمات عمومی مورد نیاز جامعه از جمله پرداخت قبوض آب و برق، مالیات‌ها، عوارض دولتی، شهریه، دانشگاه‌ها و ... (که در جوامع دیگر معمولاً توسط اداره پست یا سایر مکانیزم‌ها انجام می‌شود) در ایران از طریق مراجعه مردم به بانک‌ها و استفاده از خدمات بانکی صورت می‌گیرد. به عبارتی بانک‌ها نقش مهمی در تسهیل امور و رفاه جامعه بازی می‌کنند. از این‌رو انتظارات جامعه و در نظر داشتن منافع عموم توسط بانک‌ها رو به افزایش است. بانک علاوه بر اینکه بنگاه اقتصادی در جهت کسب و حفظ منافع سرمایه‌گذاران است، بنگاه اجتماعی نیز تلقی

اعتماد مشتریان نسبت به خدمات مورد نیاز می‌گردد. مطلب فوق باعث شد که کمیته نظارت بانکی بال بیانیه‌ای با هدف "اقدامات موثر برای مدیریت و نظارت بر ریسک عملیاتی"^۴ انتشار دهد. صدور این بیانیه به دنبال تغییراتی بود که کمیته بال در نحوه محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها موسوم به بال دو^۵ ایجاد نمود. در محاسبات جدید نسبت کفایت سرمایه، علاوه بر ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی نیز ملحوظ شده است.

پاسخ‌گویی بالا به انتظارات جامعه و حفظ منافع عمومی و ابزار اعمال حاکمیت دولت - به لحاظ وجود اقتصاد عمدتاً دولتی در ایران، بانک‌ها ابزار مهمی برای اعمال سیاست‌های مختلف حاکمیتی دولت از جمله سیاست‌های



ریسک حسابرسی صورت می‌گیرد و ریسک‌های ذاتی و محیط تجاری بانکی به شرح فوق بخشی از ریسک مورد پذیرش حسابرسی را تشکیل می‌دهد، لذا شناخت ویژگی‌ها و عوامل فوق برای مدیریت ریسک حسابرسی ضروریست. لازم به ذکر است که مدیریت ریسک حسابرسی متفاوت از مدیریت ریسک بانک‌ها است، طبق مقررات کمیته بال در نظارت بانکی، مدیریت بانک‌ها باید فرایندها و رویه‌های مناسب را جهت شناسایی، ارزیابی، نظارت، کاهش و کنترل ریسک بانکی مستقر نموده و کمیته‌ای به عنوان مدیریت ریسک تشکیل دهند. سیستم نظارتی و حسابرسی بانک نیز باید از وجود عملکرد مناسب چنین مکانیزمی در بانک اطمینان حاصل نماید.

ضرورت و جایگاه نظارت و حسابرسی در نظام بانکی
ضرورت و جایگاه نظارت و حسابرسی در ساختار نظام بانکی از ابعاد زیر قابل بررسی است:

- ۱- برنامه‌ریزی استراتژیک بانک
- ۲- مکانیزم حاکمیت شرکتی بانک
- ۳- ساختار کنترل‌های داخلی بانک

می‌شود که موجب رفاه جامعه می‌گردد. لذا عدم توجه به کسب رضایت جامعه و منافع عموم در ارائه خدمات مختلف و بروز انواع تقلبات و سوءاستفاده‌ها در سیستم بانکی، موجب خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی نسبت به بانک‌ها می‌گردد.

حاکمیت قوانین و مقررات مختلف - به لحاظ محیط قانونی بانک‌های ایران، مقررات و قوانین مختلفی از جمله قانون پولی و بانکی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون تجارت و مالیات‌ها، مقررات و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی، مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی و ... بر بانک‌ها حاکم است که آنها را از دیگر واحدهای اقتصادی متمایز می‌سازد. بانک‌ها ملزم به رعایت قوانین و مقررات مذکور و پاسخ‌گویی در مقابل مراجع مختلف در این ارتباط می‌باشند. لذا حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات مختلف به شرح فوق، همواره در حوزه کاری نظارت و حسابرسی بانک‌ها قرار دارد.

با توجه به ویژگی‌های فوق، محیط تجاری فعالیت‌های بانکی با دیگر واحدهای اقتصادی متفاوت بوده و لذا ملاحظات خاصی را در امر نظارت و حسابرسی طلب می‌نماید. از آنجایی که حسابرسی امروزی برپایه مدیریت

ضرورت و جایگاه نظارت و حسابرسی در برنامه‌ریزی استراتژیک بانک - برنامه‌ریزی استراتژیک عبارت از بررسی محیط، ارزیابی شرایط داخلی، تدوین دیدگاه آتی، ماموریت یا رسالت اصلی سازمان، اهداف بلندمدت (عام)، اهداف کوتاه‌مدت (خاص) و نیز استراتژی‌های خاص می‌باشند. استراتژی‌ها راهنمای اقدامات مدیران هستند. یک برنامه استراتژیک مطلوب به آینده می‌پردازد و براساس آن مشخص می‌گردد که چه زمانی باید تصمیمات اتخاذ شود و در چه زمانی اقدامات لازم باید صورت گیرد. برنامه‌ریزی استراتژیک بانک معمولاً شامل ۴ مرحله اصلی زیر است:

- ۱) تعیین دیدگاه، رسالت یا ماموریت، اهداف عام و خاص،
- ۲) طبقه‌بندی اهداف و سازماندهی وظایف،
- ۳) تدوین و انتخاب استراتژی‌های خاص،
- ۴) اجرا و نظارت بر برنامه‌ها.

برای مثال، دیدگاه آتی و ماموریت بانک می‌تواند ارائه خدمت و خلق ارزش به نحو سودآور برای ذی‌نفعان بانک (مشتریان، سرمایه‌گذاران، کارکنان دولت و...) و حفظ و ارتقا اعتماد مردم، مشتریان کارکنان و دولت و اهداف عام آن، پیشگامی در بازار، ارائه خدمات با کیفیت به مشتریان، رشد سودآوری و اهداف کوتاه‌مدت آن رشد ۳ درصد سودآوری سالانه تعریف گردد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نظارت بر برنامه‌ها یکی از اجزای اصلی برنامه‌ریزی استراتژیک بانک می‌باشد. نظارت و حسابرسی به منظور کنترل چگونگی پیشرفت برنامه‌ها و حرکت در راستای اهداف و گزارش مورد استثناء و مغایرت پیش‌بینی‌ها و عملکرد لازمست. روش‌های خاص به منظور ارزیابی موقعیت، بخشی از سیستم نظارتی و کنترل را تشکیل می‌دهد. امر کنترل و نظارت در برنامه‌ریزی استراتژیک از طریق مدلی به نام "مدل سیستم برنامه‌ریزی استراتژیک و کنترل" به شرح نمایشگر ذیل صورت می‌گیرد: بخشی از نظارت و کنترل در برنامه‌ریزی استراتژیک مستقیماً توسط مدیریت در ایفای وظایف نظارتی مدیریت صورت می‌گیرد و بخشی دیگر مستقلاً توسط حسابرسی مستقل و حسابرسی داخلی و بازرسی کل به طور مستمر به شرح زیر انجام می‌شود.

حسابرسی رعایت: جمع‌آوری و ارزیابی شواهد به منظور دستیابی به یافته‌ها در خصوص میزان رعایت مقررات، دستورالعمل‌ها و کنترل‌های داخلی با معیار قوانین و مقررات، مفاد قراردادها، دستورالعمل‌ها و نیز ضوابط تعیین

شده توسط مدیریت و یا مراجع ذی‌صلاح.

حسابرسی عملیاتی یا عملکرد: فرایند منظم و روشمند ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی و عملیات سازمان (در چارچوب کنترل‌های مدیریت) و گزارش نتایج ارزیابی همراه با پیشنهادهای عملی به اشخاص ذی‌صلاح برای بهبود عملیات است.

حسابرسی مالی: هدف حسابرسی مالی ارزیابی کیفیت اطلاعات مالی، اطمینان‌بخشی و افزودن ارزش آن برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. به طور خاص هدف حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرس بتواند درباره اینکه صورت‌های مزبور از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری تهیه شده است یا خیر اظهار نظر کند.

ضرورت جایگاه حسابرسی و نظارت در مکانیزم حاکمیت شرکتی بانک‌ها- نظارت و حسابرسی بخش غیر قابل تفکیک از حاکمیت شرکتی^۶ در بانک‌ها است. طبق تعریف، حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مکانیزمی برای هدایت و نظارت بر فعالیت‌های بانک با هدف خلق ارزش برای سرمایه‌گذاران، ضمن رعایت حقوق سایر ذی‌نفعان است. حاکمیت شرکتی سیستمی است که به وسیله آن بانک کنترل و هدایت جمعی را برقرار می‌سازد.^۷ حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مبتنی بر پذیرش مفاهیم پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری است.

مشارکت‌کنندگان و اجزای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها شامل: هیات مدیره، کمیته حسابرسی، مدیریت ارشد، حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل و سایر نهادهای نظارتی است.

هدف اصلی اعمال حاکمیت شرکتی در بانک‌ها حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران ضمن حقوق سایر ذی‌نفعان است. در این راستا حاکمیت شرکتی سه وظیفه اصلی را عهده‌دار است. ۱) حصول اطمینان از وجود فرایند گزارشگری مالی قابل اعتماد، ۲) حصول اطمینان از وجود ساختار سیستم کنترل داخلی و مدیریت ریسک، ۳) حصول اطمینان از وجود فرایند حسابرسی (داخلی و خارجی) مناسب. کمیته نظارت بانکی بال در سپتامبر ۱۹۹۹ رهنمودی با عنوان "دستیابی به حاکمیت شرکتی در سازمان بانکی"^۸ منتشر نمود. در این رهنمود توصیه‌هایی در مورد اعمال حاکمیت شرکتی مناسب در بانک‌ها ارائه و عنوان گردیده که اثربخشی

کار انجام شده توسط حسابرسان داخلی و مستقل، به عنوان اجزای حاکمیت شرکتی، بستگی به اهمیت ایفای موثر وظایف کنترلی آنان دارد.

ساختار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها از بعد حسابرسی و نظارت شامل دو مکانیزم داخلی و خارجی به شرح زیر می‌باشد: اگر چه اجزای نظارت به شرح فوق ممکن است اهداف متفاوتی را دنبال کنند لکن در تعامل با یکدیگر بوده و علی‌الاصول هدف مشترک آنها از دیدگاه حاکمیت شرکتی، حمایت از منافع سرمایه‌گذاران و افزودن ارزش بانک می‌باشد. لذا برای اثربخشی و کاهش هزینه نظارت لازم است هماهنگی لازم بین اجزای فوق برقرار گردد. ذیلاً شرح وظایف اجزای نظارتی فوق به‌طور مختصر تشریح می‌گردد: کمیته حسابرسی: کمیته‌ای است متشکل از اعضای غیرموظف و غیراجرایی هیات مدیره که وظایف آن: (۱) نظارت بر فرایند گزارشگری مالی، (۲) نظارت بر ساختار کنترل داخلی و ریسک، (۳) نظارت بر فرایند حسابرسی (اعم از حسابرسی داخلی، مستقل و بازرسی کل)، (۴) اطمینان از رعایت قوانین و مقررات است.

کمیته حسابرسی به منزله پل ارتباطی بین مدیریت ارشد، هیات مدیره و حسابرسان بوده و ضمن تسهیل ارتباطات بین حسابرسان داخلی، مستقل و بازرسی کل، عدم تقارن اطلاعاتی بین هیات مدیره و مدیریت اجرایی را کاهش داده و به حفظ استقلال حسابرسان کمک می‌کند.

حسابرسی داخلی: فعالیت مشاوره‌ای و اطمینان‌دهی، مستقل و بی‌طرفانه است که به منظور افزودن ارزش و بهبود عملیات سازمان طراحی می‌شود و هدف آن کمک به سازمان جهت دستیابی به اهداف خود با اعمال رویکردی سیستماتیک و نظام‌مند برای ارزیابی و بهبود فرایند مربوط به مدیریت ریسک، کنترل و حمایت است.

حسابرسی مستقل: وظیفه اصلی حسابرسی مستقل اظهار نظر نسبت به مطابقت صورت‌های مالی در چارچوب استانداردهای حسابداری و اعتباربخشی به آن است. اظهار نظر حسابرس مستقل باعث بهبود کیفیت اطلاعات و ارزش افزوده آن گردیده و تصمیم‌گیری‌های بهینه اقتصادی براساس صورت‌های مالی حسابرسی شده تسهیل می‌گردد. بازرسی کل: وظیفه بازرسی کل اطمینان از رعایت مقررات، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها و کنترل‌های داخلی بانک و برخورد با تقلبات و سوءاستفاده‌های کشف شده و اطمینان از وجود ساختار کنترل داخلی مناسب در بانک است.

مدیریت نظارت بر امور بانک‌ها و موسسات اعتباری: وظیفه این مدیریت که در بانک مرکزی مستقر است، حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات بانکی توسط بانک‌ها و هماهنگی آنان، وجود سیستم‌های کنترل داخلی اثربخش در بانک‌ها و برخورد با موارد عدم رعایت مقررات مذکور می‌باشد.

سایر نهادهای نظارتی: از جمله دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور در راستای وظایف تعریف شده در قانون، اطمینان از رعایت قانون محاسبات و سایر قوانین حاکم بر موسسات و شرکت‌های دولتی از جمله رعایت مقررات بودجه و برنامه‌های توسعه اقتصادی است. ضمن آن که این نهادها باید از عدم حیف و میل اموال و منافع عمومی اطمینان حاصل نمایند.

وظایف تعیین شده اجزای نظارتی فوق اگر چه ممکنست با اهداف متفاوت صورت گیرد. معهذاً با یکدیگر همپوشی دارد. از این‌رو تعامل و هماهنگی بین این اجزا برای اثربخشی امر نظارت و کاهش هزینه آن و دستیابی به اهداف بانک ضروری است. برای مثال، حسابرسان داخلی و مستقل هر دو سیستم کنترل داخلی را ارزیابی می‌کنند لکن حسابرسان مستقل سیستم کنترل داخلی را برای تعیین میزان قابلیت اتکای آن به منظور تعیین میزان، ماهیت، زمان‌بندی و حدود روش‌های حسابرسی صورت‌های مالی، مدیریت ریسک حسابرسی و کاهش آزمون‌های محتوا ارزیابی می‌کنند. در حالی که حسابرسان داخلی کل سیستم کنترل داخلی را به جهت اثربخشی، کارآیی و مناسب بودن آن در راستای دستیابی به اهداف بانک مورد ارزیابی قرار می‌دهند. ضمن این که طبق استانداردهای حسابرسی، حسابرسان مستقل جهت کاهش حجم آزمون‌های حسابرسی به کار حسابرسان داخلی اتکا می‌کنند.

کمیته حسابرسی، نظارت عالی بر فرایند گزارشگری مالی، فرایند حسابرسی (داخلی و مستقل)، ساختار سیستم کنترل و مدیریت ریسک و رعایت قوانین و مقررات را برعهده دارد. به عبارتی این کمیته هماهنگ‌کننده فرایند نظارت و حسابرسی اعم از حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل و بازرسی کل در بانک می‌باشد و باید اطمینان حاصل کند که اولاً ساختار کنترل داخلی جهت تهیه اطلاعات قابل اتکا کفایت و ثانیاً پیگیری کند که پیشنهاد‌های ارائه شده توسط حسابرسان داخلی و مستقل در این رابطه اجرا شده و ثالثاً استقلال حسابرسان تامین می‌شود.

چارچوب پیاده‌سازی نظام‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه (با نگاهی به وضعیت ایران)

دکتر محمد عرب مازاریزدی
عضر هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
حمید حنیفه‌زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

خلاصه

روبروست که این مباحث ریشه در اقتصاد، فرهنگ و موضوعات زیربنایی دارد. در این مقاله به شناسایی برخی از عوامل کلیدی در اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه پرداخته و به مقایسه چگونگی اثر این عوامل میان کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و از جمله ایران، می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: چارچوب پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه، مدیریت منابع، پیاده‌سازی، کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، برنامه‌ریزی منابع بنگاه در ایران

مقدمه

نظام‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه، نرم‌افزاری است که می‌تواند تمام فرایندها و اطلاعات یک سازمان را ترسیم و بر مبنای آن ساختاری یکپارچه و جامع را خلق کند. (کلاز، گابل و روسمن، ۲۰۰۰).

نظام‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه شکل رشد یافته‌ای از سیستم‌های (MRP) است که در دهه اخیر نقش مهمی در فناوری اطلاعات ایفا کرده است. در حال حاضر، کشورهای

امروزه نقش فناوری اطلاعات در زندگی بشر، برکسی پوشیده نیست. سازمان‌ها به عنوان جلوه‌ای از حیات و پویایی اندیشه بشری با بهره‌گیری از این ابزار می‌کوشند عملکرد خود را بیش از پیش ارتقا بخشیده و موقعیت خود را در صحنه رقابت حفظ کنند. شرط موفقیت در محیط متغیر امروزی برخورداری از اطلاعات کامل، دقیق و به موقع است. این اطلاعات مبنای تصمیم‌گیری و پاسخ به تقاضای بازار به شمار می‌آید. سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه (برنامه‌ریزی منابع سازمانی)، جلوه جدیدی از این ابزارهاست که به یکپارچه‌سازی اطلاعات جهت تصمیم‌گیری می‌پردازد. هم‌اکنون نرم‌افزار برنامه‌ریزی منابع بنگاه در کشورهای پیشرفته مورد استقبال و استفاده فراوانی قرار گرفته و در بسیاری از سازمان‌های واقع در کشورهای در حال توسعه نیز پدیدار شده است. تحقیقات نشان می‌دهد فناوری برنامه‌ریزی منابع بنگاه در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته، با چالش‌هایی جدی

توسعه یافته‌ای همچون آمریکا، کانادا، انگلیس و استرالیا در سطح وسیعی از برنامه‌ریزی منابع بنگاه استقبال و آن را پذیرفته‌اند. البته کشورهای در حال توسعه نیز تدریجاً همان راه را انتخاب کرده‌اند. هم اکنون ۶۶ درصد سهم از بازار برنامه‌ریزی منابع بنگاه متعلق به آمریکای شمالی، ۲۲ درصد سهم اروپایی‌ها و تنها ۹ درصد سهم آسیا می‌باشد (هانگ و پالویا، ۲۰۰۱).^۲ در این مقاله، به منظور توجه به عوامل مؤثر بر پیاده سازی موفق برنامه‌ریزی منابع بنگاه، چارچوبی پیشنهاد شده و کاربرد آن در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در دهه ۱۹۶۰ فناوری اطلاعات وارد دنیای صنعت شد و صاحبان صنایع بر آن شدند که عملیات و فرایندهای صنعتی خود را به کمک رایانه کنترل کرده و پیش برند. بر این اساس فرایندها به صورت مجزا و نقطه‌ای مکانیزه شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ سیستم برنامه‌ریزی منابع مواد (MRP) ظهور کرد. بعد از آن مدیران به قابلیت‌ها و توانمندی‌های فناوری اطلاعات پی برده و بر آن شدند سیستم‌های در مقابل باهم را به یکدیگر مرتبط سازند. این موضوع باعث شد که در دهه ۱۹۸۰ سیستم "برنامه‌ریزی منابع تولید" MRPII به وجود آید. این سیستم باعث بهم مرتبط شدن سیستم‌ها شد و جزایر اتوماسیون را به وجود آورد. در این حالت، قابلیت سیستم‌ها افزایش پیدا کرده و کم‌کم تولید خودکار و سیستم‌های تولید انعطاف‌پذیر (FMS) (مانند خط تولید روباتیک خودروسازی) به وجود آمدند. در دهه ۱۹۹۰، بحث یکپارچه‌سازی کل فرایندهای سازمانی یا همان تولید یکپارچه رایانه‌ای (CIM) مطرح شد و این روند باعث به وجود آمدن برنامه‌ریزی منابع بنگاه یا همان برنامه‌ریزی منابع سازمانی شد که هدف آن خودکار کردن کل فرایندهای درون سازمان بود. در اواخر دهه ۱۹۹۰ بحث مدیریت ارتباط با مشتری (CRM) از یک طرف و ارتباط با تامین‌کنندگان کالا و زنجیره تامین (SCM)، از سوی دیگر مطرح شد. این نیازها باعث به وجود آمدن بحث تجارت یکپارچه رایانه‌ای شد. در این موقع بود که موضوع ERP (ERP + E.Business) توسعه پیدا کرد و فرایندهای خارج از سازمان را در کمترین زمان و پایین‌ترین هزینه و با

حداکثر کیفیت و در بهترین زمان ارائه می‌کرد.

با توسعه برنامه‌ریزی منابع بنگاه و گرایش بسیاری از شرکت‌های تولیدی و بزرگ دنیا به امر پیاده سازی و اجرای آن، بازار تجارت و رقابت دستخوش تغییراتی شد به طوری که برخی شرکت‌ها با اجرای موفقیت آمیز برنامه‌ریزی منابع بنگاه باعث افزایش چشم‌گیری در سود، کاهش در هزینه و موجودی‌ها و هم چنین بهبود فرایندها و خدمات به مشتریان شدند و گوی سبقت را از رقبای خود گرفتند.

این در حالی بود که هزینه‌های سنگین اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه نیز باعث شده بود برخی شرکت‌ها با مشکلات بودجه مواجه و یا اینکه به دلیل شکست در اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه، متحمل ضرر و زیان‌های زیادی شوند و این ضرر و زیان تا آنجا پیش می‌رفت که گاهی باعث ورشکستگی شرکت‌ها می‌شد.

اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه و موفقیت و شکست بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان در اجرا و پیاده سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه، این سؤال را مطرح می‌سازد که "عوامل مهم در اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه کدام‌اند؟" تحقیقات زیادی در زمینه عوامل موفقیت برنامه‌ریزی منابع بنگاه و یا موانع عملیاتی شدن آن در جهان انجام گرفته است. برای مثال شنک، سدان و ویلکاگز^۳ در سال ۲۰۰۳ عوامل مهم در اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه را به دو بخش راهبردی (شامل بینش، سیستم اطلاعاتی قدیمی، راهبرد برنامه‌ریزی منابع بنگاه و برنامه‌ریزی) و تاکتیکی (شامل مشاوره، کارکنان، نظارت و...) تقسیم کردند. کیم، لی و گوسن^۴ موانع اجرای موفق برنامه‌ریزی منابع بنگاه را ۴۷ مورد می‌دانند که مهم‌ترین این موانع عبارت از: منابع انسانی ناکارآمد، مدیریت ضعیف امکانات، عدم هماهنگی سازمانی، مشکلات موجود در پیکربندی نرم‌افزار، ضعف در توسعه سیستم‌ها و مدیریت پروژه و ضعف در مدیریت تغییر است (کیم و دیگران، ۲۰۰۵). ژو و همکاران^۵ نیز در تحقیقی با عنوان "شکست‌های اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه در چین" در سال ۲۰۰۴ دلایلی همچون عوامل محیطی و عوامل فرهنگی و به تبع آن عوامل فنی همچون زبان، گزارش‌های سیستم، مهندسی مجدد، منابع انسانی، و قیمت نرم‌افزار را دلایل شکست پروژه‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه در چین می‌دانند.

نمایشگر ۱- اطلاعاتی در مورد فروشندگان برتر برنامه‌ریزی منابع بنگاه

نام شرکت	SAP	Oracle	PeopleSoft	J.D.Edwards	Baan	سایر
سهام از بازار (درصد)	۲۲	۱۳/۵	۹	۵	۲/۷	۲۶/۸
کشور	آلمان	آمریکا	آمریکا	آمریکا	هلند	—
تاریخ تاسیس	۱۹۷۲	۱۹۷۷	۱۹۸۷	۱۹۷۷	۱۹۷۸	—
سایت اینترنتی	www.sap.com	www.oracle.com	www.peoplesoft.com	www.jdedwards.com	www.baan.com	—
درآمد در سال ۱۹۹۹ (میلیون دلار)	۵۱۲۵	۲۱۶۸	۱۴۰۰	۹۳۲	۶۲۸/۸	—
تعداد کارکنان	۲۱۷۰۰	۴۲۰۰۰	بیش از ۷۰۰۰	۵۴۰۰	۳۷۰۰	—
تعداد مشتریان (شرکت)	۱۲۰۰۰	۷۰۰۰	۴۰۰۰	۶۰۰۰	۱۳۰۰۰	—
زبان‌ها	۲۸ زبان	۲۹ زبان	موجود نیست	۲۱ زبان	موجود نیست	—

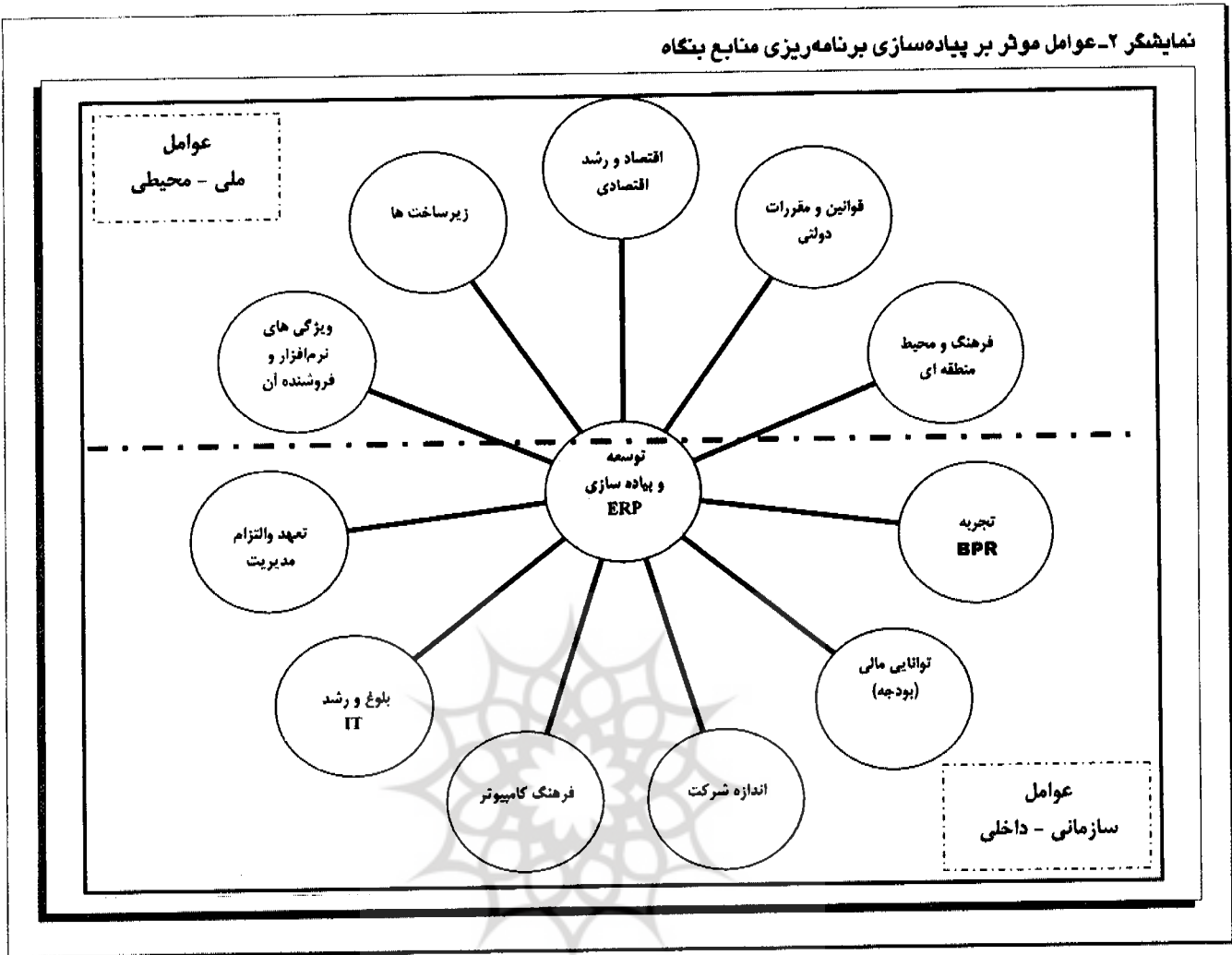
فروشندگان عمده سیستم برنامه‌ریزی منابع بنگاه هم اکنون بیش از ۱۰۰ فروشنده محصولات برنامه‌ریزی منابع بنگاه در سطح بین‌المللی وجود دارد که البته عمده بازار فروش این نرم افزار به تعدادی اندک از میان آنها تعلق دارد. در نمایشگر ۱ فروشندگان برتر برنامه‌ریزی منابع بنگاه و سهم آنها از بازار نشان داده شده است.

تقسیم بندی جهان از دیدگاه توسعه اطلاعات براساس آمارهای منتشر شده، کشورهای مختلف در زمینه فناوری اطلاعات در سال ۲۰۰۴ در پنج سطح متفاوت به شرح زیر قرار داشته‌اند. البته ایران در این بررسی‌های مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار نگرفته است:

- ۱- کشورهای پیشتاز: شامل ۱۳ درصد از کشورها مانند آمریکا، سنگاپور و آلمان
- ۲- کشورهای تندرو: شامل ۱۱ درصد از کشورها مانند ایتالیا، مجارستان و کویت
- ۳- کشورهای آینده: شامل ۲۰ درصد از کشورها مانند آفریقای جنوبی، شیلی و روسیه
- ۴- کشورهای آغازگر: شامل ۱۹ درصد از کشورها مانند

در ایران نیز اخیراً تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است. مرادی (۱۳۸۴) در تحقیقی راجع به امکان‌سنجی پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه در صنعت خودرو به عواملی چون نگرش سازمانی، ساختار فناوری اطلاعات، میزان آگاهی مدیران و کارشناسان از سیستم‌های نوین، حضور تیم فناوری اطلاعات خبره، بودجه، روابط سازمانی و زمان‌بندی پروژه در این شرکت‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده که صنعت خودرو آمادگی لازم و پیش‌نیازهای مهم برای پیاده‌سازی موفق سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه را ندارد. شریفیان (۱۳۸۳) به عواملی چون وجود حمایت و تعهد مدیران ارشد سازمان در مراحل نصب و راه‌اندازی، پیاده‌سازی سیستم‌ها به صورت تدریجی و مرحله‌ای، مدیریت تغییر و وجود بستر فناوری اطلاعات پیشرفته را از مهم‌ترین عواملی می‌داند که در شرکت‌های ایرانی باید مدنظر قرار داد. در این مقاله با تغییراتی در مدل ارائه شده توسط هانگ و پالویا^۲ (۲۰۰۱) و متناسب سازی آن با وضعیت ایران مدل تازه‌ای ارائه شده است.

نمایشگر ۲- عوامل موثر بر پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه



چین، مصر و فیلیپین.

۵- کشورهای بازمانده: شامل ۳۷ درصد از کشورها مانند کوبا، عراق و ویتنام. (مجله عصر فناوری اطلاعات، ۱۳۸۴).

۱- اقتصاد و رشد اقتصادی:

وضعیت اقتصادی یک کشور از عوامل مهم توسعه فناوری اطلاعات و سیستم‌هاست. سرعت رشد اقتصادی در حکم سوخت توسعه IT/IS است زیرا سازمان‌ها مشتاق به دست آوردن مزایای رقابتی‌اند. بنابراین پشتوانه اقتصادی استوار، فراهم‌کننده پایه محکمی برای توسعه IT/IS و از جمله اجرای پروژه برنامه‌ریزی منابع بنگاه است.

چراغ‌چوب عوامل موثر بر پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه وجود پیچیدگی زیاد برنامه‌ریزی منابع بنگاه، موضوع پیاده‌سازی و اجرای آنرا با مجادله‌ها و چالش‌های زیادی رویه‌رو کرده است. در سال‌های اخیر مطالعاتی در مورد پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه انجام گرفته است. در چراغ‌چوب ارائه شده در نمایشگر ۲ که از ادبیات موضوعی و تحقیقات قبلی استنباط می‌شود، تصویری کلی از موضوع نشان داده شده است.

۲- زیر ساخت:

زیرساخت هم شامل زیرساخت فناوری اطلاعات و هم زیرساخت بنیادی است که در واقع پیش نیاز اصلی پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه است. برنامه‌ریزی منابع بنگاه وظایف چندی را برعهده دارد که شامل: عملیات داخلی شرکت و عرضه‌کنندگان، مشتریان، بانک‌ها و ... می‌باشد. صحت و درستی کل زیرساخت‌ها برای سهولت

پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه تحت تاثیر دو طبقه عمده از عوامل است: "ملی محیطی" و "سازمانی داخلی". هر یک از این طبقات، شامل متغیرهای متفاوتی است.

تکمیل مدیریت زنجیره ارزش به وسیله برنامه‌ریزی منابع بنگاه ضروری است.

۳- قوانین و مقررات دولتی:

دولت‌ها می‌توانند اشاعه‌کننده فناوری اطلاعات باشند، و مقررات می‌تواند آنرا توسعه داده و یا مانع اشاعه فناوری اطلاعات و سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه شود. برای مثال، برخی بخش‌های دولتی چنین الزامی کرده است که موسسات حسابرسی برای حسابرسی به‌جای استفاده از سیستم دستی از نرم افزارهای مالی استفاده کنند. در نتیجه نرم‌افزار حسابداری / مالی فراگیر می‌شود.

۴- محیط منطقه‌ای:

فرهنگ محیط منطقه‌ای کشور ممکن است بر اجرا و IT/ERP تاثیر بگذارد. ژاپن به عنوان یک کشور پیشرفته در حالی که باید بازار برنامه‌ریزی منابع بنگاه بزرگی داشته باشد اما دارای یک بازار نوپاست. یکی از دلایل عمده این امر، آن است که شرکت‌های ژاپنی تولید خود را به سایر کشورهای آسیایی واگذار می‌کنند و در این کشورهای آسیایی، برنامه‌ریزی منابع بنگاه به‌طور فراگیر استفاده نمی‌شود. از آنجا که برنامه‌ریزی منابع بنگاه یک سیستم جزیره‌ای نیست و اگر کشورهای همسایه از برنامه‌ریزی منابع بنگاه استفاده نکنند، شرکت‌های ژاپنی نیز برای استفاده از برنامه‌ریزی منابع بنگاه نمی‌توانند آنطور که می‌خواهند اطلاعات را یکپارچه کنند. مثال دیگر، کشورهای با جمعیت زیاد است که ترجیح می‌دهند از روش‌هایی استفاده کنند که باعث افزایش کارایی نیروی انسانی شود نه آن که نیروی انسانی را با سیستم‌های یکپارچه عوض نمایند.

۵- ویژگی نرم افزار و فروشنده آن:

شرکت‌هایی که قصد پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه را دارند باید به نیازهای سازمان خود کاملاً آشنا بوده و براساس نیازمندی‌های سازمان، نرم افزاری را انتخاب نمایند که قادر به تامین نیازهای سازمان و بهبود وضعیت باشد. به اعتقاد بسیاری از متخصصان، نرم افزار برنامه‌ریزی منابع بنگاه باید انعطاف پذیر، ماژولار، جامع و فراگیر، فرا شرکتی، یکپارچه و بهترین رویه موجود باشد. به اعتقاد برخی دیگر، فروشنده برنامه‌ریزی منابع بنگاه باید دارای ویژگی‌هایی از قبیل شهرت و اعتبار، توانایی فنی عالی و ارائه خدمات به موقع باشد. (وی و همکاران، ۲۰۰۵).

۶- بلوغ و رشد فناوری اطلاعات:

سطح بلوغ فناوری اطلاعات می‌تواند تاثیر مهمی بر تصمیمات راهبردی شرکت مبنی بر خرید و توسعه IT/IS داشته باشد. سازمان‌هایی که از بلوغ کافی در زمینه فناوری اطلاعات برخوردارند، فهم بهتری از پیاده‌سازی سیستم‌ها داشته و می‌توانند همکاری موثری با فروشنده برنامه‌ریزی منابع بنگاه داشته باشند و احتمال موفقیت در پیاده‌سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه در آنها بیشتر از دیگران است.

۷- فرهنگ رایانه:

هرچند فرهنگ رایانه تا حدی با بلوغ فناوری اطلاعات در ارتباط است ولی این عامل اشاره به سابقه استفاده از رایانه در شرکت، نگرش کارکنان به رایانه و اتکا سازمانی به رایانه دارد. یک شرکت با یک فرهنگ قوی، فهم بهتری از وظایف کاربردی، مدیریت داده و پذیرش بیشتر سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه دارد.

۸- اندازه شرکت:

اندازه شرکت یک عامل تعیین‌کننده در سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری فناوری اطلاعات در سازمان می‌باشد. سیستم‌های بسیار بزرگ ابتدا در شرکت‌های بزرگ اجرا می‌شوند. نظام‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه هم ابتدا به وسیله سازمان‌های بزرگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته امروزه سازمان‌های کوچک‌تر نیز شروع به استفاده از برنامه‌ریزی منابع بنگاه کرده‌اند. دو عامل گرایش شرکت‌های کوچک‌تر به سمت برنامه‌ریزی منابع بنگاه عبارت است از: اول اینکه فروشندگان برنامه‌ریزی منابع بنگاه تلاش‌های بیشتری را صرف شرکت‌های کوچک و متوسط می‌کنند و دوم این‌که شرکت‌های کوچک احساس می‌کنند به واسطه فشار رقابتی نیاز به استفاده از برنامه‌ریزی منابع بنگاه دارند.

۹- تجربه (مهندسی مجدد فرایندها (BPR)):

نظام برنامه‌ریزی منابع بنگاه به‌عنوان ابزار مدیریت بر فرایندها، همیشه نیازمند طراحی و مهندسی مجدد فرایندها (BPR) است. چون هدف برنامه‌ریزی منابع بنگاه، کل سازمان است؛ از این‌رو مهندسی مجدد فرایندها اغلب قبل از اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه مورد نیاز است. شرکتی که دارای تجربه مفیدی در مدیریت فرایند و مهندسی مجدد فرایندها است، شانس بیشتری در اجرای

موفق برنامه‌ریزی منابع بنگاه نیز دارد.

۱۰- تامین مالی (بودجه):

به دلیل هزینه‌های زیاد پروژه برنامه‌ریزی منابع بنگاه در سه بعد یعنی خرید نرم‌افزار، پیاده سازی و نگهداری و آموزش کارکنان، شرکت‌ها نیاز به بررسی دقیق بودجه و منابع مالی جهت اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه دارند. البته برخی از شرکت‌ها قبل از اجرا به بررسی نرخ بازده سرمایه‌گذاری (ROI) می‌پردازند. در هر صورت، در بسیاری از موارد، هزینه اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه بیشتر از رقم بودجه پیش‌بینی شده می‌شود. لذا به دلیل هزینه‌های گزاف در اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه باید توان مالی شرکت و همچنین نبود احتمال عدم توقف پیاده‌سازی به دلایل مالی، توسط شرکت‌ها به طور دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱۱- تعهد و التزام مدیریت:

به دلیل بالا بودن میزان پیچیدگی و منابع مورد نیاز برای پیاده سازی برنامه‌ریزی منابع بنگاه، تعهد مدیریت یک عامل کلیدی برای اجرای برنامه‌ریزی منابع بنگاه هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شود.

برنامه‌ریزی منابع بنگاه در کشورهای توسعه یافته

سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه به‌طور وسیعی با استقبال شرکت‌های فعال در کشورهای پیشرفته مواجه شده است. سازمان‌ها در صنایع تولیدی، خدماتی و انرژی، برنامه‌ریزی منابع بنگاه را بنا به دلایل زیر پذیرفته‌اند:

- خودکارسازی امور مدیریت مواد، منابع مالی و انسانی
- ساده و موثر کردن فرایندها و بهبود آنها
- دستیابی به موقعیت مناسب در عرصه رقابت جهانی

آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا)

شرکت‌ها و سازمان‌های آمریکای شمالی، تجربه بیشتری در این نوع نرم‌افزار داشته و از راه حل‌های مبتنی بر نرم‌افزارهای یکپارچه بیش از یک دهه است استفاده می‌کنند. سیستم‌های تجاری از برنامه‌ریزی مواد (MRP) به برنامه‌ریزی منابع بنگاه ارتقا یافت و شرکت‌ها برای رسیدن به سیستم‌های جدیدتر، سرمایه‌گذاری خود را در این بخش

افزایش دادند. آمریکا هدف اصلی و برخوردار از ۶۶ درصد درآمدهای عمده فروشندهگان برنامه‌ریزی منابع بنگاه است. قبل از سال ۲۰۰۰ یکی از مشکلات و مسائل شرکت‌های آمریکایی موضوع Y2K تغییر (تاریخ در سال ۲۰۰۰) بود. بعد از Y2K توجه مدیریت به توسعه سازمان معطوف شد. در این زمان چند رویداد اتفاق افتاد. مدیریت زنجیره عرضه محصولات (SCM)، و توجه بیشتر به برنامه‌ریزی منابع بنگاه وارد سازمان‌های آمریکای شمالی شد. کارکردهای SCM شامل پیش‌بینی تقاضا، خرید و تدارکات، مدیریت موجودی و انبار کالا و اقدامات مربوط به تهیه و توزیع می‌باشد.

اروپا (انگلیس، آلمان، فرانسه)

اروپا دومین هدف عمده از بازار فروش برنامه‌ریزی منابع بنگاه بوده است (۲۲ درصد). فروشندهگان عمده برنامه‌ریزی منابع بنگاه این تجارت را از اروپا شروع کردند، مانند Baan, SAG AG, Intentia و JBA International چندین دلیل برای بازاریابی تولیدکنندگان برنامه‌ریزی منابع بنگاه در اروپا وجود دارد. اول اینکه از لحاظ اقتصادی کشورهای پیشرفته دارای پایه تولیدی و صنعتی نیرومندی هستند. دوم اینکه زیربنای اطلاعاتی استواری وجود دارد. سوم اینکه لزوم وجود زبان‌های چندگانه و پول‌های مختلف باعث جذاب شدن نرم افزار برنامه‌ریزی منابع بنگاه شده است. چهارم اینکه کارمندان ماهر برای اجرای فنون پیشرفته در دسترس است.

ژاپن

ژاپن یک کشور پیشرفته صنعتی است؛ اگر چه داستان متمایزی دارد. فروش برنامه‌ریزی منابع بنگاه در ژاپن نشان‌دهنده نسبت بسیار کمی از بازار جهانی برنامه‌ریزی منابع بنگاه است. اگر چه پیش‌بینی می‌شود به دلیل انتقال از نرم‌افزارهای سنتی به سیستم‌های آماده، ژاپن تبدیل به بازار عمده برنامه‌ریزی منابع بنگاه شود ولی در حال حاضر کاربرد برنامه‌ریزی منابع بنگاه هنوز رایج نشده است. بانی این وضعیت در ژاپن، فرهنگ سازمانی و محیط محلی (منطقه‌ای) است. بیشتر کشورهای آسیایی، کشورهایی در ۳۳ حال توسعه بوده و فناوری اطلاعات به‌طور محدودی در آنها،

نظام حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین

دکتر محسن خوش‌طینت

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

رافیک باغومیان

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

آغاز سخن

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های سابق آن، کشورهای تازه استقلال یافته گام‌های بلندی را در راستای گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی شده و متمرکز؛ به سمت نظام اقتصادی مبتنی بر بازار برداشته‌اند. این در حالی می‌باشد که توسعه حسابداری کشورهای مذکور، همگام با توسعه اقتصادی آنها صورت نگرفته است. دلیل این امر را می‌توان در ماهیت نظام اقتصادی حاکم بر شوروی سابق جستجو کرد. از آنجا که در نظام مذکور، نیازهای اطلاعاتی مدیران محدود و غیرقابل مقایسه با نیازهای اطلاعاتی مدیران شاغل در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار بود؛ مجموعه اصول و رویه‌های حسابداری مورد استفاده نیز تفاوت‌های عمده‌ای داشت. به بیان دیگر، نظام حسابداری به

گونه‌ای طراحی شده بود که فراهم کردن اطلاعات مورد درخواست مقامات دولتی، مهم‌تر از برآوردن نیازهای اطلاعاتی مدیریت واحد تجاری به شمار می‌آمد.

اوکراین نیز در زمره کشورهای پیشگفته قرار می‌گیرد و حتی هنوز هم این طرز تفکر در آنجا وجود دارد که نظام حسابداری، تنها ابزاری برای محاسبه مبلغ مالیات پرداختی است. (کی پی ام جی، ۲۰۰۵).

در این مقاله، تلاش شده است ضمن ارائه اطلاعاتی کلی در مورد کشور اوکراین، به ترتیب وضعیت حسابداری، گزارشگری مالی، حسابرسی و بازار اوراق بهادار؛ در آن کشور مورد بررسی قرار گیرد.

آشنایی با اوکراین

موقعیت جغرافیایی: اوکراین یکی از

کشورهای اروپای مرکزی است که در جنوب غربی دشت‌های اروپای شرقی و در امتداد رشته‌کوه‌های کارپات و کریمه قرار دارد. همسایگان آن را از شمال، بلاروس؛ از شمال شرقی و شرق، روسیه؛ از جنوب غربی، مولداوی و رومانی؛ از غرب، مجارستان، اسلواکی و لهستان و از جنوب، دریای سیاه تشکیل می‌دهند. مساحت اوکراین ۶۰۳۷۰۰ کیلومتر مربع است و بخش اعظم مساحت آن، توسط دشت‌های مسطح پوشیده شده است. کشور اوکراین به ۲۴ منطقه و یک جمهوری خودمختار (کریمه) تقسیم‌بندی شده و پایتخت آن شهر کیف می‌باشد. قرار داشتن اوکراین در محل تلاقی تمدن‌های شرق و غرب، منشای تحولات عظیمی در تاریخ این کشور بوده و نقش به‌سزایی را در پیشرفت و توسعه کنونی آن فراهم آورده

است (وب‌سایت دولت اوکراین، ۲۰۰۶) وب‌سایت سازمان ملل، ۲۰۰۶؛ گروه آموزشی سالنامه جهانی^۲، ۲۰۰۶).

اطلاعات جمعیتی: جمعیت اوکراین در حدود ۴۷ میلیون نفر (با نرخ رشد ۶ درصد) و متوسط امید به زندگی آنان ۶۷ سال است. ۷۸ درصد جمعیت اوکراین را اوکراینی‌ها، ۱۷ درصد را روس‌ها و ۵ درصد باقیمانده را نیز سایر ملیت‌ها تشکیل می‌دهند. تقریباً دو سوم از جمعیت اوکراین شهرنشین و ۹۹٫۷ درصد آنها باسوادند. زبان رسمی کشور اوکراینی است، ولی بیشتر مردم بر زبان روسی نیز تسلط دارند. (وب‌سایت دولت اوکراین، ۲۰۰۶) وب‌سایت سازمان ملل، ۲۰۰۶؛ گروه آموزشی سالنامه جهانی، ۲۰۰۶).

اطلاعات اقتصادی: واحد پول اوکراین هریونیا^۳ می‌باشد که در سال ۱۹۹۶ معرفی شده است (در فوریه ۲۰۰۶، نرخ برابری آن با یورو؛ در حدود ۶۰۰ بوده است). سرانه تولید ناخالص داخلی اوکراین (سال ۲۰۰۵) در حدود ۲۰۰ یورو می‌باشد که نرخ رشد آن به رغم خوش‌بینی‌های موجود در زمینه افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در دوران پس از "انقلاب نارنجی"^۴ (اوایل سال ۲۰۰۵) و به قدرت رسیدن دولتی غرب‌گرا؛ (۱۲ درصد در سال ۲۰۰۴) به ۴ درصد تنزل یافته است که دلایل این امر، کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کاهش ارزش صادراتی کالاهای اوکراینی است و پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال ۲۰۰۶ به ۵ درصد افزایش یابد. از سوی دیگر، در اوکراین متوسط نرخ تورم از ۹ درصد در سال

۲۰۰۴ به ۱۳ درصد در پایان سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال ۲۰۰۶ مجدداً به ۹ درصد کاهش یابد.

صادرات اوکراین در سال ۲۰۰۴ عمدتاً شامل آهن و فولاد (۳۷ درصد)، ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۱ درصد)، نفت (۱۰ درصد)، محصولات شیمیایی (۹ درصد)، لوکوموتیو (۵ درصد) و سایر اقلام (۲۸ درصد) و مشتریان محصولات آن در دوره مذکور، اتحادیه اروپا (۳۶ درصد)، جمهوری‌های شوروی سابق (۲۶ درصد)، آسیا (۲۵ درصد)، آمریکا (۷ درصد) و آفریقا (۶ درصد) بوده است. میزان صادرات اوکراین در سال ۲۰۰۴ برابر، ۲۶۹ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۲۸۰ میلیارد یورو بوده است و پیش‌بینی می‌شود که رقم مذکور در سال ۲۰۰۶ به ۳۰۳ میلیارد یورو برسد. واردات اوکراین در سال ۲۰۰۴ عمدتاً شامل نفت و گاز (۲۹ درصد)، ماشین‌آلات و تجهیزات (۱۸ درصد)، وسائط نقلیه (۸ درصد)، محصولات شیمیایی (به استثنای دارو) (۵ درصد) و اقلام دیگر (۴۰ درصد) و شرکای تجاری آن در دوره مذکور عبارت از جمهوری‌های شوروی سابق (۵۲ درصد)، اتحادیه اروپا (۳۴ درصد)، آسیا (۹ درصد)، آمریکا (۴ درصد) و آفریقا (۱ درصد) بوده است. میزان واردات اوکراین در سال ۲۰۰۴ برابر ۲۳۹ میلیارد یورو و در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۲۸۲ میلیارد یورو بوده است و پیش‌بینی می‌شود که رقم مذکور در سال ۲۰۰۶ به ۳۱۶ میلیارد یورو برسد.

درخواست پیوستن اوکراین به سازمان تجارت جهانی^۵، در ۳۰ نوامبر

۱۹۹۳ به آن سازمان ارائه شده است. در حال حاضر، فرایند مذکور به مرحله‌ای رسیده که الحاق اوکراین؛ مشروط به تصویب مجموعه‌ای متشکل از ۱۴ قانون است. تاکنون، ۹ قانون از مجموعه قوانین مذکور به تصویب مجلس اوکراین^۶ رسیده و مواردی مانند کاهش تعرفه کالاهای وارداتی؛ هنوز از موضوعات مورد اختلاف نمایندگان مجلس اوکراین به شمار می‌آید (وب‌سایت بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۷، ۲۰۰۵، بانک اچ وی بی اوکراین^۸، ۲۰۰۵؛ وب‌سایت بانک جهانی، ۲۰۰۶؛ وب‌سایت صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۶) وب‌سایت سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۶).

پیشینه تاریخی: اجداد اسلاو اوکراینی‌ها، سرزمین کنونی اوکراین را در قرن اول میلادی برای سکونت خود برگزیدند و در آنجا مستقر شدند. در قرن ۹ میلادی، شاهزادگان کیف اولین کشور اسلاو؛ یعنی کیوسکا روس^۹ را بنیان نهادند. کشور مذکور که در طی قرون ۱۰ و ۱۱ میلادی به بزرگترین قدرتمندترین کشور اروپا تبدیل شده بود، بر اثر جنگ‌های داخلی و حمله مغول‌ها تضعیف و سپس در طی قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی در دوک‌نشین لیتوانی و سرانجام در اتحادیه لهستان‌لیتوانی؛ ادغام شد. در اواسط قرن ۱۷ میلادی و در پی قیام اهالی اوکراین در مقابل اشغالگران لهستانی، آنان کشور جدیدی^{۱۰} را ایجاد کردند و به رغم فشارهای وارده از جانب روس‌ها؛ توانستند استقلال آن را تا حدود یک قرن بعد حفظ کنند. با این وجود، تا ۳۵ اواخر قرن ۱۸ میلادی؛ بسیاری از

بخش‌های کشور مذکور به تصرف امپراتوری روسیه در آمده بود. پس از سقوط حکومت سلطنتی تزارها و تجربه دوران کسوتاهی از استقلال (۱۹۲۰-۱۹۱۷)، نیروهای دولت جدید کمونیستی شوروی؛ اوکراین را مجدداً به اشغال خود در آوردند. آخرین دوران اشغال که در حدود ۷۰ سال به طول انجامید، سرانجام با رأی ۹۰ درصد مردم اوکراین به استقلال کشورشان از شوروی سابق، در اگوست ۱۹۹۱ پایان یافت. در جدیدترین تحولات تاریخی اوکراین، در پی اعتراضات بسیار گسترده ولی مسالمت‌آمیز مردم نسبت به تقلب در نتایج سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری (معروف به "انقلاب نارنجی")؛ نتایج انتخابات اولیه (نوامبر ۲۰۰۴) باطل و پس از برگزاری انتخاباتی مجدد (دسامبر ۲۰۰۴)، ویکتور یوشچنکو^{۱۱} به عنوان سومین رئیس‌جمهور اوکراین برگزیده شد (پرایس و اترهاوس کوپرز^{۱۲} ۲۰۰۵؛ وب‌سایت دولت اوکراین، ۲۰۰۶؛ گروه آموزشی سالنامه جهانی، ۲۰۰۶).

حسابداری در اوکراین تاریخچه توسعه

در دوران شوروی سابق (۱۹۹۰-۱۹۲۰)، نظام حسابداری در قالب یک نظام دفترداری یکنواخت (شامل اصول و فهرست حساب‌های^{۱۳} یکنواخت)، استاندارد و کدگذاری شده مورد استفاده قرار می‌گرفت که در خدمت دفتر مرکزی آمار^{۱۴} و سازوکار برنامه‌ریزی متمرکز^{۱۵} دولت مرکزی قرار داشت (انتوون^{۱۶}، ۲۰۰۵). در آن دوران، از میان مجموعه صورت‌های

مالی؛ تنها ترازنامه مورد تاکید قرار می‌گرفت و تعدادی از اقلام به صورت سرجمع و ناخالص، در آن نمایش داده می‌شد. نکته اخیر به همراه حجم بالای معاملات انجام شده از طریق حساب‌های حقوق مالکانه، موجب تضعیف ویژگی کیفی قابل فهم بودن اطلاعات و سردرگمی استفاده‌کنندگان ترازنامه شده بود. از سوی دیگر، چون محاسبه سود (زیان) نیز به کمک حساب‌های ترازنامه‌ای صورت می‌گرفت، اعداد و ارقام ارائه شده در صورت سود و زیان؛ تنها نوعی اطلاعات اضافی و مکمل برای ترازنامه به شمار می‌آمد. علاوه بر این، بی‌اعتنایی به کیفیت تهیه صورت مذکور به اندازه‌ای بود که حتی با وجود ارائه شدن یادداشت‌های همراه؛ اطلاعات موجود در آن برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان کفایت نمی‌کرد (کی پی ام جی، ۲۰۰۵).

پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های آن؛ کشورهای تازه استقلال یافته اصلاحات فراوانی را در راستای گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی شده و متمرکز به سمت نظام اقتصادی مبتنی بر بازار انجام دادند و تلاش کردند تا همزمان با توسعه اقتصادی، نظام حسابداری خود را نیز بهبود بخشند.

اوکراین نیز به عنوان یکی از این کشورها، اقداماتی را در این راستا انجام داده است. از منظر تاریخی، فرایند توسعه حسابداری در اوکراین را می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد (سولودچنکو^{۱۷} و ساچر^{۱۸}، ۲۰۰۵):

مرحله اول (۱۹۹۳-۱۹۹۱): با اعلام استقلال اوکراین در اگوست ۱۹۹۱

(البته، استقلال واقعی از دسامبر ۱۹۹۱ و همزمان با استعفای گورباچف و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد)، تصویب تعدادی از قوانین پایه مانند قانون مالکیت، قانون بانکداری، قانون گمرک و غیره شروع شد.

این در حالی بود که نظام دفترداری سابق، با قوانین جدید سازگاری نداشت. بنابراین، نیاز شدیدی به یک نظام حسابداری جدید احساس می‌شد. در آن زمان، اوکراین از فهرست حساب‌های مصوب سال ۱۹۸۵ (ابلاغی وزارت دارایی شوروی سابق) استفاده می‌کرد. در نتیجه، تصمیم گرفته شد تا به منظور اجتناب از ایجاد اختلال در روند اجرایی امور؛ فهرست مذکور اصلاح و با انجام تغییراتی همچنان مورد استفاده قرار گیرد. سپس، در راستای تحولات صورت گرفته و حرکت به سوی نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، ابتدا فرمان استفاده از مبانی و رویه‌های بین‌المللی آمار و حسابداری توسط رئیس‌جمهور صادر شد (ماه می ۱۹۹۲) و سپس؛ هیأت دولت طی دستورالعمل مورخ فوریه ۱۹۹۳، وظیفه تدوین رویه‌های جدید حسابداری را به وزارت دارایی واگذار کرد.

در این دوران، با وجود اینکه هیأت تدوین رویه‌های حسابداری^{۱۹} (وابسته به وزارت دارایی)، فاقد امکانات لازم برای اعمال نفوذ و گسترش حوزه اقتدار خود بود؛ به ابزار مطلوبی در دست اداره امور مالیاتی اوکراین^{۲۰} تبدیل شد. اداره مذکور که از سازمان‌های تابعه وزارت دارایی به شمار می‌آمد، حق بازرسی دفاتر و حساب‌ها، گزارش‌ها، طرح‌ها، اسناد مربوط به امور مالیاتی و

سایر پرداخت‌های قانونی و اجباری واحدهای تجاری را در اختیار داشت. از سوی دیگر، دفاتر محلی سازمان مذکور نیز این اجازه را داشتند تا مدیران واحدهای تجاری را بر اساس حقوق ماهانه آنان و به خاطر عدم ارائه صورت‌های مالی و تخلفات مربوط به عدم رعایت رویه‌های مقرر حسابداری و گزارشگری؛ جریمه کنند و ۳۰ درصد از مبلغ مذکور را مستقیماً به حساب خود منظور نمایند.

بنابراین، در اوکراین در اولین مرحله توسعه حسابداری در دوران پس از استقلال؛ حسابداری در خدمت اهداف مالیاتی قرار داشت و اعمال صحیح رویه‌های آن، از وظایف مقامات مالیاتی به شمار می‌آمد.

مرحله دوم (۱۹۹۶-۱۹۹۳): ویژگی بارز این مرحله، افزایش مستمر نظارت‌های دولت در حوزه حسابداری است. در ژانویه بازوی نظارتی دیگری به نام اداره نظارت و اصلاحات^{۲۱} به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های وزارت دارایی تاسیس و وظیفه نظارت بر قابلیت اعتماد گزارشگری مالی؛ به آن محول شد. البته، حوزه فعالیت این اداره محدود و فقط شامل نظارت بر سازمان‌های دولتی (مانند وزارتخانه‌ها) بود.

آیین‌نامه حسابداری مصوب آوریل ۱۹۹۳ هیات وزیران را می‌توان اولین سند ملی به شمار آورد که در زمینه تنظیم قوانین و مقررات حسابداری اوکراین در دوران پس از استقلال، به تصویب رسیده است. در آیین‌نامه مذکور، رویه‌های حسابداری و مقررات گزارشگری مالی گوناگونی (از قبیل موارد مربوط به معاملات تجاری،

ارزشگذاری دارایی‌ها و ارزیابی موجودی‌ها) مشخص شده بود و واحدهای تجاری موظف شده بودند تا گزارش‌های مالی خود را به دو مرجع دولتی، یعنی اداره امور مالیاتی و اداره آمار و اطلاعات ارائه کنند. از سوی دیگر، طبق آیین‌نامه حسابداری یاد شده؛ حق جریمه کردن مدیران واحدهای تجاری به خاطر عدم تحویل صورت‌های مالی و تخلفات حسابداری؛ همچنان در اختیار ممیزین مالیاتی قرار داده شده بود.

شرایط فوق تا دسامبر ۱۹۹۴ و تصویب قانون جدید مالیات‌ها ادامه داشت. طبق قانون جدید، مقامات مالیاتی تنها قادر بودند تا مودیان را به خاطر عدم ارائه صورت‌های مالی و نه به دلیل تخلفات حسابداری جریمه کنند. تصویب قانون مذکور موجب شد تا ممیزین مالیاتی علاقه خود را نسبت به بررسی نحوه رعایت رویه‌های حسابداری توسط مودیان، از دست بدهند؛ زیرا انجام این کار، هیچ‌گونه منافع مالی را برای آنان در بر نداشت.

در آن دوران، محاسبه مالیات براساس اطلاعات حسابداری انجام می‌شد. در واقع، ممیزین مالیاتی به هنگام بررسی حساب‌های واحد تجاری، کار حسابرسی نیز انجام می‌دادند؛ زیرا هزینه‌های محاسبه شده در چارچوب حسابداری مالی، در اصل همان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی به شمار می‌آمد. بدین ترتیب، "چالش" اصلی ممیزین و مودیان مالیاتی؛ بر سر هزینه‌های جاری واحد تجاری بود. در چنین شرایطی، ممیزین مالیاتی تلاش می‌کردند تا حتی با توسل به

استدلال‌های فراقانونی و نپذیرفتن بخشی از هزینه‌های مذکور، مانع از کاهش سود مشمول مالیات واحد تجاری شوند. در این میان، هیات تدوین رویه‌های حسابداری نیز که وابسته به وزارت دارایی بود، اغلب به نفع مقامات مالیاتی و بر خلاف رویه‌های موجود حسابداری؛ موضع‌گیری می‌کرد.

مرحله سوم (۱۹۹۹-۱۹۹۶): در اگوست ۱۹۹۶، اداره امور مالیاتی به سازمان امور مالیاتی^{۲۲} تبدیل و از وزارت دارایی مستقل شد. در نوامبر ۱۹۹۷، قانون مالیات‌ها (مصوب دسامبر ۱۹۹۴) مورد تجدید نظر قرار گرفت و حق سازمان امور مالیاتی مبنی بر درخواست صورت‌های مالی از واحدهای تجاری؛ لغو شد. بنابراین، مقامات مالیاتی دیگر حق مطالبه گزارش‌های مالی و یا سایر گزارش‌های غیرمالیاتی را از مودیان خود نداشتند. بدین ترتیب، نظام حسابداری از سیطره مقامات مالیاتی خارج شد. ایجاد تغییرات مذکور، برای حسابداری اوکراین نوعی فرصت تاریخی به شمار می‌آمد که بتواند به طور مستقل به توسعه خود ادامه دهد. در واقع، فرصت مغتنمی برای دولت و جامعه حسابداری اوکراین به وجود آمده بود تا قبل از ادامه اصلاحات مربوط به حوزه حسابداری با انجام مجموعه‌ای از پژوهش‌های بنیادی؛ مناسب‌ترین نظام حسابداری مورد نیاز را مشخص سازند. ولی کسی قدر این فرصت را ندانست و هیچ‌گونه تلاش هماهنگی در این خصوص به عمل نیامد.

مرحله چهارم (تاکنون - ۱۹۹۹): در شرایطی که به موجب آخرین

اصلاحات قانون مالیات‌ها (فوریه ۱۹۹۸)، سازمان امور مالیاتی به بازوی اصلی اجرایی دولت و رئیس آن به یکی از قدرتمندترین مقامات اوکراین تبدیل شده بود؛ قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین^{۲۳} (مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۹) در ۱۷ اگوست ۱۹۹۹ به امضای رئیس‌جمهور وقت رسید و ضمانت اجرایی یافت. قانون مذکور که از اول ژانویه ۲۰۰۰ و همزمان با معرفی فهرست حساب‌های جدیدی برای واحدهای تجاری (دستورالعمل مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۹۹ وزارت دارایی)، لازم‌الاجرا شد؛ تاکنون سه بار (آخرین بار در ژوئن ۲۰۰۰) مورد تجدیدنظر قرار گرفته است (قانون حسابداری، ۱۹۹۹ تجدیدنظرهای^{۲۴} اعمال شده در قانون حسابداری، ۲۰۰۰).

فهرست حساب‌های جدید، از سه گروه حساب اصلی (۱-۹) شامل دارایی‌های ثابت، موجودی‌ها، وجوه نقد و بانک و غیره) و گروه صفر (مربوط به حساب‌های خارج از ترازنامه^{۲۵})، مانند ضمانت‌نامه‌های بانکی) تشکیل شده است. هر یک از گروه‌های نُه‌گانه اصلی نیز به نوبه خود، به ده گروه حساب فرعی دیگر طبقه‌بندی می‌شود. نگهداری هفت گروه حساب اصلی (۱-۷) و گروه حساب‌های خارج از ترازنامه برای کلیه واحدهای تجاری الزامی است. گروه هشتم (هزینه‌های تولید) مربوط به واحدهای تولیدی می‌باشد و نگهداری حساب‌های گروه نهم (تحت عنوان "سایر هزینه‌ها" شامل هزینه‌های توزیع و فروش، اداری، مالی و غیره) نیز برای واحدهای تجاری کوچک^{۲۶} و مؤسسات غیرتجاری؛

الزامی نیست.

براساس قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین، وظیفه تدوین و تصویب رویه‌ها و استانداردهای ملی حسابداری؛ به وزارت دارایی واگذار شده است. البته، پیش از این و در اکتبر ۱۹۹۷ هیات تدوین رویه‌های حسابداری به عنوان یک نهاد مشورتی، در ساختار وزارت دارایی ایجاد شده بود. بدین ترتیب، هشت استاندارد حسابداری تا قبل از امضای قانون حسابداری و پنج استاندارد نیز تا قبل از لازم‌الاجرا شدن آن؛ به تصویب رسیده بود. پانزده استاندارد دیگر نیز در طی سال‌های بعد از لازم‌الاجرا شدن قانون مذکور منتشر شده، به گونه‌ای که تعداد استانداردهای حسابداری اوکراین؛ هم‌اکنون به ۲۸ استاندارد رسیده است.

تصویب قانون مذکور که در پی اجرای برنامه اصلاح نظام حسابداری (مصوب اکتبر ۱۹۹۸ هیات وزیران) صورت گرفت، حسابداران اوکراینی را با دو چالش جدی مواجه ساخت: کمبود زمان لازم برای آشنایی و هماهنگی با استانداردهای جدید و مشکلات مربوط به بازآموزی آنان. رویکرد جدید مطرح شده در استانداردهای ملی حسابداری که نسخه بسیار ساده شده‌ای از استانداردهای بین‌المللی حسابداری^{۲۷} به‌شمار می‌آمد، برای حسابداران اوکراینی بیگانه به نظر می‌رسید؛ زیرا پیش از این، نحوه نگرش آنان به مسائل حسابداری کاملاً متفاوت بود. از سوی دیگر، استانداردهای مهمی از قبیل استانداردهای مربوط به "دارایی‌های ثابت" و "اجاره‌ها"؛ چهار و هفت ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون

حسابداری به تصویب رسیده بود. علاوه بر این، بازآموزی حسابداران در حین کار و تغییر مداوم قانون مالیات‌ها نیز موجب شده بود تا مشکلات حسابداران در زمینه کمبود زمان لازم برای آشنایی و هماهنگی با استانداردهای جدید؛ تشدید شود. در رابطه با مشکل بازآموزی حسابداران؛ مسئله موجود کمبود مربیان اوکراینی بود که بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری تسلط داشته باشند. برای حل این مشکل، موسسات حسابرسی و نهادهای بین‌المللی فعال در اوکراین؛ دوره‌های متعددی را به منظور آموزش چنین مربیانی برگزار کردند تا آنان قادر باشند پس از گذراندن دوره‌های مربوط، به آموزش تعداد بیشتری از حسابداران محلی بپردازند.

در گامی بلند به سوی هماهنگی شدن با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و گزارشگری مالی^{۲۸}، رعایت این استانداردها از ابتدای سال ۲۰۰۳ برای شرکت‌های اوکراینی پذیرفته شده در بورس اجباری و قرار شد تا از سال ۲۰۰۵ و به رغم وجود مشکلات فراوان در به‌کارگیری استانداردهای مذکور؛ رعایت آنها برای کلیه شرکت‌های اوکراینی اجباری شود. این در حالی می‌باشد که قبلاً تنها بانک‌ها (از سال ۱۹۹۸) ملزم به رعایت استانداردهای مذکور بودند (دیپلویت^{۲۹}، ۲۰۰۳).

قانون حسابداری

قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین، شامل پنج فصل و ۱۵ ماده است. به منظور آشنایی بیشتر با قانون

مسذکور، به ذکر گزیده‌هایی از آن می‌پردازیم (قانون حسابداری، ۱۹۹۹؛ تجدیدنظ‌های اعمال شده در قانون حسابداری، ۲۰۰۰).

در فصل اول (تحت عنوان "موارد عمومی"، شامل پنج ماده)، به تعریف اصطلاحاتی (به ترتیب) از قبیل دارایی‌ها، حسابداری، حسابداری داخلی^{۳۰} (حسابداری مدیریت)، عملیات تولید، بدهی‌ها، مزیت مالی^{۳۱} (منافع آتی)، گزارشگری صورت‌های مالی تلفیقی، استانداردهای ملی حسابداری، خط مشی ثبت (تلخیص)^{۳۲} (اصول و رویه‌های گزارشگری مالی)، مدرک اصلی^{۳۳} (صورت‌حساب بهای تمام شده تولید)، گزارشگری مالی و استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی (شامل کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی استفاده‌کننده از اطلاعات به منظور تصمیم‌گیری) پرداخته شده است (ماده ۱).

طبق ماده ۲ قانون مذکور، هدف حسابداری عبارت است از فراهم آوردن اطلاعاتی درباره واحد تجاری به منظور تسهیل فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان. همه واحدهای تجاری ملزم به داشتن سیستم حسابداری می‌باشند و موظف هستند تا کلیه گزارش‌های مالی، مالیاتی، آماری و غیره خود را براساس آن تهیه کنند.

براساس ماده ۴ قانون حسابداری و گزارشگری مالی، اصول ده‌گانه حسابداری اوکراین به ترتیب عبارت‌اند از محافظه‌کاری، افشای کامل، تفکیک شخصیت، ثبات رویه، تداوم فعالیت، تطابق هزینه‌ها با درآمدها، رجحان محتوا بر شکل، بهای واقعی^{۳۴} (بهای

تمام شده)، واحد پولی و دوره مالی. تعریف اصول مذکور، به همان ترتیبی بیان شده است که در استانداردهای حسابداری اکثر کشورهای جهان مشاهده می‌شود. همچنین، طبق ماده ۵ قانون یاد شده، حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای تجاری اوکراینی باید به واحد پول اوکراین انجام شود.

فصل دوم (شامل دو ماده)، به نظارت دولت بر نظام حسابداری اوکراین و نهادهای فعال در این حوزه اختصاص دارد. نهادهای مذکور و وظایف هر یک از آنها، در بخش‌های بعدی و تحت عنوان "نهادهای قانونی" تشریح شده است.

در فصل سوم (تحت عنوان "حسابداری"، شامل سه ماده) به تشریح اصول کلی دفترداری و ثبت و نگهداری حساب‌ها پرداخته شده است. برای مثال، ثبت و نگهداری حساب‌ها باید به طور مستمر از تاریخ ثبت شرکت تا تاریخ انحلال آن؛ ادامه داشته باشد. مسئولیت تدوین و سازمان‌دهی نظام دفترداری واحد تجاری، با مالک (مالکان) آن یا نمایندگان وی (آنها) و مسئولیت حسابداری واحد تجاری؛ بر عهده رئیس حسابداری^{۳۵} آن است. اسناد و مدارک حسابداری واحد تجاری نیز باید حداقل برای مدت سه سال نگهداری شود. ثبت دفاتر و حساب‌ها باید به زبان اوکراینی و به واحد پول اوکراین و به یکی از دو شکل سنتی (در دفاتر) یا الکترونیکی انجام شود. همچنین، انجام هر گونه معامله به ارز خارجی نیز باید به صورت جداگانه و به واحد پول اوکراین (تسعیر شده به نرخ

تاریخ انجام معامله) ثبت شود. **فصل چهارم (شامل پنج ماده)** به نظام گزارشگری مالی اوکراین اختصاص دارد. این مبحث به صورت جداگانه و در بخش "گزارشگری مالی در اوکراین" مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل پنجم (تحت عنوان "سایر موارد"، شامل دو ماده) به تاریخ لازم الاجرا شدن قانون (اول ژانویه ۲۰۰۰) و وظایف دولت اوکراین در رابطه با قانون حسابداری و گزارشگری مالی، شامل تصویب استانداردهای مربوط و لغو قوانین و مقررات مغایر با قانون مصوب فعلی؛ اشاره شده است.

استانداردهای حسابداری حسابداری در اوکراین، براساس استانداردهای ملی حسابداری انجام می‌گیرد. که توسط نهادهای دولتی تصویب می‌شود. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، استانداردهای حسابداری اوکراین بر مبنای استانداردهای بین‌المللی حسابداری و گزارشگری مالی تدوین شده و اساساً تفاوت چندانی با آنها ندارد. با این حال، در زیر به ذکر برخی از مواردی می‌پردازیم که ممکن است با استانداردهای بین‌المللی متفاوت و یا بعضاً ناسازگار باشد (کی پی ام جی، ۲۰۰۵؛ مک‌گی^{۳۶} و پری‌آبرگنسکا یا^{۳۷}، ۲۰۰۵؛ بانک اچ وی بی اوکراین، ۲۰۰۵).

● موارد افشای مطرح شده در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱ (نحوه ارائه صورت‌های مالی)، نسبت به استاندارد حسابداری شماره ۱

اوکراین (الزامات عمومی صورت‌های مالی) مفصل‌تر است.

● بر خلاف مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱ (نحوه ارائه صورت‌های مالی) که در آن "تداوم فعالیت" به عنوان یک فرض مطرح شده است، بر اساس ماده ۴ قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین؛ "تداوم فعالیت" از اصول حسابداری به شمار می‌آید. بدین ترتیب، مشخص نمی‌شود که در صورت وجود نشانه‌هایی دال بر عدم تداوم فعالیت؛ آیا واحد تجاری باید نسبت به تهیه و ارائه صورت‌های مالی خود بر اساس آن، اقدام کند یا خیر.

● برخلاف مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱ (نحوه ارائه صورت‌های مالی) که هر دو نوع طبقه‌بندی هزینه‌ها (بر حسب ماهیت و بر حسب کارکرد) را در صورت سود و زیان مجاز دانسته، بر اساس استاندارد حسابداری شماره ۳ اوکراین (صورت سود و زیان)؛ طبقه‌بندی هزینه‌ها در صورت سود و زیان، تنها بر حسب کارکرد آنها مجاز شمرده شده است.

● به رغم تشابه موارد مربوط به مالیات‌های معوق^{۳۸} در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۲ (مالیات بر درآمد) با موارد متناظر در استاندارد حسابداری شماره ۱۷ اوکراین (مالیات بر درآمد)، نحوه محاسبه مبلغ مالیات مذکور در استاندارد اخیر به قدری پیچیده است که بسیاری از واحدهای تجاری؛ به‌سادگی از آن چشم‌پوشی می‌کنند.

● به رغم وجود استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۴ (گزارشگری قسمت‌ها) در زمینه شناسایی

قسمت‌های قابل گزارش (تجاری یا جغرافیایی)، استاندارد حسابداری مشابهی در اوکراین وجود ندارد.

● برخلاف تاکید مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۷ (اجاره‌ها) در استفاده از روش خط مستقیم برای شناسایی مبالغ اجاره عملیاتی به عنوان هزینه دوره (مگر در موارد خاص)؛ طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۴ اوکراین (اجاره‌ها)، به کارگیری روش اخیر اختیاری است.

● به رغم تصریح استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۸ (درآمد عملیاتی) در مستثنی کردن مبلغ مالیات بر ارزش افزوده از درآمدهای عملیاتی واحد تجاری؛ طبق استاندارد حسابداری شماره ۳ اوکراین (صورت سود و زیان)، مبلغ مالیات مذکور باید در صورت سود و زیان به عنوان بخشی از مبلغ فروش گزارش شود.

● به رغم وجود استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲۰ (حسابداری کمک‌های بلاعوض دولت و افشای کمک‌های دولت) در زمینه کمک‌های بلاعوض دولتی و نحوه افشای آنها، استاندارد حسابداری مشابهی در اوکراین وجود ندارد.

● برخلاف مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲۱ (آثار تغییر در نرخ تسعیر ارز)، طبق استاندارد حسابداری شماره ۲۱ اوکراین (آثار تغییر در نرخ تسعیر ارز)؛ ثبت برخی از اقلام تسعیر شده به ارزش ناخالص مجاز شمرده شده است.

● تعداد موارد افشای تعیین شده در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره

۲۴ (افشای اطلاعات در خصوص اشخاص وابسته)، نسبت به استاندارد حسابداری شماره ۲۳ اوکراین (افشای اطلاعات در خصوص اشخاص وابسته) بیشتر است.

● در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲۸ (سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری وابسته)، معیار داشتن نفوذ قابل ملاحظه در واحد سرمایه‌پذیر؛ دارا بودن حداقل ۲۰ درصد از قدرت حق رای تعیین شده است. این در حالی می‌باشد که در استاندارد حسابداری شماره ۱۹ اوکراین (ترکیب واحدهای تجاری)، میزان حق رای مذکور ۲۵ درصد است.

● مفاد استاندارد بین‌المللی شماره ۲۹ (گزارشگری در شرایط اقتصادی فوق تورمی) در زمینه تجدید ارائه صورت‌های مالی دوره‌های قبل بر اساس تغییرات شاخص عمومی قیمت‌ها، در استاندارد حسابداری شماره ۲۲ اوکراین (آثار تورم) نادیده گرفته شده است.

● مباحث مطرح شده در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۲ (ابزار مالی: موارد افشاء و نحوه ارائه)، نسبت به استاندارد حسابداری شماره ۱۳ اوکراین (ابزار مالی) از جزئیات بیشتری برخوردار است.

● به‌رغم تشابه استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ (عایدی هر سهم) با استاندارد حسابداری شماره ۲۴ اوکراین (عایدی هر سهم)، مقررات مربوط به محاسبه و افشای مبلغ عایدی هر سهم؛ در استاندارد اخیر از دقت کافی برخوردار نمی‌باشد.

● به رغم تاکید استاندارد بین‌المللی

گزارشگری مالی شماره ۳ (ترکیب واحدهای تجاری) در زمینه شناسایی دارایی‌های نامشهود تحصیل شده در ترکیب تجاری به عنوان دارایی‌هایی مجزا از سرقفلی (تحت شرایطی خاص)، در استاندارد حسابداری شماره ۱۹ اوکراین (ترکیب واحدهای تجاری)؛ اشاره‌ای به آن نشده است.

نهادهای قانونی

وزارت دارایی اوکراین: براساس بند ۲ ماده ۶ قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین، وظیفه نظارت بر رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی و تدوین و تصویب استانداردهای ملی حسابداری و سایر مقررات و دستورالعمل‌های مربوط؛ بر عهده وزارت دارایی اوکراین گذاشته شده است. بازوی اجرایی وزارت دارایی در اجرای مفاد قانون مذکور، هیات تدوین رویه‌های حسابداری است. هیات مشورتی مذکور، جزئی از ساختار وزارت دارایی اوکراین به شمار می‌آید و متشکل از ۲۹ عضو می‌باشد. وظایف این هیات بر اساس ماده ۷ قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین، عبارت است از:

● بحث و تبادل نظر در زمینه پیش‌نویس استانداردهای ملی حسابداری و اسناد و مدارک مربوط.

● توسعه حسابداری در اوکراین.

● پشتیبانی فنی و آموزشی حسابداران در استفاده از ابزار و رویه‌های جدید حسابداری.

بانک مرکزی اوکراین: طبق بند ۳ ماده ۶ قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین، وظیفه تدوین رویه‌های

حسابداری و گزارشگری مالی بانک‌ها بر عهده بانک مرکزی اوکراین گذاشته شده است.

خزانه‌داری کل اوکراین: بند ۴ ماده ۶ قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین، خزانه‌داری کل این کشور را موظف کرده است تا رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی مربوط به سازمان‌هایی را تدوین کند که به نحوی از انحاء از بودجه دولت استفاده می‌کنند.

کمیسیون دولتی بازار بورس و اوراق بهادار: ۳۹ بر اساس قانون بورس و اوراق بهادار اوکراین^{۴۰} که از زمان تصویب آن در ژوئن سال ۱۹۹۱، تاکنون یازده بار (آخرین بار در فوریه ۲۰۰۴) مورد تجدیدنظر قرار گرفته؛ کمیسیون دولتی بورس و اوراق بهادار در سال ۱۹۹۵ تشکیل و مسئولیت مقررات‌گذاری و نظارت در حوزه بازار سرمایه به آن محول شده است. اعضای این کمیسیون که هفت نفر می‌باشند، توسط رئیس جمهور پیشنهاد و با رای اعتماد مجلس اوکراین انتخاب می‌شوند. کمیسیون مذکور، نقش به‌سزایی را در پیشرفت حسابداری و به ویژه قانونمندی‌سازی گزارشگری مالی ایفاء کرده است.

کمیسیون دولتی تنظیم بازار خدمات مالی: ۴۱ کمیسیونی مرکب از هفت نفر است که براساس فرمان مورخ ۴ آوریل ۲۰۰۳ ریاست جمهوری اوکراین تشکیل شده و وظیفه آن مقررات‌گذاری و تنظیم بازار خدمات مالی، شامل شرکت‌های بیمه و موسسات اعتباری می‌باشد. بخشی از وظایف مذکور، به تدوین قوانین و

مقررات حسابداری و گزارشگری مالی شرکت‌های پیشگفته مربوط می‌شود.

نهادهای حرفه‌ای

فدراسیون حسابداران و حسابرسان حرفه‌ای اوکراین: ۴۲ یک انجمن حرفه‌ای خودنظم و غیرانتفاعی است که در ۴ سپتامبر ۱۹۹۶ تاسیس شده و در حال حاضر، در حدود ۴۰۰۰ عضو از میان حسابداران، حسابرسان و اساتید حسابداری سراسر اوکراین دارد. هدف انجمن مذکور، افزایش اعتماد عموم جامعه نسبت به خدمات حرفه‌ای باکیفیت اعضا، ترویج استانداردها و رویه‌های حسابداری مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری و گزارشگری مالی، تدوین آیین رفتار حرفه‌ای برای اعضا و ارائه آموزش مستمر حرفه‌ای برای آنان می‌باشد.

از مهم‌ترین فعالیت‌های فدراسیون حسابداران و حسابرسان حرفه‌ای اوکراین می‌توان به ارائه دوره‌های آموزشی لازم برای اخذ مدارک حرفه‌ای بین‌المللی و روسی‌زبان حسابدار حرفه‌ای رسمی^{۴۳} و حسابدار حرفه‌ای رسمی بین‌المللی^{۴۴} (گواهی‌نامه‌های اعطایی توسط شورای بین‌المللی حسابداران و حسابرسان رسمی^{۴۵})، ترجمه استانداردهای بین‌المللی حسابداری و گزارشگری مالی به زبان اوکراینی، انتشار مجله دوماهانه تریبون حسابداران و حسابرسان^{۴۶} و حضور فعال نمایندگان آن در مراجع گوناگون تسدوین استانداردها و رویه‌های حسابداری و حسابرسی اشاره کرد (وبسایت دروازه توسعه اوکراین^{۴۷})،
۴۱ (۲۰۰۶).

یکی از جالب‌توجه‌ترین فعالیت‌های انجمن مذکور که با همکاری اتحادیه حساب‌برسان اوکراین^{۴۸} صورت گرفته، گنجانیدن روز ۱۶ ژوئیه (روز تصویب قانون) به عنوان "روز حسابدار" در تقویم اوکراین است.

انجمن حسابداران و حساب‌برسان رسمی اوکراین^{۴۹} یک انجمن حرفه‌ای خودنظم و غیرانتفاعی نوپا می‌باشد که در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴ تاسیس شده و هم‌اکنون در حال عضوگیری است. هدف این انجمن، توسعه و بهبود حرفه حسابداری و حسابرسی و پشتیبانی از رشد و بالندگی حسابداران و حساب‌برسان در اوکراین می‌باشد.

قرار است تا فعالیت‌های انجمن جدیدالتاسیس مذکور در جهت توسعه استانداردهای بین‌المللی مرتبط با حرفه، ارتقای سطح آموزش حسابداری در اوکراین، برگزاری دوره‌های آموزشی گوناگون، تدوین آیین رفتار حرفه‌ای برای اعضا، همکاری و تعامل با انجمن‌های بین‌المللی از قبیل فدراسیون بین‌المللی حسابداران^{۵۰} و غیره؛ شکل گیرد. در حال حاضر، انجمن مذکور فاقد نشریه می‌باشد (وب‌سایت انجمن حسابداران و حساب‌برسان رسمی اوکراین، ۲۰۰۶).

گزارشگری مالی در اوکراین

براساس استاندارد حسابداری شماره ۱ اوکراین (الزامات عمومی صورت‌های مالی)، هدف گزارشگری مالی عبارت از ارائه اطلاعات قابل اعتماد در خصوص وضعیت مالی، نتایج عملیات و گردش وجوه نقد واحد تجاری به استفاده‌کنندگان؛ جهت

تصمیم‌گیری است.

طبق استاندارد مذکور، ویژگی‌های کیفی اطلاعات پشتوانه گزارشگری مالی نیز عبارت از قابل فهم بودن، مربوط بودن، قابلیت اعتماد و قابلیت مقایسه است.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، فصل چهارم قانون حسابداری و گزارشگری مالی اوکراین (شامل پنج ماده)، به مبحث گزارشگری مالی اختصاص دارد (قانون حسابداری، ۱۹۹۹ تجدیدنظرهای اعمال شده در قانون حسابداری، ۲۰۰۰). براین اساس:

● گزارشگری مالی واحدهای تجاری باید براساس اطلاعات حسابداری صورت گیرد و گزارش‌های مالی تهیه شده، باید به امضای مدیر واحد تجاری و رئیس حسابداری آن برسد.

● صورت‌های مالی واحدهای تجاری (به استثنای سازمان‌های دولتی، نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی و واحدهای تجاری کوچک) شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت گردش وجوه نقد، صورت سود و زیان جامع و یادداشت‌های همراه است.

● نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی و واحدهای تجاری کوچک، ملزم به گزارشگری مالی فشرده^{۵۱} یعنی ارائه ترازنامه و صورت سود و زیان هستند.

● شکل گزارشگری مالی واحدهای تجاری (در قالبی یکنواخت) به استثنای بانک‌ها و سازمان‌های دولتی، توسط وزارت دارایی و با هماهنگی کمیته دولتی آمار و اطلاعات اوکراین^{۵۲} تعیین می‌شود.

● شکل گزارشگری مالی بانک‌ها و سازمان‌های دولتی، به ترتیب توسط

بانک مرکزی و خزانه‌داری کل اوکراین مشخص می‌شود.

● گزارش‌های مالی واحدهای تجاری که دارای واحدهای فرعی هستند، باید شامل صورت‌های مالی شرکت اصلی و صورت‌های مالی تلفیقی گروه باشد.

● دوره مالی واحدهای تجاری، منطبق بر سال تقویمی است و گزارش‌های مالی سالانه باید حداکثر تا بیستم فوریه سال بعد به مقامات مربوط ارائه شود.

● گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای، هر سه ماه یک‌بار انجام می‌شود و شامل ارائه ترازنامه (به تاریخ آخرین روز دوره سه‌ماهه مورد گزارش) و صورت سود و زیان است. گزارش‌های میان‌دوره‌ای، باید حداکثر تا بیست و پنجم ماه بعد از دوره سه‌ماهه مورد گزارش؛ به مقامات قانونی مربوط ارائه شود.

● اولین دوره مالی یک واحد تجاری جدیدالتاسیس، ممکن است کمتر از ۱۲ ماه باشد؛ ولی مدت مذکور نباید از ۱۵ ماه بیشتر شود.

● دوره مالی یک واحد تجاری در حال انحلال، از اولین روز سال آغاز و به تاریخی ختم می‌گردد. که تصمیم به انحلال آن گرفته می‌شود.

● گزارشگری مالی واحدهای تجاری، از مصادیق موارد محرمانه تجاری به شمار نمی‌آید؛ مگر در شرایطی که قانون مشخص کرده باشد.

حسابرسی در اوکراین

تاریخچه توسعه

در دوران شوروی سابق، حسابرسی به مفهوم کنونی وجود نداشت؛ زیرا اقتدار دولت، گستردگی مالکیت دولتی و محدودیت مالکیت خصوصی، رشد و

گفتگو با دکتر احمد یعقوب نژاد عضو کمیته برنامه ریزی آموزشی رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی

از اعضای کمیته برنامه ریزی رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی صورت گرفته قرار دهیم.

در این مصاحبه به مباحثی از قبیل میزان انطباق دروس با نیازهای جامعه، ضرورت کارآموزی در این رشته، میزان انطباق دروس این رشته با دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته، و هماهنگی آنها با دانشگاه‌های سراسری و ... پرداخته شده است.

بعد از انقلاب فرهنگی، ستاد انقلاب فرهنگی در جلسه‌ای مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۱ براساس طرح دوره کارشناسی حسابداری (که توسط کمیته برنامه ریزی علم اداره و مدیریت گروه علوم انسانی ستاد انقلاب فرهنگی تهیه شده بود و به تایید این گروه رسیده بود) را در ۳ فصل (مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس) به کلیه دانشگاه‌ها، موسسات آموزش عالی و براساس قوانین تاسیس می‌شوند و موسسات آموزش عالی دیگر که مطابق قوانین خاص تشکیل می‌شوند و باید تابع ضوابط دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران باشند، ارائه گردید.

تعداد کل واحدهای درسی این رشته ۱۶۰ واحد و ۱۰ واحد کارآموزی به شرح زیر بود:



تهیه کننده: زهرا عبادی

پیش زمینه

یکی از سوالاتی که ذهن دانشجویان رشته حسابداری و یا دانش‌آموختگان را به خود مشغول داشته و همواره از خود، اساتید و مسئولان دانشگاه سوال می‌کنند، مربوط به دروس و سرفصل‌هایی است که در طول دوره کارشناسی می‌گذرانند. از این رو برآن شدیم که در این شماره، شما را در جریان مصاحبه‌ای که با آقای دکتر احمد یعقوب نژاد یکی

یکی از مراکز آموزش عالی که خود اقداماتی در جهت تغییر و تحول انجام داده است دانشگاه آزاد اسلامی، در شورای برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی می باشد. ● جناب آقای دکتر از اینکه وقت خود را جهت این مصاحبه اختصاص دادید تشکر می کنم. ابتدا خواهش می کنم توضیحاتی در مورد شورای برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی و کمیته حسابداری ارائه دهید؟

از تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۰ طی ابلاغیه شماره ۱۰۸۹/و، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اختیار برنامه ریزی درسی به واحدهای دانشگاهی واگذار شد. قبلاً این وظیفه توسط شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم به انجام می رسید. هدف ابلاغیه یاد شده، سیاست تمرکززدایی و احیای استقلال دانشگاه ها بوده است. دانشگاه آزاد اسلامی که نیمی از بدنه آموزش عالی کشور را در اختیار دارد از این واگذاری حسن استقبال را به عمل آورده و برای ایفای این مسئولیت شورایی همانند شورای عالی برنامه ریزی با همان ماموریت در حیطه وظایف خود برای حل مسائل آموزشی در سطح آموزش عالی تشکیل داد.

این شورا در حال حاضر ۹ گروه برنامه ریزی و ۵۲ کمیته تخصصی و دو کمیسیون دائمی دارد. کمیته تخصصی حسابداری یکی از زیر مجموعه های گروه علوم انسانی می باشد که در راستای اهداف شورا تشکیل و در حال انجام وظیفه است.

● وظیفه شورای برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی چیست؟

۱- تعیین اولویت ها و راهبردهای توسعه علوم و آموزش عالی در دانشگاه با توجه به روند گسترش علوم و آموزش عالی در کشور و جهان در چارچوب وظایف و اختیارات دانشگاه.

۲- تصویب مقررات و معیارهای برنامه ریزی آموزشی و تدوین برنامه های درسی در دوره ها و رشته های مختلف آموزش عالی.

۳- بررسی و تصویب برنامه های آموزشی و درسی جدید که از طرف واحدهای دانشگاهی، نهادها و دستگاه های اجرایی به شورا پیشنهاد می شود.

۴- تعیین ضوابط و مقررات اصلاح، تکمیل و بازنگری برنامه های درسی مصوب، حذف و ادغام رشته ها و گرایش ها، حذف دروس غیر ضروری، تعدیل و به روز کردن سرفصل ها و محتوای درسی و تعداد واحدها، ابداع

- ۱- دروس عمومی ۳۹ واحد
۲- دروس پایه ۵۰ واحد
۳- دروس تخصصی ۷۱ واحد
۴- کارآموزی معادل ۱۰ واحد

برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری شامل: الف) دروس عمومی، ب) دروس پایه، ج) دروس اصلی و تخصصی که در ادامه ۲ جدول دروس پایه و اصلی ارائه می گردد.

سرفصل های مصوب در دهه ۷۰ مورد بازنگری قرار گرفت و تغییراتی اعمال شد که عمده این تغییرات فقط با تغییر در تعداد واحدهای مصوب قبلی بود، بدون توجه و بررسی محتوای سرفصل های درسی مصوب شده و عبارتند از:

دروس عمومی:

- مبانی کاربرد کامپیوتر در مدیریت (شماره ۱۵) از ۴ واحد به ۳ واحد تقلیل یافت.

دروس اصلی و تخصصی:

- برنامه نویسی به زبان کوبال (COBOL) و کاربرد آن در حسابداری (۲ واحدی) حذف شد.

- بررسی موارد خاص در مدیریت مالی (۳ واحدی) به ۲ درس مدیریت مالی ۱ و مدیریت مالی ۲ (هرکدام ۳ واحدی) تغییر یافت.

- بررسی موارد خاص در حسابداری (۲ واحدی) به مباحث جاری در حسابداری (۲ واحدی) تغییر یافت.

- امور مالی بین المللی (۳ واحدی) حذف شد.

با کمی دقت مشخص می شود که تغییرات ذکر شده فقط بر تعداد واحدها و عناوین دروس بوده و کوچک ترین توجهی به محتوای دروس و سرفصل ها نشده است.

با توجه به گذشت زمان، تغییرات سریع در محیط کشور و بین الملل، نیازهای تغییر شکل یافته جامعه خودمان و پیشرفت سریع در کلیه علوم و رشته ها آیا این دروس و محتوای آنها تکاپوی نیازهای جدید ما را دارد یا خیر؟ جواب کاملاً مشخص است خیر.

پس با توجه به مشکلات پیش آمده مثل عدم هماهنگی بین نیازهای جامعه و مباحث ارائه شده در سیستم آموزش عالی کشور، عقب ماندن این سیستم از تغییرات سریع و به روز جامعه جهانی و جوامع علمی، تجارت جهانی، بازار سرمایه و اطلاعات قابل اتکا و ... این نیاز احساس شد که باید تغییر کرد.

روش‌های نوین برای افزایش کیفیت آموزشی و پژوهشی و محور کردن برنامه‌های درسی.
۵- تدوین و تصویب مقررات و آیین‌نامه‌های آموزشی و دستورات‌العامل‌های اجرایی و نظارت بر حسن اجرای مصوبات.

● آقای دکتر توضیحاتی در مورد فعالیت، اعضاء گروه و چگونگی مراحل کار کمیته حسابداری ارائه دهید:

تا اواخر سال ۱۳۸۴ امور برنامه‌ریزی آموزشی رشته حسابداری در کمیته تخصصی مدیریت و علوم اداری و حسابداری مورد بررسی قرار می‌گرفت اما در سال ۸۴ کمیته تخصصی رشته حسابداری در زیرگروه علوم انسانی تشکیل شد و برابر احکام صادره اعضای کمیته مشخص و فعالیت آن شروع گردید. در خصوص انتخاب اعضای کمیته شاخص‌هایی چون مدرک تحصیلی سابقه تدریس، سابقه کار پژوهشی، فعالیت‌های مدیریتی در حوزه آموزش لحاظ شده است. با توجه به اینکه کمیته تخصصی حسابداری یکی از کمیته‌های شورای برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی است. عضو هیات علمی تمام وقت در دانشگاه آزاد اسلامی شرط لازم عضویت در این کمیته به حساب می‌آید. در حال حاضر آقایان دکتر قدرت‌اله طالب‌نیا از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دکتر مهدی مرادزاده‌فر از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، جناب آقای بنایی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، دکتر عبدالرضا تالانه از دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، دکتر یداله تاروی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و این‌جانب از واحد تهران شمال اعضای اصلی کمیته می‌باشند.

لازم به ذکر است با توجه به موضوعات مختلفی که در کمیته مطرح می‌شود سایر اعضا هیئت علمی، جهت کمک و ارائه مشاوره‌های لازم به کمیته دعوت می‌شوند.

در حال حاضر کمیته هر ۱۵ روز یکبار یک جلسه ۲ ساعته را تشکیل و بازنگری برنامه‌های درسی مصوب در مقطع کارشناسی این رشته را در برنامه کار خود دارد. به موازات کارگروه طی بخشنامه‌ای که در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۱۴ تنظیم شده از تمامی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی سراسر کشور در گروه علوم انسانی از جمله رشته حسابداری دعوت شده است تا در زمینه سه فصل دروس، گرایش‌های جدید مورد نظر، ایجاد رشته جدید با مقاطع تحصیلی جدید پیشنهاد خود را به کمیته اعلام نمایند.

مسئلاً اعضا کمیته پیشنهادات دریافتی را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً به همراه کارهای انجام شده در کمیته جمع‌بندی شده و جهت تصویب به شورای برنامه‌ریزی گروه علوم انسانی ارسال خواهد شد.

لازم به ذکر است کمیته قصد دارد با برگزار کردن همایش یک یا دو روزه از اساتید صاحب‌نظر در رشته دعوت به عمل آورده و نظرات جمع‌آوری شده را مورد بررسی قرار دهد.

● چند سال پیش کمیته‌ای در دانشگاه شهید بهشتی (با حضور دکتر اردبیلی و سایر اساتید) ایجاد شد که هدف آنها هم بحث تجدید نظر در سرفصل‌های حسابداری بود آیا کار شما با ایشان ارتباطی دارد یا خیر؟

در حال بازمینی سرفصل‌های رشته حسابداری امری واجب می‌باشد و لازم است تا تمامی دانشگاه‌ها در این خصوص وارد عمل شوند با توجه به تکلیفی که از جانب آقای دکتر نائینی (دبیر شورای برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی) برای کمیته مشخص شده است کمیته برنامه‌ریزی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی موظف است تا با توجه به تغییرات محیطی و نیازهای فعلی حرفه سرفصل‌های رشته را بازمینی نماید. با این وجود این کمیته از همکاری سایر دانشگاه‌ها، اساتید استقبال می‌کند و به این همکاری نیازمند است.

● آقای دکتر چه گرایش‌های جدیدی ارائه شده؟

در خصوص گرایش‌های جدید کمیته رسماً پیشنهادی را دریافت ننموده است اما بحث حسابداری بیمه، حسابرسی، طراحی سیستم‌های بهای تمام شده و ... مطرح شده است. در صورتی که پیشنهادات با ارائه دروس و سرفصل باشد کمیته موضوع را بررسی و جهت تصویب به شورای برنامه‌ریزی ارسال خواهد نمود.

● آقای دکتر در دهه ۷۰ یک سری تغییرات بر روی سرفصل‌ها انجام شد که بیشترین تمرکز بر روی کم کردن واحدهای درسی بود و توجهی به محتوا نشد. حال شما تمرکز و هدفان در این سری از بررسی‌ها چیست؟
بله تغییرات قبلی بر روی محتوای دروس نبوده بلکه ساختار سرفصل در حدود ۹۰ درصد ثابت مانده مثلاً درس مدیریت مالی (۴ واحدی) و بررسی موارد خاص در مدیریت مالی (۳ واحدی) به مدیریت مالی ۱ و ۲ (هرکدام ۳ واحدی) تبدیل شد.

هدف ما این است که آیا محتوای دروس با توجه به تغییراتی که هم در محیط و هم در خود رشته حسابداری رخ داده است، مطابقت دارد یا خیر؟
و یکی دیگر این که ما مجبوریم به علت زیاد شدن مباحث یکسری از دروس، شاید بخواهیم واحدها را تعدیل کنیم البته به شرط حفظ کردن تعداد واحدهای مصوب.

● آقای دکتر یک درسی مثل سیستم حسابداری که در سیستم دانشگاه آزاد تدریس می شود اما در دانشگاه های سراسری خیر و یا سایر موارد که این ها از موارد اختلاف ۲ سیستم است آیا در کمیته حسابداری این موارد هم مطرح می شود یا خیر؟
اختلاف چندانی وجود ندارد بلکه این موارد به اختیاری بودن برخی از دروس برمی گردد و به انتخاب خود سیستم دانشگاهی است.

● آقای دکتر در مورد درسی مثل کاربرد کامپیوتر که در حال حاضر جوابگوی نیاز دانشجویان و جامعه نیست آیا فکری شده است یا خیر؟

در مورد این درس در گذشته این دیدگاه وجود داشت که حسابدار باید با یک زبان برنامه نویسی آشنا شود. اعتقاد کمیته بر این است که دانشجوی ما باید در طی دوران تحصیل با فرمت و شکل گیری یک سری نرم افزارهای مرتبط با رشته خود مثل حقوق و دستمزد مالی، انبار و سهام آشنا شده باشد و دیده باشد. البته دانستن و خواندن زبان های برنامه نویسی بسیار مفید است اما ضرورتی احساس نمی شود.

● در مورد دروسی که بیان کننده قوانین کشوری است (مثل قانون مالیات های مستقیم، تجارت و سود) موارد اختلاف بین تئوری و عمل آنها دیده می شود، نظرتون در مورد این درس ها چیست؟

ویژگی قانون تفسیرپذیری آن است و باید شخصی این درس را تدریس کند که مقداری گرایش مالی و دیدگاه حسابداری داشته باشد مضافاً بر اینکه تجربه هم بسیار می تواند مفید باشد. و اگر خود اساتید با چند چالش مواجه شده باشند بهتر می توانند مباحث درسی را مطرح کنند که این مساله بیشتر به منابع انسانی خود واحدهای دانشگاهی و مدیر گروه تخصصی ارتباط دارد. سرفصل ها و مباحث را باید به گونه ای طراحی کنیم که بتوانیم نیازهای دانشجویان و جامعه را برطرف کنیم.

● آقای دکتر برای دروسی مثل ریاضی و آمار که برخلاف اسم کاربردی آن اصلاً در رشته حسابداری کاربردی مشخص ندارد، آیا راه حلی به دست آمده است یا خیر؟
در رشته حسابداری یکسری از دروس است که با دید تخصصی خود در رشته حسابداری تدریس می شود. در دروس ریاضی و آمار، چقدر به بحث کاربردی بودن اهمیت می دهیم. ما چقدر از فرمول های آمار را در رابطه با کار حسابداری می شناسیم و استفاده می کنیم. به عنوان مثال یک حسابرس باید بتواند از آمار برای بحث نمونه گیری، برآورد احتمال خطر حسابرسی استفاده کند.

اعتقاد کمیته بر این است که در این دروس بیشتر به نحوه استفاده از اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده ها تاکید شود و صرفاً به اثبات فرمول پرداخته نشود که البته هر یک در جای خود با اهمیت می باشد.

● آقای دکتر در یکسری از دروس مباحثی وجود دارد که یا اصلاً کاربرد آنچنانی ندارد (مثل حسابداری شعب یا دفاتر جداگانه) و یا اصلاً در کشورهای پیشرفته موارد استفاده ای دیگر ندارد (مثل حسابداری تورمی) آیا شما هم این تغییرات را اعمال کرده اید یا خیر؟

در مباحثی که دیگر مورد استفاده ای ندارد بله با توجه به نیازهای روز تغییر می کند اما در مورد بحث دوم چون به صرف اینکه آن کشورها در زمان نیاز استفاده کردند و حال دیگر کاربردی برایشان ندارد (با توجه به پایین بودن نرخ تورم در بحث حسابداری تورمی) و ما هم بیاییم و دیگر استفاده نکنیم و کنار بگذاریم نه موافق نیستیم چون هنوز برای ما کاربرد دارد و در مباحث جاری حتماً لحاظ می شود.

● بینش تغییرات ما تنها بر روی جامعه خودمان است. آیا ارتباط با سایر کشورها مدنظر نیست؟ و یا تجربه جوامع دیگر مورد استفاده قرار نمی گیرد؟

حتماً ما مدنظر قرار می دهیم. با توجه به بحث جهانی شدن، پول الکترونیکی، تجارت جهانی، مباحث ایجاد شده در فناوری اطلاعات و یا موضوع هزینه بایی ها مثل ABC، Traget Costing و Caisen Costing که در کشورهای پیشرفته اهمیت یافته اما در کشور ما اهمیت چندانی به این موضوع نمی دهند. در صورتی که اگر قبول کنیم در چندسال آینده باید وارد تجارت جهانی شویم پس در آن زمان نیازهایمان عوض می شود و حتماً باید از تجربیات کشورهای پیشرفته استفاده کنیم. همان طور که در حال حاضر بسیاری از

هم مطرح شود. آیا لازم است درسی مثل اصول حسابداری ۳ حذف شود یا تعداد واحدهای آن کاهش یابد؟ این موارد نیز جزیی از برنامه‌های درسی کمیته می‌باشد.

● آقای دکتر در مورد تغییرات و ضمانت اجرایی آنها چه فکری کردید؟

در حال حاضر شورای برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی مشغول کاربرروی این سرفصل‌ها هستند که صرف این که این تغییرات را تصویب می‌کنند یا نه، منتظر باشیم، فعالیت نکنیم ما وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم. همین بازنگری، تغییرات و بحث‌ها، حساسیت اساتید و دانشگاه‌ها خودش بسیار خوب و مفید است و ایجاد انگیزه می‌کند. و کار بسیار ضروری است و از نظر قانونی مکلف هستیم این بستر را ایجاد کنیم و به نظر من این دید مثبت وجود دارد که این تغییرات حتماً به نتایج خوبی می‌رسد.

در خاتمه از جنابعالی که وقت خود را جهت این مصاحبه در اختیار ما قرار دادید تشکر می‌کنم ضمناً از کلیه اساتید محترم، دانشجویان گرامی، کارشناسان شاغل در حرفه و همه علاقه‌مندان درخواست می‌شود در صورت داشتن هرگونه پیشنهاد و نظری در مورد موضوع مورد بحث نظرات خود را به مجله "حسابدار" ارائه کرده تا در اختیار این کمیته قرار داده شود.

اخبار دانشجویی

شرایط انتقال دانشجویان ایرانی خارج از کشور به دانشگاه پیام‌نور

معاون سنجش و دانشجویی دانشگاه پیام‌نور شرایط انتقال دانشجویان ایرانی خارج از کشور به این دانشگاه را تشریح کرد. دکتر ابوالفضل فراهانی در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران، با بیان این که دانشگاه فرصت‌های مناسبی را برای انتقال دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج به کلیه مراکز داخل فراهم کرده است، گفت: متقاضیان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج تا هفتم شهریور مهلت دارند تا با ارسال تقاضا به معاونت سنجش و دانشجویی دانشگاه، نسبت به ارائه درخواست خود برای تحصیل در دانشگاه پیام‌نور اقدام کنند. وی با بیان این که انتقال دانشجویان خارجی در کلیه رشته‌های فعال دانشگاه و در تمامی مراکز و واحدها صورت می‌گیرد؛ گفت: به این دسته از دانشجویان در پایان مدرک دانشگاه پیام‌نور ارائه

منابع درسی ما از آن کشورها تامین می‌شود. در کل باید به یک تعادل برسیم، که در کل جهان چه می‌گذرد و چه اتفاقی می‌افتد و در ثانی در جامعه خودمان چه نیازهایی داریم و چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و باید این تعادل به سیستم‌های دانشگاهی هم منتقل شود.

● مباحث جدیدی که در استانداردهای ملی مطرح شده مثل بیمه بازنشستگی، املاک و ... آیا در مباحث جاری در آن بحث می‌شود؟

هنوز به این مباحث نرسیده‌ایم که در کجا باید بحث گردد. ولی هر وقت به آن مباحث رسیدیم بله حتماً مورد بررسی قرار می‌گیرد و همه مطلع خواهند شد.

● آقای دکتر در مباحث شورا آیا جایی برای کارآموزی و یا ارتباط با صنعت قرار داده‌اید یا خیر؟

بله، این مورد هم جزو بحث‌هایمان است. اما اگر از خود من می‌پرسید می‌گویم بله باید ایجاد شود مگر اینکه گرایش‌های جدید به وجود آید. که در هر گرایش باید کارآموزی مربوط به آن گرایش بحث گردد. مثلاً گرایش حسابداری دانشجوی باید حتماً دوره کارورزی را طی نماید. حتی ممکن است ساعات کارورزی را افزایش دهیم و یا کارگاه‌هایی ایجاد کنیم که دانشجو بتواند سیستم مالی، سیکل و فرآیند کار و تمامی فرم‌ها و مدارک را بشناسد.

در حال حاضر این خلاء وجود دارد و متأسفانه دانشجو بعد از تحصیل باید از کارهایی مثل جمع‌زدن، تیک کردن و ... شروع کند که عملاً بعد از چند سال به بهره‌برداری مناسب از خود می‌رسد. که این خودش هم یک هزینه فرصت است و ما قصد داریم با ایجاد کارورزی و یا کارگاه‌های مشابه این هزینه را به حداقل برسانیم و دانشجو بتواند وارد بازار کار شود.

اما یک بحث دیگری هم مطرح می‌شود و آن هم تعادل بین اصول کاربردی و تئوری است که باید موازنه بین این دو برقرار باشد. که نه از محیط کار غافل شویم و نه از مفاهیم تئوری دروس.

● آقای دکتر در حال حاضر یک نگرش وجود دارد که دروسی مثل اصول به ما یک دید کلی می‌دهد و در میانه این دید ریزتر می‌شود و یا یکسری از مباحث صنعتی در اصول مطرح می‌شود. آیا برای این مورد هم جایی قرار داده‌اید؟

بله. به عنوان مثال چرا باید یکسری از مباحثی که در حسابداری صنعتی مطرح می‌شود در اصول حسابداری ۳

می شود. به گفته دکتر فراهانی، کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های خارجی مورد تایید وزارت علوم می‌توانند برای تحصیل در مراکز دانشگاهی پیام نور اقدام کنند. وی در ادامه اظهار کرد: شهریه دریافتی از دانشجویان انتقالی نسبت به دانشجویان پذیرفته شده در آزمون سراسری و فراگیر متفاوت است و توسط هیات امنای دانشگاه تعیین می‌شود.

روزنامه مشهری ۱۰/۳/۸۵

بیش از ۷۰ درصد فارغ‌التحصیلان در شغل‌های غیر مرتبط فعالند وزیر کار و امور اجتماعی در مراسم گشایش کلینیک اشتغال کشور گفت: کمتر از ۳۰ درصد فارغ‌التحصیلان در رشته کاری مناسب با تحصیل خود جذب بازار کار شده‌اند. سیدمحمد جهرمی افزود: هم اکنون نرخ بیکاری کشور ۳/۱۲ درصد است و نرخ فارغ‌التحصیلان ۶/۱۵ درصد برآورد می‌شود. وی نبود مدیریت کارآفرینی را از چالش‌های صنعت دانست و تاکید کرد: سرمایه‌گذاری در برخی رشته‌ها اشباع شده است. وی مهارت کسب و کار را جدای از مهارت فنی دانست گفت: دیپلمه‌ها ۳/۷ درصد نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند.

وی هم چنین افزود: به عنوان دیرخانه شورای عالی اشتغال از هر کمکی که لازم باشد به کلینیک اشتغال دریغ نمی‌کنیم.

روزنامه مشهری ۲/۳/۸۵

ارزیابی دانشگاه‌ها مفیدتر از رتبه‌بندی آنهاست رئیس دانشگاه تربیت معلم تهران گفت: ارزیابی دانشگاه‌ها یک امر ضروری و فوری است ولی رتبه‌بندی نیازمند کار کارشناسی و مطالعات جدی است. محمدعلی برخوردار افزود: بحث مطرح شده در حال حاضر بحث سیستم ارزیابی دانشگاه‌های کشور به منظور شناسایی نقاط ضعف و قوت دانشگاه‌ها است. وی رتبه‌بندی دانشگاه‌ها را نیازمند یک سری مقدمات قطعی دانست و افزود: این مقدمات در حال حاضر در کشور فراهم نیست چرا که در کشور بودجه، مقررات و تامین استاد دانشگاه‌ها به نحوی در دست نهادهای غیر از دانشگاه است و هم چنین امکانات دانشگاه‌ها نسبت به هم متفاوت است. برخوردار تصریح کرد: اگر امکانات مساوی در اختیار دانشگاه‌ها قرار گیرد و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها نیز براساس بهره‌وری سیستم مدیریتی و عملکردی دانشگاه باشد رتبه‌بندی یک امر طبیعی و ضروری است، ولی در شرایط کنونی که امکانات مساوی در

اختیار دانشگاه‌ها نیست، رتبه‌بندی دانشگاه‌ها چندان ضرورتی ندارد.

رئیس دانشگاه تربیت معلم تهران تاکید کرد: دانشگاه‌هایی که از قدیم دارای تجهیزات و امکانات بیشتری هستند دانشجویان بهتری را هم جذب می‌کنند و از عملکرد و خروجی بهتر نیز برخوردارند در مقابل بعضی از دانشگاه‌ها. رئیس دانشگاه تربیت معلم تهران تاکید کرد: دانشگاه‌هایی که از قدیم دارای تجهیزات و امکانات بیشتری هستند دانشجویان بهتری را هم جذب می‌کنند و از عملکرد و خروجی بهتر نیز برخوردارند در مقابل بعضی از دانشگاه‌ها که عقب‌تر بوده و فاقد چنین امکانات و اختیارات هستند که بتوانند موقعیت خود را ارتقا دهند، به همین خاطر رتبه‌بندی یک امر ضروری نیست، چرا که به این منظور کلیه دانشگاه‌ها فوری خواستار امکانات لازم و یکسان می‌شوند که در نتیجه قبل از رتبه‌بندی ارزیابی دانشگاه‌ها مفیدتر خواهد بود. وی در پایان خاطر نشان کرد: ارزیابی دانشگاه‌ها با توجه به امکانات، اختیارات و شناسایی نقاط ضعف و قوت یک امر ضروری و قابل اجرا است.

روزنامه مشهری ۲۵/۳/۸۵

بازنگری آیین‌نامه کار دانشجویی

رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به بازنگری آیین‌نامه کار دانشجویی در وزارت علوم، گفت: پایه حقوق حق‌الزحمه کار دانشجویی باید سالانه متناسب با نرخ تورم افزایش یابد.

فولادی نژاد، با بیان این که آیین‌نامه کار دانشجویی، آخرین بار در سال ۸۲ بازنگری شده است، تصریح کرد: بهره‌گیری از توان دانشجویان در پیشبرد اهداف امور آموزشی، فرهنگی، فوق‌برنامه، اداری و خدماتی دانشگاه‌ها در این آیین‌نامه پیش‌بینی و طراحی شده است.

هم چنین این آیین‌نامه فرصتی است تا طی آن، دانشجویان تجربه‌ای جدید کسب کنند و از طرف دیگر به تامین معاش آنها کمک می‌کند. وی با اشاره به شرایط لازم برای اشتغال به دانشجویی، تصریح کرد: تشخیص واحد به کارگیرنده در دانشگاه در زمینه‌های مذکور و کارایی دانشجوی، داشتن صلاحیت‌های عمومی به تشخیص معاونت دانشجویی یا فرهنگی دانشگاه مربوط و نداشتن درآمد کافی برای تامین هزینه‌های زندگی از اولویت‌هایی است که در اختصاص کار دانشجویی به دانشجویان مدنظر قرار می‌گیرد.

روزنامه جام‌جم ۱۹/۳/۸۵

معرفی موسسات حسابرسی عضو انجمن حسابداران خبره ایران

در اجرای مصوبه شورایی عالی انجمن حسابداران خبره ایران و به استناد ماده ۱۰ اساسنامه انجمن بدین وسیله موسسات حسابرسی عضو انجمن حسابداران خبره ایران که حداکثر شرکاء آنها حسابداران مستقل عضو انجمن می باشند، به شرح زیر و به ترتیب الفبا معرفی می گردند.

فهرست

- ۱- آژمودگان
- ۲- امجدتراز سپاهان
- ۳- ایران مشهود
- ۴- آژمون
- ۵- آژمون سامانه
- ۶- آریاروش
- ۷- اصول پایه فراگیر
- ۸- آریان فراز
- ۹- ارکان سیستم
- ۱۰- بهراد مشار
- ۱۱- بیات رایان
- ۱۲- بیداران
- ۱۳- به روز آوران ژرف اندیش
- ۱۴- تدوین و همکاران
- ۱۵- تلاش ارقام
- ۱۶- حسابر سین
- ۱۷- خبره
- ۱۸- دایارایان
- ۱۹- دش و همکاران
- ۲۰- رایمند و همکاران
- ۲۱- سخن حق
- ۲۲- سپاهان تراز
- ۲۳- فراز مشار
- ۲۴- ممیز
- ۲۵- نواندیشان
- ۲۶- همیار حساب

انجمن حسابداران خبره ایران



تلفنهای ۸۸۹۰۲۹۲۶
۸۸۹۰۵۹۲۰
فکس ۸۸۸۹۹۷۲۲

E-Mail: Anjoman@systemgroup.net

info@iranianica.com

موسسه حسابرسی آژمودگان

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- مهرداد آل علی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- فرهاد فرزاد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالمجید قدریز (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات حسابداری، مشاوره‌های و طراحی سیستم‌های مالی - نظارت بر امور تصفیه
تلفن: ۸۸۸۰۳۴۶۵ - ۸۸۸۰۲۶۳۹ - ۸۸۷۵۷۳۴۰
فکس: ۸۸۷۵۷۳۴۱
نشانی: خیابان کریمخان زند - خیابان حافظ شماره ۷۰۱ - طبقه چهارم صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۷۹۷

موسسه حسابرسی آژمون

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- فریدون کشانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- جواد گوهرزاد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیدکمال موسوی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، طراحی سیستم، نرم‌افزار و مشاوره مالی و مالیاتی
تلفن: ۸۸۰۰۰۸۷۱
فکس: ۸۸۰۱۲۳۱۵
نشانی: کارگر شمالی، ۴۴۶، طبقه دوم
صندوق پستی: ۱۴۳۹۵/۷۱۶
Email: Azmoon_co@yahoo.com

موسسه حسابرسی امجد

عضو انجمن حسابداران خبره ایران

عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمدحسین واحدی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- اصغر بهنیا (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عباس اسماعیلی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی و مالیاتی، بازرسی قانونی، مشاوره‌های مدیریت مالی، طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های مالی، دفتر تهران: خیابان ولعصر، بالاتر از جام جم، ساختمان جم، شماره ۱۲۷۹، طبقه چهارم، واحد یک
تلفن: ۰۲۱.۲۲۰۱۲۹۳۲
دفتر اصفهان: میدان آزادی، خیابان آزادگان، کوی کارگران، ساختمان ۲۰، طبقه سوم، واحد ۶
تلفن: ۰۲۱.۶۶۲۱۳۲۵
صندوق پستی اصفهان ۸۱۶۲۵-۱۹۹
http://www.amjad.ir
info@amjad.ir

موسسه حسابرسی آژمون سامانه

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- عبدالرضا (فرهاد) نوربخش (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- علی اصغر نجفی مهری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسین قاسمی روچی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره مالی و مدیریت و طراحی و استقرار سیستم‌های مالی و ارزیابی سهام
نشانی: خیابان بهار شیراز تقاطع سه‌رودی جنوبی شماره ۹۷ واحد ۸
تلفن: ۷۷۵۳۷۹۴۴ - ۷۷۶۳۷۷۳۰
فکس: ۷۷۵۲۷۴۵۸
صندوق پستی: ۱۵۷۴۵/۱۴۹
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاکرس، شماره ۵ واحد ۲
تلفن: ۸۸۷۹۸۴۸۱

آریاروش

موسسه حسابرسی آریاروش

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- حبیب جامعی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیدمحمد بزرگراه (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مجتبی غلامی (حسابدار رسمی، کارشناس رسمی دادگستری)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌های و مدیریت، طراحی سیستم‌های مالی و اصلاح حساب
تلفن: ۸۸۵۱۶۴۴۶
نشانی: تهران، سیدخندان ابتدای سه‌رودی شمالی، خدایان شهید کوروش مهاجر، شماره ۷ واحد ۵
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۷۹۱۹

معرفی موسسات حسابرسی

عضو انجمن حسابداران خبره ایران



ایران مشهود

موسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت

عضو انجمن حسابداران خبره ایران

عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمدرضا گلچین پور (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- علیرضا عطفوی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیدعباس اسمعیل زاده پاکدامن (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- محمدصادق حشمتی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌های مالی و مدیریت و طراحی سیستم‌های مالی و ارزیابی سهام
تلفن: ۸۸۷۹۱۴۹۹ - ۸۸۷۹۱۴۳۷ - ۸۸۷۸۵۷۶۵
فکس: ۸۸۷۹۱۴۷۰
نشانی: خیابان وحید دستگردی (ظفر) - بین خیابان آفریقا و بزرگراه مدرس - پلاک ۲۴۸ - طبقه چهارم صندوق پستی: ۴۸۹۹ - ۱۴۱۵۵
دفتر اهواز: فلکه سوم کیانپارس، خیابان اردیبهشت، پلاک ۳۲، طبقه سوم، تلفن: ۰۶۱۱-۳۳۳۶۶۲۵
Email: info@iranmashhood.com
Website: www.iranmashhood.com



موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت اصول پایه فراگیر

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- ابراهیم موسوی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسن صالح آبادی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- هوشنگ منوچهری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی
بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و
طراحی سیستم‌های مالی
تلفن: ۸۸۴۲۳۵۲۴ - ۸۸۴۱۱۵۰۵
فاکس: ۸۸۴۲۳۵۲۴ - ۸۸۴۱۱۵۰۵
نشانی: خیابان مطهری - جنب باشگاه بانک سپه
پلاک ۴۳ طبقه ۴
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۵۹۳۵

موسسه حسابرسی ارکان سیستم

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمد شو قیان (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالله شفاعت (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- جبرائیل بهاری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی،
بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و
طراحی سیستم‌های مالی (به همراه نرم‌افزارهای
مالی)
تلفن: ۲ و ۸۸۸۰۴۹۴۱ فاکس: ۸۸۸۰۴۹۴۰
دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به
خیابان فاطمی، خیابان شهید حمیدصدر پلاک ۳۸
طبقه دوم آپارتمان شماره ۱۰
دفتر تریز: خیابان امام سه‌راهی طالقانی، مجتمع
خدمات تجاری سهند طبقه دوم واحد ۸
تلفکس: ۰۴۱۱-۵۵۳۳۵۷۰
Email: m_shoghian@yahoo.com

موسسه حسابرسی بیات رایان

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- منوچهر بیات (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- ابوالقاسم مرآتی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالحسین رهبری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: طراحی سیستم (نرم‌افزار) مشاوره مالی و
مالیاتی، خدمات حسابداری، خدمات حسابرسی
عملیاتی و مالیاتی
تلفن: ۸۸۵۰۴۵۸۶ - ۸
فاکس: ۸۸۵۰۲۰۴۵
نشانی: خیابان مطهری - بین کوه نور و دریای نور -
شماره ۲۳۹ - طبقه دوم
Email: kpmg-br@parsonline.net
Kpmg-br@neda.net

موسسه حسابرسی آریان قراز

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- مهدی سوادلو (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- داریوش امین‌نژاد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- محمودرضا ناطری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی و بازرسی قانونی، حسابرسی
مالیاتی، حسابرسی عملیاتی، ارائه خدمات مالی
و مشاوره‌ای، طراحی سیستم‌های مالی، ارزیابی
سهام و حسابرسی داخلی.
تلفن: ۸۸۵۲۶۳۱ - ۸۸۵۲۱۹۰۷
فاکس: ۸۸۵۲۱۹۰۶
نشانی: تهران - خیابان دکتر بهشتی، میدان تختی،
خیابان صابونچی، کوچه دوم (اداشی)، پلاک ۵،
واحد ۷، کدپستی: ۱۵۳۳۶۳۵۴۱۹

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت بهراد موشار

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- مهربان پرویز (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- فریده شیرازی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- بهروز ابراهیمی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- شیرین مشیر فاطمی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- رضا یعقوبی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی،
بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و
طراحی سیستم‌های مالی.
تلفن: ۸۸۳۰۹۴۹۰ - ۸۸۳۲۶۵۲۷ فاکس:
نشانی: تهران - خیابان مطهری خیابان فجر (جم
سابق) پایین تر از کانون زبان پلاک ۲۹ طبقه دوم
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۵۵۵۱
کدپستی ۱۵۸۹۷۸۳۱۱۶
Email: info@behradmoshar.com

موسسه حسابرسی بیداران

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- عباس اسرار حقیقی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- یدالله امیندواری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسین فرج‌اللهی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی،
بازرس قانونی، طراحی سیستم‌های مالی، مشاوره
مالی و مالیاتی، ارزیابی سهام
تلفن: ۸۸۳۰۶۹۱۱ - ۸۸۸۲۹۷۶۱ - ۸۸۸۳۵۲۰۷
فاکس: ۸۸۸۳۱۶۸۱
نشانی: شمال میدان هفت‌تیر، خیابان زیرک‌زاده، شماره ۲۲،
طبقه اول

موسسه حسابرسی بهروز آوران

ژرف‌اندیش

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- حمید طباطبائی زاده فشارکی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- علیرضا مسعودخورسندی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالناصر احمدیان (حسابدار رسمی)
- داریوش فارسی‌منش (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی صورت‌های مالی، حسابرسی مالیاتی،
بازرس قانونی، خدمات مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات
حسابرسی داخلی، ارزیابی سهام
تلفن: ۲۲۲۲۸۴۴۵ - ۲۲۹۱۳۲۴۰ فاکس:
نشانی: خیابان شریعتی، نبش بلوار میرداماد،
ساختمان ۲۰۰۰، طبقه دوم، واحد ۱۰

انجمن حسابداران خبره ایران



تلفن‌های: ۸۸۹۰۲۹۲۶

۸۸۹۰۵۹۲۰

۸۸۹۹۷۲۲

فاکس:

Email: Anjoman@systemgroup.net

info@iranianica.com



موسسه حسابرسی

دش و همکاران

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- بهروز دارش (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سید حسین عربزاده (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- میلتن ایوان کریمیان (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره مالی و مالیاتی، اصلاح حساب، ارزیابی سهام، طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۶۶۹۴۵۶۶۷-۶۶۹۴۵۶۶۵
فاکس: ۶۶۴۲۹۹۷۱
نشانی: تهران- خیابان جمالزاده شمالی بالاتر از بلوار کشاورز رویروی بانک ملی شماره ۲۵۳
صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۴۸۷
Email: Dash_Co@neda.net

موسسه حسابرسی

رایمند و همکاران

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- عباسعلی دهدشتی نژاد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- فریبرز امین (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- همایون مشیرزاده (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره مالی و مالیاتی، اصلاح حساب
تلفن: ۸۸۸۰۳۰۴۴
فاکس: ۸۸۹۰۳۴۹۶
نشانی: تهران - خیابان زرتشت غربی، پلاک ۳۲، طبقه پنجم
Email : rymand@rymand.com

موسسه حسابرسی خبره

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- داود خمارلو (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- نعمت‌اله علیخانی‌زاد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیاوش سهیلی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای و طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۸۸۸۰۴۵۱۹-۲۱
فاکس: ۸۸۹۰۲۳۲۰
نشانی: خیابان ولیعصر، کوی پزشکیپور (شمال فروشگاه قدس) شماره ۲۳ کدپستی: ۱۵۹۴۸

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

دایارایان



عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- علی امامی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- غلامحسین دوانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالحسین فرزاد (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی بازرسی قانونی، مشاوره مدیریت مالی، طراحی و یاده سازی سیستم مالی، نظارت مالی و حسابداری و مالیاتی، نظارت بر امور تصفیه
تلفن: ۸۸۵۲۸۶۰۰
فاکس: ۸۸۷۳۹۰۵۶
نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان سرفراز، خیابان هفتم، شماره ۵۰، طبقه دهم
صندوق پستی: ۱۵۷۴۵-۹۴۷
Email: DAYA RAYAN@apadana.com

راهنمای موسسات حسابرسی

عضو انجمن حسابداران

خبره ایران

۸۸۹۰۵۹۲۰-۸۸۹۰۲۹۲۶



موسسه حسابرسی تدوین و همکاران

ERNST & YOUNG INTERNATIONAL

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- احمد ثابت مظفری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- ابوالقاسم فخاریان (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- علیرضا خالقی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی - حسابرسی مالیاتی - بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای و طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۸۸۸۸۶۱۵۰-۸-۸۸۷۸۲۰۹۶
نشانی: خیابان ولیعصر، پائین تر از میدان ونک، پلاک ۱۲۷۹/۱
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۳۱۴۹
Email: tadvinco@mail.dci.co.ir

موسسه حسابرسی تلاش ارقام

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- حسن خدایی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- فیروز عربزاده (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- خلیل گنجه (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای مالی و مالیاتی، اصلاح حساب، ارزیابی سهام و طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۸۸۷۷۸۸۱۱
فاکس: ۸۸۸۷۲۷۵۴
دفتر تهران: خیابان گاندی، خیابان بیستم، شماره ۱۸، واحد ۶
دفتر تبریز: خیابان ولیعصر، خ کریم خان، خیابان شهید آذرینیا، بن بست رهی
تلفن: ۳۳۳۰۵۵۵
فاکس: ۳۳۱۲۷۷۸

موسسه حسابرسی و بهبود سیستم های مدیریت

حسابرسان

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- حسن اسمانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- منوچهر زندی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- منیژه آریانیپور (حسابدار رسمی)
- مصطفی خادم الحسینی (حسابدار رسمی، حسابدار مستقل)
- ابو الفضل بسطامی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای و طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۸۸۷۲۱۲۶۹-۸۸۷۱۹۷۴۳-۸۸۷۲۶۵۱۸
نشانی: خیابان قائم مقام نراهانی، ساختمان ۲۱۶، طبقه سوم، واحد ۲۶
Email: hesabresin@rayankooosh.com



۲۱

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سخن حق



عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- شهره شهلائی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- هوشنگ خستونی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- اسداله نیلی اصفهانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی مالیاتی، حسابرسی عملیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره در زمینه امور بانک، بیمه، فن آوری اطلاعاتی
تلفن: ۸۸۷۹۴۶۴۶
تلفاکی: ۸۸۷۹۴۹۲۸

سندوق پستی: ۴۱۷۵ - ۱۴۱۵۵
نشانی: میدان آرژانتین، اول بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهنی، پلاک ۹، بلوک ب، واحد شماره ۳
پست الکترونیک: info@sokhanehagh.com
www.sokhanehagh.com

۲۲

موسسه حسابرسی سپاهان تراز

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- سید امیر حسین ابطی نائینی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عباس حیدری کبری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سید شهریار توریان (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مهراڻ پوریان (حسابدار رسمی)
- علیرضا جعفری نسب (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی و بازرسی قانونی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی عملیاتی، مشاوره مدیریت مالی، طراحی و پیاده سازی سیستم مالی، خدمات مالی و حسابداری و مالیاتی، ارزیابی سهام، نظارت بر امور تصفیه تهران: بلوار میرداماد، خیابان شهید بهزاد حصار (رازان جنوبی)، پست بیست و یکم، پلاک ۴ طبقه دوم
تلفن: ۲۹۰۳۷۵۸۹
فاکس: ۲۲۲۷۶۳۳۸
اصفهان: خیابان آزادگان (سعادت آباد) شماره ۹، طبقه

دوم
تلفن: ۰۳۱۱-۶۶۹۹۴۹۴-۶۶۹۹۵۹۵
فاکس: ۰۳۱۱-۶۶۸۷۶۰۰

www.sepahantaraz.com
info@sepahantaraz.com

۲۳

موسسه حسابرسی فرازمشاور

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- پرویز صادقی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- نریمان ایلخانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- اصغر عبدالهی نیرآبادی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، ارائه خدمات مشاوره ای و طراحی سیستم های مالی، بازرس قانونی، خدمات حسابداری، ارزیابی سهام
تلفن: ۸۸۸۹۴۴۶۸۸۸۹۲۰۳۶
فاکس: ۸۸۹۰۰۵۲۸
نشانی: تهران - ولیعصر نیش استاد مطهری کوچه افتخار پلاک ۱۲ طبقه دوم کدپستی: ۱۵۹۵۸

۲۴

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت ممیز

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمدنبی داهی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسین سیادت خو (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سعید سینائی مهریانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای و طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۸۸۹۰۱۵۴۷، ۸۸۸۹۵۳۷۷
۸۸۹۰۷۶۷۹، ۸۸۸۰۲۹۰۱
فاکس: ۸۸۸۰۲۸۹۸
نشانی: خیابان کریم خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان سپند، پلاک ۹۲، طبقه سوم، واحد ۶، کدپستی: ۱۵۹۸۶۸۵۵۱۷

۲۵

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت نواندیشان

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- سورن آبنوس (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
 - غلامعلی رشیدی (حسابدار رسمی)
 - کارو هوانسیان فر (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- خدمات: حسابرسی مالیاتی، حسابرسی عملیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای و طراحی سیستم های مالی و حسابداری صنعتی
تلفن: ۸۸۳۰۲۳۱۶
فاکس: ۸۸۸۴۱۲۲۷
نشانی: خیابان میرزای شیرازی، نیش خیابان کامکار ساختمان ۸۳، آپارتمان ۱۶، کدپستی: ۱۵۸۵۷
Email: nouandishan@yahoo.com

۲۶



همیار حساب

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- نریمان شهربافی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مسعود میارک (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- محمدتقی سلیمان نیا (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای و طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۸۸۷۷۴۱۳۱-۸۸۸۷۴۳۰۸
فاکس: ۸۸۷۹۰۸۹۹
نشانی: تهران - میدان ونک، خیابان ونک، پاساژ ونک، طبقه اول، آپارتمان شماره ۱۰۷
سندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۱۶۴۳
Email: Hamyar@iranianica.com

راهنمای موسسات حسابرسی

۸۸۹۰۵۹۲۰-۸۸۹۰۲۹۲۶

مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها

دکتر محسن خوش‌طینت
 عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
 زهرا قانون
 دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

چرا شرکت‌ها باید به گونه‌ای عمل کنند که در قبال اجتماع مسئولیت پذیر
 و پاسخگو باشند؟

حرکت در مسیر
 مسئولیت‌های اجتماعی
 و زیست‌محیطی یک
 عامل ضروری و حیاتی
 است که منجر به تداوم
 فعالیت سازمان در
 بلندمدت می‌گردد.
 مطالعات و تحقیقات
 گسترده در اواخر سال
 ۲۰۰۲، موسسه پراس
 واترهاوس^۱ در سطح
 بین‌المللی، بیانگر این بود
 که قریب ۷۰ درصد



مدیران ارشد بر این اعتقادند که نشان دادن مسئولیت‌های
 اجتماعی سازمان تاثیر به‌سزایی در سودآوری فعالیت‌ها
 دارد.

منظور از مسئولیت‌های اجتماعی سازمان "پیوستگی و
 اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است

مقدمه

این مقاله عواملی را
 مورد بررسی قرار
 می‌دهد که سازمان را
 مجبور به پذیرش
 مسئولیت‌های اجتماعی
 و زیست‌محیطی می‌کند
 و در نتیجه آن، اقدام به
 گزارشگری و ارائه
 اطلاعاتی در خصوص
 تاثیر عملکرد خود بر
 اجتماع و محیط‌زیست
 می‌کند. هم چنین در این

مقاله، چگونگی ارائه گزارش سودمند و مناسب، برخی از
 مشکلات حاکم بر رویه‌های گزارشگری موجود، فواید
 گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی برای شرکت، و هم
 چنین زبان‌های ناشی از عدم ارائه چنین گزارش‌هایی مورد
 بررسی قرار می‌گیرد.

می‌کنند که این رقم نسبت به سال ۱۹۹۹ (به میزان ۳۵ درصد) رشد ده درصد داشته است.

گزارشگری اجتماعی در سازمان‌ها این‌گونه تعریف می‌شود: "فرایند انتقال اطلاعات مرتبط با تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی عملکرد اقتصادی سازمان به جامعه". بدیهی است که دستیابی به این مورد مستلزم گسترش مسئولیت‌های سازمان فراتر از نقش سنتی آن در رابطه با پاسخ‌گویی نسبت به صاحبان سرمایه (سهامداران) می‌باشد. گسترش مسئولیت‌پذیری سازمان بر این موضوع دلالت دارد که مسئولیت‌های سازمان از آنچه در گذشته بوده، یعنی "فراهم کردن پول برای سهامداران"، فراتر رفته است.

در حال حاضر، کیفیت گزارشگری اجتماعی شرکت‌ها بسیار ضعیف می‌باشد و اغلب این گزارش‌ها ناقص و ناکارآمد است؛ به طوری که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به طور دقیق و مناسب مشخص نمی‌کند.

توجه روزافزون نسبت به گزارشگری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها

سازمان‌ها دارای دو محرک اصلی هستند و طبق مسئولیت‌های اجتماعی عمل می‌کنند و همواره خود را در رابطه با فعالیت‌های خود پاسخگو می‌دانند.

اولین محرک، شناخت قدرت و دامنه اختیار سازمان‌ها و پذیرش این واقعیت است که مسئولیت‌های آنها نسبت به گذشته، که هدف فقط کسب پول برای سرمایه‌گذاران بود، گسترده‌تر شده است. این محرک در قالب دلایل اخلاقی، قابل تعریف می‌باشد.

محرک دوم، اعتقاد به این است که چنین گزارش‌هایی منافعی را برای سازمان به دنبال خواهد داشت. به عنوان نمونه، مشورت با ذی‌نفعان در خصوص گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی علاوه بر به حداقل رسیدن ریسک ناشی از تعهدات مالی در رابطه مسائل زیست‌محیطی و یا سلامت و امنیت حرفه‌ای کارکنان، باعث می‌شود که تصویر ذهنی مطلوبی از سازمان نیز در جامعه به وجود آید.

جهانی‌سازی

در طی چند دهه اخیر، رشد بسیاری از شرکت‌ها، به واسطه ادغام و تحصیل، افزایش چشمگیری داشته است و

که منافع کلیه ذی‌نفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و به‌طور کلی اجتماع و محیط‌زیست، در سیاست‌ها و عملکرد سازمان منعکس گردد".

به عبارت دیگر، مسئولیت اجتماعی سازمان، "تعهد و الزام سازمان به استفاده از منابع تحت اختیار خود در راستای حفظ منافع اجتماع، به این نحو است که سازمان خود را جزئی از اجتماع بداند، همواره نسبت به آن احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت، تلاش کند".

در واقع تعاریف بسیاری در این زمینه وجود دارد و کلیه آنها بر این موضوع تأکید دارند که سازمان هنگام تصمیم‌گیری‌ها باید تأثیر عملکرد خود را بر روی اجتماع در نظر داشته باشد و همواره خود را نسبت به اجتماع و محیط‌زیست پاسخگو و مسئول فرض کند. دو اصطلاح شرکت به عنوان جزئی از اجتماع^۲ و مسئولیت اجتماعی شرکت^۳ در اغلب موارد به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این رابطه ودوک^۴ معتقد است هنگامی که شرکت به عنوان جزئی از جامعه مطرح می‌شود عملکرد آن به صورت یک سری روابط متقابل و تعاملی، بر پایه اعتماد و سودمندی میان شرکت و ذی‌نفعان خواهد بود، در حالی که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها الزاماً شامل تعهد نسبت به ذی‌نفعان نمی‌باشد.

اطلاعات موضوعات اجتماعی و زیست‌محیطی معمولاً به صورت بخشی از گزارش‌های سالانه و یا در قالب گزارش‌های مستقل ارائه می‌شوند. ارائه این گزارش‌های مستقل به صورت نسخه‌های چاپی و یا از طریق اینترنت انجام می‌گیرد و در اغلب موارد نیز هر دوی این شیوه‌ها، در کنار هم به کار می‌روند. در حال حاضر، اغلب شرکت‌ها از رهنمودهای موسسه گزارشگری جهانی مصوب^۵ پیروی می‌کنند و طبق موارد اصلی سه‌گانه^۶، گزارشگری خود را بر پایه موضوعات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی انجام می‌دهند.

گزارشگری اجتماعی سازمان

تحقیقات بین‌المللی موسسه کی‌پ‌ام جی^۷ در سال ۲۰۰۲ در خصوص گزارشگری اجتماعی سازمان‌ها نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از ۲۵۰ شرکت بزرگ جهان، در حال حاضر گزارش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را منتشر

در جهت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی توسط آنها و هم چنین به دلیل عدم تمایل باطنی دولت‌ها برای مداخله در این امور، طرفداران محیط‌زیست را بر این وا داشته است که با تشکیل سازمان‌های غیردولتی شخصاً در این خصوص اقدام کنند. به این ترتیب که این سازمان‌های غیردولتی، مقداری از سهام شرکت‌های مورد نظر را خریداری کرده و در مجامع عمومی سالانه شرکت می‌کنند و از این طریق با مطرح کردن تاثیرات منفی اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های سازمان، در جهت ایجاد تغییرات مثبت و سازنده اقدام می‌نمایند.

به عنوان نمونه، یکی از این موارد در خصوص شرکت چینی به نام چیانیر پترو^۸ به وجود آمد که در زمینه احداث خطوط لوله از میان سرزمین تبت فعالیت می‌کرد. عملکرد این شرکت موجب شد که طرفداران محیط‌زیست^۹ با شرکت در مجمع عمومی سالانه این موضوع را مطرح کنند که نحوه عملکرد شرکت چینی باعث می‌شود که جمعیت بسیار زیادی به این منطقه انتقال یابند و این مساله، فرهنگ بومی این سرزمین را تهدید می‌کند. اگر چه طرفداران محیط‌زیست نتوانستند حمایت سهامداران را در خصوص تغییر سیاست‌های شرکت جلب کنند، اما با این وجود، چنین نحوه عملی باعث شد که فشارهای بسیاری به شرکت اعمال شود و دید منفی نسبت به آن وجود آید. در واقع سازمان‌های غیردولتی از قبیل طرفداران محیط‌زیست و سازمان حقوق بشر، در سراسر جهان و با اسامی و اشکال مختلفی وجود دارند تلاش می‌کنند از طریق شرکت در مجامع عمومی شرکت‌های مختلف، در جهت تغییر سیاست‌های مخرب تاثیرگذار بر محیط‌زیست، به موفقیت‌هایی نائل شوند؛ هر چند که در اکثر موارد تلاش آنها با شکست مواجه می‌شود ولی با این وجود چنین اقدامی از سوی آنها حداقل باعث می‌شود که ماهیت فعالیت‌های سازمان برای همگان آشکار شود و عملکرد آنها مورد قضاوت عموم قرار گیرد.

دلایل سازمان برای گردشگری اجتماعی و زیست محیطی آدامز در سال ۲۰۰۲ تحقیقاتی را از طریق مصاحبه با شرکت‌های دارویی و شیمیایی در کشورهای آلمان و انگلستان، به عمل آورد و از آنها علل اقدام این شرکت‌ها به گزارشگری اجتماعی و زیست محیطی را جویا شد و از

دامنه فعالیت آن‌ها به کشورهای دیگری نیز کشیده شده است. چنین رشدی علاوه بر افزایش قدرت و توانایی شرکت‌ها، بر روی محیط اجتماعی، سیاسی و اکولوژیکی کشورهایی که در آن مشغول فعالیت می‌باشند، تاثیر گذاشته است. این عوامل سبب می‌شود که انتظارات و توقعات بیشتری از سوی جامعه در خصوص عملکرد مسئولیت‌پذیرانه شرکت‌ها و پاسخ‌گو بودن آن‌ها نسبت به این تاثیرات به وجود آید. در حالی که به نظر می‌رسد چنین انتظاراتی از شرکت‌های چند ملیتی بیشتر باشد، اما واقعیت این است که همه شرکت‌ها، اعم از بزرگ یا کوچک، در راستای به حداقل رساندن تاثیرات مخرب اجتماعی و زیست محیطی، مسئول و پاسخ‌گو می‌باشند.

در این خصوص اسمیت می‌گوید: "این انتظار وجود دارد که سازمان‌ها شرایط لازم را برای سلامتی و ایمنی کارکنان فراهم آورند و هم چنین مواردی از قبیل رعایت حقوق بشر، حمایت از مصرف‌کننده و اعمال استانداردهای زیست محیطی را، صرف نظر از محیطی مورد توجه قرار دهند که در آن مشغول به فعالیت می‌باشند. نمونه‌گیری انجام پذیرفته توسط مارستالر (۲۰۰۲)، نشان می‌دهد که ۸۹ درصد افراد اعتقاد دارند که وجود مسئولیت‌های اجتماعی سازمان بر روی تصمیمات خرید آن‌ها تاثیرگذار می‌باشد. ۶۶ درصد نیز بر این باورند که دامنه و وسعت مسئولیت‌پذیری سازمان در قبال اجتماع، بر روی مطلوبیت تصویر ذهنی از سازمان در آینده تاثیرگذار می‌باشد. در تحقیقات انوایرونیکس (۲۰۰۰) در خصوص رفتار مصرف‌کنندگان، این نتیجه به دست آمد که ۴۲ درصد مصرف‌کنندگان آمریکای شمالی، ۲۵ درصد اروپایی، ۲۳ درصد مصرف‌کنندگان آمریکای لاتین، ۱۸ درصد مصرف‌کنندگان آفریقایی، ۱۰ درصد اوراسیا و ۸ درصد مصرف‌کنندگان آسیایی، بر این عقیده‌اند که سازمان‌ها به دلیل زیبا گذاشتن مسئولیت‌های اجتماعی خود، باید مجازات شوند و این مجازات می‌تواند از طریق تحریم محصولات آنها و یا از طریق سخنرانی‌های انتقادی در جهت افشا و شناساندن تخلفات آنها به دیگران باشد.

سازمان‌های غیردولتی

به واسطه ضعف و ناتوانی فزاینده دولت‌ها در خصوص اعمال فشار بر روی عملیات و تصمیمات شرکت‌های بزرگ

مصاحبه شوندگان دلایلی به شرح زیر دریافت کرد:

"جامعه خواستار اطلاعاتی در این خصوص است بنابراین در جهت پاسخ‌گویی به این نیاز، گزارش‌هایی حاوی اطلاعاتی در رابطه با ضایعات و هم چنین تاثیر عملکرد شرکت بر روی آب و هوا، در قالب اعداد و ارقام ارائه کرده‌ایم... البته بعد از حادثه ساندوز^{۱۰} در سال ۱۹۸۶، فشارهای فزاینده‌ای از سوی جامعه، سیاست‌مداران و قانون‌گذاران در جهت انتشار این گزارش‌ها، اعمال شد که واکنش مناسب به موضوع، این بود که شرکت مسئولیت‌های اجتماعی مطرح شده را بپذیرد... به منظور بهبود شرایط، تصمیم گرفته شد که اطلاعاتی منتشر گردد که جامعه خواستار آن‌ها می‌باشد."

بر طبق مصاحبه انجام گرفته با مدیران ارشد شرکت‌های دارویی چنین نتیجه‌ای حاصل شد. "دلیل افزایش تعداد شرکت‌هایی که گزارش‌های زیست‌محیطی را از اواخر دهه ۱۹۹۰ ارائه می‌کردند نه فشار اجتماع بوده و نه الزامات قانونی، بلکه هدف اصلی بهبود تصویر مطلوبی از شرکت در ذهن مصرف‌کنندگان، مراجع دولتی، روزنامه‌نگاران، جراید و مطبوعات بوده است."

در حال حاضر سازمان‌ها خود به این موضوع معترفند که منافع آنها در صورت مشورت و همفکری با ذی‌نفعان، تامین خواهد شد و اعمال فشار از سوی جامعه فقط موجب می‌گردد که سازمان در نحوه ارائه و ابزارهای مورد استفاده جهت گزارشگری زیست‌محیطی تغییراتی را ایجاد کنند.

به عنوان نمونه، سازمان‌ها ممکن است تلاش کنند که انتظارات خارجی موجود را دگرگون سازند و یا هنگامی که دریابند ذی‌نفعان انتظارات غیرواقعی از عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی دارند، به جای انعکاس عملکرد واقعی سازمان، عملکردهای مورد انتظار را در گزارش درج کنند. به عنوان نمونه آدامز، اختلاف موجود میان گزارش‌هایی که شرکت عملکرد خود را در آن به تصویر می‌کشد با گزارش‌هایی که از طریق رسانه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سایر منابع خارجی در خصوص عملکرد شرکت منتشر می‌شوند را این‌گونه بیان می‌دارد:

"این امکان وجود دارد که سازمان‌ها در جهت مقابله با انتقادات منفی و گزارش‌های رسانه‌های خارجی از سازمان که عملکرد شرکت را ضعیف نشان می‌دهند، تغییرات مثبت و سازنده‌ای را در رابطه با نحوه عملکرد خود اعمال کنند."

الزامات قانونی

در اغلب کشورهای در حال توسعه، قوانین و مقررات مورد نیاز و هم چنین مراجع قانون‌گذاری با صلاحیت، در خصوص حمایت از محیط‌زیست، نیروی کار و جوامع محلی وجود ندارد. چنین کشورهایی به سختی و توأم با مشکلات بسیاری، می‌توانند تاثیرات مخرب اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌های چندملیتی را کنترل کنند. تقویت حسن مسئولیت‌پذیری سازمان‌ها در خصوص اجتماع سنتی و محیط‌زیستی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در جهت به حداقل رساندن ریسک‌های ناشی از تعهدات مالی زیست‌محیطی و یا سلامت و ایمنی کارکنان، الزامات قانونی می‌توانند با اعمال فشار بر روی سازمان مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن را افزایش دهند. به عنوان نمونه، انفجار تاسیسات شرکت اسو^{۱۱} در لانگ فورد در سال ۱۹۹۸ موجب کشته شدن دو کارگر و قطع انتقال گاز مورد نیاز به ویکتوریا به مدت دو هفته شد. ماموران تحقیق و بررسی تنها عامل مقصر در این حادثه را شرکت اسو معرفی کردند زیرا در انجام ارزیابی‌های دوره‌ای ریسک، کوتاهی و قصور کرده و از توجه به این‌گونه مخاطرات بزرگ و عمومی در کنار تدوین سیاست‌های شرکت غفلت کرده بود.

فواید حاصل از گزارشگری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها

شرکت‌هایی که مسئولیت‌های اجتماعی خود را در قالب گزارش‌هایی ارائه می‌کنند و هم چنین خود را در قبال تاثیرات فعالیت‌های خود بر روی محیط‌زیست و اجتماع پاسخگو می‌دانند، منافع بسیاری را به دست خواهند آورد اگر چه این منافع در قالب ارقام پولی قابل تعریف و تعیین نیست. چند نمونه‌هایی از این منافع عبارتند از:

استخدام و ابقای بهتر کارکنان

عمل کردن به گونه‌ای مسئولیت‌پذیرانه و پاسخگو بودن نسبت به تاثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی، سازمان را در جهت انتخاب راحت‌تر و ابقای کارکنان مستعد و لایق کمک می‌کند. در این زمینه مطالعاتی توسط هیل و نولتون در خصوص ارزیابی اعتبار و خوش‌نامی شرکت‌های اروپایی، انگلیسی و امریکایی انجام پذیرفته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که ۸۸ درصد موسسات تجاری

انگلیسی عقیده دارند که پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی توسط سازمان، در آینده آن تاثیر به‌سزایی دارد و موجب می‌شود که استخدام کارکنان و ابقای آن‌ها بهتر و راحت‌تر انجام پذیرد. در مقابل، پرداخت حقوق و دستمزد بالا، پاداش و مبالغی بابت پایان کار به مدیران شرکت‌های بزرگ نظیر کامان ولس بانک^{۱۲}، وانتل^{۱۳} و اچ‌ای‌اچ^{۱۴} علاوه بر این که تاثیرات منفی بر روی انگیزش نیروی کار می‌گذارد، احتمالاً هیچ‌گونه کمکی نیز در جهت جذب و ابقای بهترین و لایق‌ترین کارکنان توسط سازمان نمی‌کند.

بهبود تصمیم‌گیری‌های داخلی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها با ارائه گزارش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی توسط سازمان، سیستم‌های کنترل داخلی در سازمان به طور موثرتر و کارآمدتر عمل می‌کنند؛ و در نتیجه فرایند تصمیم‌گیری نیز بهبود می‌یابد و در نهایت، اتخاذ تصمیمات بهینه و موثر منجر به صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌گردد. از سوی دیگر، بهبود فرایندهای عملیاتی به‌گونه‌ای موثر و کارا، سبب کاهش ریسک‌های موجود در شرکت می‌شود و ایمنی و امنیت در حین کار را بهبود می‌بخشد.

بهبود تصویر ذهنی از شرکت و بهبود روابط آن با ذی‌نفعان از طریق افزایش اطلاعات مرتبط با موضوعات اجتماعی و زیست‌محیطی، سازمان‌ها می‌توانند ریسک‌های ناشی از تحریم مصرف‌کنندگان اصلی و عمده خود را کاهش دهند. درک بهتر عملیات و فعالیت‌های سازمان توسط ذی‌نفعان، باعث می‌شود که انتقاد گروه‌های داخلی و خارجی از آن کاهش یابد و در نتیجه باعث حسن شهرت و خوش‌نامی سازمان گردد. به طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی منجر به بهبود روابط سازمان با جامعه و سایر ذی‌نفعان می‌گردد. در سال ۲۰۰۰ یک موسسه بخت آزمایی در امریکا، تحقیقاتی را بر روی ۸ گروه از ذی‌نفعان شامل ۶۰۰۰ نفر، انجام داد براساس یافته‌های حاصل از این تحقیق، یکی از مدیران این موسسه بیان کرد: "در اغلب موارد ذی‌نفعان تمایلی به تقسیم منافع مشترک ندارند. در برخی از موارد واکنش درست برای مدیران می‌تواند به صورت رد کردن خواسته‌های ذی‌نفعان باشد. اما گزارش‌های اجتماعی همچنان ارزشمند باقی می‌مانند چون در جهت بهبود تصویر ذهنی شرکت در جامعه

از طریق تشریح فعالیت‌های آن می‌باشد".
فوائد حاصل از اجرای رویه‌های گزارشگری اجتماعی و مسئولیت‌پذیری سازمان در تحقیقات انجام شده از ۱۰ نفر از موسسان موفق فعالیت‌های اقتصادی نوین مشهود می‌باشد. طبق یافته‌های این تحقیق، کلیه ۱۰ سازمان و موسسان آنها، فراتر از قوانین موجود در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی عمل کنند و از این طریق روابط متقابلی را با ذی‌نفعان خود به وجود آورده‌اند. در واقع موفقیت این سازمان‌ها به دلیل استقرار شخصیت سازمان برپایه منافع کل اجتماع می‌باشد.

بهبود بازدهی مالی

سرمایه‌گذاری با توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی^{۱۵} به این معناست که سرمایه‌گذاران، در هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری باید منافع شخصی و منافع اجتماعی را توانان مورد توجه قرار دهند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی^{۱۶}، ارزش‌های اخلاقی سرمایه‌گذاران را همراه با نیازهای مالی و تاثیرات سرمایه‌گذاری بر روی جامعه، مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

از زمان تاسیس اولین صندوق اخلاقی^{۱۷} در انگلستان در سال ۱۹۸۴ تاکنون، تعداد چنین صندوق‌هایی به ۵۵ رسیده و همچنان تعداد آنها روبه افزایش است. محققان در سال ۲۰۰۲ به وجود رابطه مثبت میان ارزش واحد تجاری، مسئولیت اجتماعی شرکت، اصول اخلاقی و عملکرد مالی آن پی بردند. وجود چنین روابطی میان موارد پیشگفته، بیانگر این است که سرمایه‌گذاران به‌گونه‌ای براساس سرمایه‌گذاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سرمایه‌گذاری می‌کنند و منفعلی به دست می‌آورند که مطابق با ارزش‌های درونی‌شان می‌باشد (Payne and Juyner, 2002). در سال ۲۰۰۳ نیز دوتن از محققان، روابط میان عملکرد اجتماعی سازمان^{۱۸} و عملکرد مالی سازمان^{۱۹} را در طی سال‌های ۱۹۷۲ الی ۲۰۰۲، مورد آزمون قرار دادند.

(Walsh and Margolis, 2003)

نتایج حاصل، بیانگر این مطلب بود که یک پیوستگی مثبت (در موارد بسیار نادری منفی) میان عملکرد اجتماعی و مالی سازمان وجود دارد. اولیتزکی (۲۰۰۳) نیز در مطالعات خود در خصوص عملکرد اجتماعی سازمان و عملکرد مالی سازمان، ۵۲ شرکت را مورد تجزیه و تحلیل

می‌باشیم. در این میان یکی از مصاحبه‌شوندگان آدامز این مشکل را به شرح زیر تعریف کرده است:

"ما به شدت معتقدیم که گزارش موارد زیست‌محیطی بسیار سودمند می‌باشد. اما مساله اصلی این است که ما نمی‌توانیم تاثیرات ناشی از انتشار این گزارش‌ها را به صورت کمی و در قالب معیارهای مالی اندازه‌گیری کنیم." تاثیرات گزارشگری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر روی سازمان

اعمال فشارهای فزاینده بر روی سازمان‌ها و دولت در جهت پاسخ‌گویی و قبول مسئولیت‌های اجتماعی، تبعاتی به شرح زیر رایج دنیال داشته است:

۱) تغییرات حاصل بر روی الزامات قانونی صندوق‌های بازنشستگی و سرمایه‌گذاری

در حال حاضر در انگلستان، صندوق‌های بازنشستگی ملزمند که سیاست‌ها و رویه‌های خود را در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی با اصول سرمایه‌گذاری درآمیزند؛ مشروط به اینکه محرک‌های لازم برای سرمایه‌گذاران در خصوص اعمال فشار بر روی شرکت به وجود آید. به عنوان نمونه همراه با اعمال فشار بر روی شرکت‌های دارویی این انتقاد را مطرح کردند که این شرکت‌ها، با فروش داروهای بدلی و ارزاق قیمت مرتکب اعمال غیراخلاقی شده‌اند. و در مورد دیگر، سازمانی که مدیریت دارایی‌هایی معادل ۲/۵ درصد بازار سهام انگلیس را برعهده دارد، در سال ۲۰۰۱ اعلام کرد که مانع فعالیت‌های شرکت FTSE-۱۰۰ می‌گردد. که گزارش‌های زیست‌محیطی خود را ارائه نکرده‌اند. در مارس ۲۰۰۲ کشور استرالیا، الزامات قانونی مشابهی را طبق قانون "اصلاحیه خدمات مالی" پذیرفت که براساس آن سرمایه‌گذاران بزرگ را به افشای تاثیرات ناشی از انتخاب، حفظ و یا وصول سرمایه‌گذاری‌ها، بر روی جامعه، اصول اخلاقی و محیط‌زیست ملزم می‌کنند.

۲) تحریم‌های مصرف‌کنندگان و عملکرد سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی نظیر سازمان طرفداران محیط‌زیست و سازمان بین‌المللی حقوق بشر نقش بسزایی در ایجاد تغییرات در سازمان ایفا می‌کنند.

وینستون (۲۰۰۲)، راهبردهای مورد استفاده توسط سازمان‌های غیردولتی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد که تاثیرگذار بر عملکرد شرکت‌های چند ملیتی می‌باشند. وی

قرار داد و وجود چنین پیوستگی مثبتی را تایید و نتیجه‌گیری کرد: (Orlitzky, 2003)

● مسایل اخلاقی شرکت، در قالب مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در مقیاس کوچک‌تر مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، برآورده خواهد شد."

فواید گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی از میان گفته‌های مصاحبه‌شوندگان توسط آدامز، به شرح زیر قابل استخراج است:

"مقبولیت بهتر در نظر افراد جامعه، درک بهتر از سیاست‌های موجود در جامعه و هم چنین درک بهتری از سیاست‌ها و رویه‌های موجود در سازمان. درک بهتری از موضوعات زیست‌محیطی و در نهایت توضیح و تشریح بهتری از آنچه شرکت انجام می‌دهد."

"نشانه‌های داخلی مهمی در خصوص عملکرد شرکت وجود دارد که نشان می‌دهد در چه جاهایی می‌توان به موفقیت بیشتری دست یافت. با انتشار این اطلاعات، سازمان‌ها می‌توانند عملکرد خود را به صورت گروهی الگوبرداری نمایند. در این میان شرکت‌های اندکی وجود دارند که از عملکرد ضعیفی برخوردارند. بنابراین فرصتی به دست می‌آورد که از طریق گزارش و شرح وضعیت خود در داخل سازمان، عملکرد خود را بهبود بخشند. در واقع در درون سازمان یک سری معیارهای واقعی وجود دارد که مقایسه نتایج عملکردها با آن معیارها، موجب بهبود فعالیت‌ها می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که چنین گزارش‌هایی یکی از ابزارهای بسیار مهم مدیریتی به‌شمار می‌روند."

"به عقیده من یکی از بزرگ‌ترین منافع حاصل از گزارشگری اجتماعی این است که سازمان از دید ذی‌نفعان خارجی مورد قبول واقع شود؛ و این امر زمانی رخ خواهد داد که پنهان‌کاری صورت نگرفته باشد و کلیه مسائل و مشکلات سازمانی به‌طور واقعی تشریح و ارائه گردند که دست‌یابی به این امر مستلزم وجود مدیریتی اثربخش و کارا در سازمان می‌باشد."

این حقیقت وجود دارد که منافع حاصل از گزارشگری زیست‌محیطی مانند بهبود تصویر شرکت در ذهن جامعه و با ایجاد ارتباطات بهتر با ذی‌نفعان به سختی قابل اندازه‌گیری و قابل ارائه به مبالغ پولی می‌باشند. در اغلب موارد این مشکل هنگامی بروز می‌کند که در صدد متقاعد کردن مدیران در خصوص منافع و فواید حاصل از گزارشگری اجتماعی

مستقیم خارجی

به عنوان نمونه، کشورهایی که از دستورالعمل‌های حقوق بشر ضعیفی برخوردار می‌باشند، توسط کشورهای قدرتمند مورد استعمار واقع می‌گردند.

● ایجاد شرایط شغلی یکسان و عدم وجود تبعیض

آزار و اذیت‌های جنسی به‌طور گسترده‌ای در کارخانه‌های واقع در کشورهای صنعتی شایع می‌باشد.

● جلوگیری از صادرات محصولات و تولیدات خطرناک و کالاهایی که در کشور تولیدکننده مصرف آنها ممنوع اعلام شده است.

به عنوان نمونه، استفاده از آفت‌کش‌ها در برخی از کشورها به دلیل مرگ و میرهای ناشی از آن ممنوع می‌باشد با وجود آنکه این آفت‌کش‌ها به عنوان محصولات "سازگار با محیط زیست"، تولید و توزیع گردیده‌اند.

● اعمال کنترل بر قیمت دارو

این مسئله به‌طور خاص در رابطه با کشورهای فقیر مطرح است. در آمریکای جنوبی قریب به ۱۰ درصد افراد دارای اچ آی وی^{۲۴} مثبت می‌باشند. ۳۹ شرکت دارویی دولت را تحت فشار قرار دادند که مانع از اجرای قوانینی شود که اجازه می‌دهند نسخه‌های ارزان قیمتی از داروها وارد کشور گردد. در واقع دولت باید ورود داروهای ارزان قیمت و بدلی را به داخل کشور ممنوع کند.

● بسته‌بندی و برجسب‌زنی درست مواد شیمیایی

● توزیع محصولات بی‌خطر

استفاده فزاینده از کودهای شیمیایی در کشورهای در حال توسعه، تأثیرات منفی بر روی سلامتی انسان و نیتروژن سطح زمین، به دنبال داشته است.

(۴) رهنمودها، احکام و شاخص‌های گزارشگری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت

موسسه گزارشگری جهانی و سازمان پاسخ‌گویی اخلاقی و اجتماعی^{۲۵}، دو سازمان بین‌المللی و چند ملیتی می‌باشند که اقدام به تدوین استانداردها و رهنمودهای جدیدی در خصوص گزارشگری اجتماعی کرده‌اند.

رهنمودهای موسسه گزارشگری جهانی بر روی موضوعاتی متمرکز می‌باشد که باید گزارش گردند.

(۵) الزامات قانونی

برخی کشورها نظیر دانمارک، هلند، نروژ و سوئد شرکت‌های خود را ملزم کرده‌اند که عملکرد زیست‌محیطی خود را به جامعه گزارش کنند.

به این نتیجه دست که سازمان‌های غیردولتی تنها زمانی به موفقیت دست می‌یابند که به‌گونه‌ای هماهنگ و با مشارکت مصرف‌کنندگان و دولت عمل کنند. چنین همکاری نتایج مثبتی نیز برای سازمان‌ها به دنبال خواهد داشت. شواهد حاکیست شرکت ریورین تو^{۲۰} بزرگ‌ترین شرکت استخراج معدن در سرتاسر جهان، از طریق همکاری با صندوق بین‌المللی پول توانست مشارکت ذی‌نفعان و اعتماد جامعه را جلب کند.

(۳) پیدایش موسسه‌های ناظر بر فعالیت‌های صنایع

نمونه‌ای از این موسسات، موسسه مراقبت از مسئولیت‌پذیری^{۲۲} است که وظیفه آن نظارت بر نحوه عملکرد صنایع شیمیایی می‌باشد. این موسسه به‌رغم تأکید و تمرکز بر روی فعالیت‌های اصلی و مهم سازمان، در رابطه با رفع خواسته‌های ذی‌نفعان با مشکل مواجه شده است.

اصولاً ذی‌نفعان صنایع شیمیایی علاقه‌مند می‌باشند که از سطح تشعشع امواج و تخلیه تشعشعات الکترونی آگاهی یابند، هم چنین این افراد تمایل دارند که از اقدامات انجام پذیرفته توسط شرکت جهت کاهش تشعشع و تخلیه مواد سمی آگاهی یابند. در این رابطه انجمن بیمه انگلستان رهنمودهای جدیدی را در خصوص افشای اطلاعاتی در رابطه با تأثیرات سازمان بر روی حقوق بشر، محیط‌زیست، اجتماع و ذی‌نفعان، منتشر کرده است.

مسئله‌ای که مطرح می‌گردد این است که اغلب این موسسات فاقد اختیارات قانونی هستند، بنابراین از قدرت کافی برخوردار نیستند تا سازمان‌ها را مجبور کنند که به‌طور صددرصد مسئولیت اعمال خود را بپذیرند و گزارش‌های کامل و دقیقی را در این خصوص ارائه نمایند.

محققان، مواردی که ذی‌نفعان خواستار اعمال آن‌ها می‌باشند به همراه نمونه‌های عملی در خصوص نقض آن‌ها را، به شرح زیر برشمرده‌اند:

● بهبود شرایط کار در سرتاسر جهان

به عنوان نمونه، نایک^{۲۳} به دلیل سوءاستفاده و بهره‌کشی از کارگران در کارخانه‌های خود واقع در اندونزی و مکزیک مورد اعتراض شدیدی از جانب دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا قرار گرفت. واکنش نایک به این صورت بود که یک انجمن مستقل جهت نظارت بر استخدام کارگران خارجی ایجاد کنند.

● بهبود سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری

شرکت‌های آمریکایی نیز اطلاعاتی را در خصوص تشعشع امواج مضر و اقدامات حفاظتی از محیط‌زیست به عموم مردم ارائه می‌کنند. با این وجود کمیسیون اوراق بهادار آمریکا، کانادا و انگلیس فقط افشای اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی را ضروری دانسته‌اند که بر عملکرد مالی جاری و یا آتی سازمان موثر می‌باشد.

"تدوین چارچوب نظری اروپایی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها" یکی از اقداماتی است که در جهت ملزم کردن شرکت‌ها به افشای اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی مطرح شده است.

پی‌نوشت‌ها:

چگونه می‌توان گزارش اجتماعی و زیست‌محیطی سودمند و مناسبی ارائه کرد؟

یک توافق عمومی میان اعضای حرفه، تدوین‌کنندگان استاندارد و مشاوران در خصوص معیارهای گزارش اجتماعی و زیست‌محیطی درست و مناسب به شرح زیر وجود دارد:

- شفاف و حقیقی باشد.
- کوشش‌های واقعی انجام پذیرفته را در خصوص پاسخ‌گویی به کلیه ذی‌نفعان نشان دهد.
- علاوه بر بیان تأثیرات مثبت، صادقانه تأثیرات منفی بر روی اجتماع و محیط‌زیست را بازگو کند.
- نشان‌دهنده پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی توسط شرکت باشد.
- کامل باشد به عبارتی دیگر کلیه تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی که برای ذی‌نفعان با اهمیت است را ارائه کند. لازم به ذکر است که گزارش خوب ضرورتاً با عملکرد خوب همراه نمی‌باشد. در واقع گزارش درست و مناسب باید به گونه‌ای باشد که عملکرد سازمان را به درستی منعکس کند در حالی که این عملکرد ممکن است ماهیتاً نامطلوب باشد.

منابع و ماخذ:

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مسئله گزارش‌گری اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی در حال حاضر ناقص بودن رهنمودهای موجود در این زمینه می‌باشد. گزارش‌ها ممکن است فاقد جزئیات لازم و ضروری در خصوص تأثیرات عملکرد سازمان بر روی محیط‌زیست و اجتماع باشند که از دید

ذی‌نفعان با اهمیت به‌شمار می‌رود. رهنمودهای اختیاری مسواری را بیان می‌کنند که گزارش‌گری مطابق با آنها به گونه‌ای ناقص و غیرواقعی خواهد بود. در واقع این خطر وجود دارد که چنین رهنمودها و الزامات قانونی، شرکت را به سمت عملکردهای ضعیف سوق دهند و این فرصت را در اختیار سازمان بگذارند تا از طریق از قلم انداختن موارد مهم و تأثیرگذاری که در این رهنمودها پیش‌بینی نشده است، عملکرد واقعی خود را مخفی نگاه دارند.

- 1- pricewaterhouse
- 2- Corporate Citizenship
- 3- Corporate Social Responsibility
- 4- Waddock
- 5- Global Reporting Initiative (GRI)(2002)
- 6- TBL
- 7- KPMG
- 8- Petro Chines
- 9- Greenpeace
- 10- Sandoz
- 11- ESSO
- 12- Common Wealth Bank
- 13- OneTel
- 14- HIH
- 15- Socially Responsible Investment (SRI)
- 16- Ethical Investment Funds
- 17- Ethical Funds
- 18- Corporate Social Performance (CSP)
- 19- Corporate Financial Performance (CFP)
- 20- Rio Tinto
- 21- WWF
- 22- Responsible Care Initiative
- 23- Nike
- 24- HIV
- 25- Institute of Social and Ethical Accountability

- 1- Adams & Zutshi. 2004, "Corporate Social Responsibility", Australian Accounting Review, November.
- 2- Evans, C., 2003, "Corporate Social Responsibility Sustainability", Accountancy, January.
- 3- Edwards, R., 2002, "How to Take Corporate Responsibility", The Sunday Herald, Melbourne, August.

از آنجایی که ابزارهای مالی بیان شده در این پیش‌نویس، هنوز در محیط تجاری ایران تعریف نشده است، لذا ارائه تعاریفی اجمالی از این ابزارها مفید خواهد بود.

سهام قابل انتشار مشروط: سهام عادی است که بدون دریافت وجه نقد یا ما به ازای دیگر، یا در مقابل دریافت وجه نقد یا ما به ازای ناچیز دیگر به محض تحقق شرایط معین در قرارداد، قابل انتشار است.

ابزار قابل تبدیل اجباری: ابزارهای مالی هستند که بر طبق قراردادهای مشخصی در آینده، قابل تبدیل به سهام عادی هستند و شرکت موظف به صدور سهام مربوط خواهد بود. قراردادهایی که از طریق سهام عادی یا وجه نقد تسویه می‌شوند: بعضی مواقع، واحدهای تجاری قراردادهایی را منعقد می‌کنند که ممکن است از طریق سهام عادی یا وجه نقد به انتخاب واحد تجاری تسویه شود.

سهام عادی بالقوه: این نوع سهام، ابزارهای مالی یا دیگر قراردادهایی هستند که امکان تملک سهام عادی را برای دارنده آن فراهم می‌سازد. نمونه‌هایی از سهام عادی بالقوه عبارتند از:

الف) بدهی مالی^{۲۵} یا ابزارهای مالکانه^{۲۶}، شامل سهام ممتاز^{۲۷}، که قابل تبدیل به سهام عادی است.

ب) اختیاراتی معامله و اختیارات خرید سهام.

ج) سهامی که به محض تحقق شرایط ناشی از ترتیبات قراردادی از قبیل خرید واحد تجاری یا سایر دارایی‌ها صادر خواهد شد.

برخی از چالش‌های اصلی درخصوص پیش‌نویس اصلاحی در زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- ابزارهای قابل تبدیل اجباری

در بیانیه ۱۲۸ نارسایی‌های متعددی روی مفهوم این موضوع وجود دارد. در واکنش به پیش‌نویس ۲۰۰۳ اصلاح این بیانیه، تقاضاهای مکرری برای تعریف این ابزارها با توجه به تنوع ابزارهای مالی مطرح شده بود. لیکن هیئت در مقابل این موضوع جبهه گرفت و اعتقاد داشت که تعیین یک ابزار قابل تبدیل اجباری، نیازمند قضاوت در عمل است و نمی‌توان تعریف منحصر به فردی از آن داشت. همچنین

هیئت اعتقاد دارد که ابزارهای قابل تبدیل اجباری در بسیاری از موارد شبیه به سهام قابل انتشار مشروط هستند و باید همانند این نوع سهام، از تاریخ برآورده شدن همه شرایط لازم در محاسبه سود پایه هر سهم اعمال شوند. هیئت در ادامه چنین استدلال کرد که تبدیل ابزارهای قابل تبدیل اجباری به سهام، فقط مشروط به گذر زمان است و لذا گذر زمان یک شرط تلقی نمی‌شود (چون حتماً محقق می‌شود). این استدلال دقیقاً مطابق با استدلال ارائه شده در بند ۲۴، استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ می‌باشد. هیئت در اینجا به این نکته توجه داشت که تفاوت بین اثر تقلیل‌دهندگی و اثر ضد تقلیل در محاسبه سود پایه هر سهم، در موضوع فوق نمی‌تواند دخیل باشد.

۲- ابزارهایی که ممکن است به وسیله وجه نقد یا سهام تسویه شوند.

طبق بیانیه شماره ۱۲۸ برای اهداف محاسبه سود تقلیل یافته هر سهم، یک واحد تجاری باید فرض کند که قراردادی قابل تسویه به وسیله وجه نقد یا سهام، با سهام تسویه خواهد شد (اگر تسویه سهام اثر تقلیل‌دهندگی بیشتری داشته باشد)، مگر آنکه یک تجربه از گذشته یا یک رویه نهادینه شده، مبنای معقولی را فراهم کند که قرارداد می‌تواند به طور کلی یا جزئی به وسیله وجه نقد تسویه شود. تحت رویکرد هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)، این پیش فرض رد نشده است که این قراردادها با سهام عادی تسویه خواهند شد به شرط آنکه تسویه بیشتر تقلیل‌دهنده باشد. لیکن موضع هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری در این باره طی بند ۵۸ بیانیه ۳۳ به این شرح بیان شده است: «هنگامی که واحد تجاری قراردادی را منعقد کرده است که ممکن است از طریق سهام عادی یا وجه نقد به انتخاب واحد تجاری تسویه شود، واحد تجاری باید فرض کند که قرارداد با سهام تسویه خواهد شد، و چنانچه سهام عادی بالقوه ویژگی تقلیل‌دهندگی داشته باشد، باید در سود تقلیل یافته هر سهم منظور شود.» و در بند ۶۰ از همین بیانیه اشاره شده است: «در مورد قراردادهایی که ممکن است از طریق سهام عادی یا وجه نقد به انتخاب دارنده آن تسویه

شود، از بین تسویه نقدی و تسویه با سهام، میزان تقلیل دهندگی هر کدام بیشتر باشد باید در محاسبه سود تقلیل یافته مورد استفاده قرار گیرد.»

در نهایت هیات استانداردهای حسابداری مالی تصمیم گرفت که شروط هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری را در راستای سازگاری بیشتر استانداردها، در محاسبه سود هر سهم رعایت کند و این تصمیم را در پیش‌نویس خود ارائه کرد. با این حال هیات استانداردهای حسابداری مالی معتقد است که هدف محاسباتی سود تقلیل یافته هر سهم که در پاراگراف ۷۹ بیانیه ۱۲۸ ارائه شده، انعکاس همه سهام‌های بالقوه تقلیل‌دهنده در محاسبه سود هر سهم است که منجر به محاسبه محافظه‌کارانه‌ترین سود هر سهم حسابداری خواهد شد.

۳- اختیار معامله (آپشن‌ها) و اختیار خرید سهام (وارانت‌ها)

بر طبق بیانیه ۱۲۸ هیات استانداردهای حسابداری مالی، فرض شده است که عواید ناشی از اعمال آپشن‌ها یا وارانت‌ها صرف بازخرید سهام عادی به قیمت میانگین بازار در طی دوره مربوطه می‌شود. اگر ابزار مالی که به عنوان بدهی طبقه‌بندی شد، با سهام تسویه شود، بدهی بابت آن ابزار مالی، بدون از دست دادن دارایی، تسویه شده و از بین می‌رود و معادل بدهی مربوطه به عنوان سرمایه پرداخت شده ثبت خواهد شد. بنابراین هیئت تصمیم گرفت که هنگام استفاده از روش سهام خزانه برای ابزار مالی طبقه‌بندی شده به عنوان بدهی (اما به طور بالقوه با سهام تسویه می‌شود)، مبلغ دفتری یک بدهی تسویه شده^{۲۸} به محض انتشار سهام، باید به عنوان عواید مفروض^{۲۹}، در محاسبه سهام عادی اضافی^{۳۰} (تفاوت بین تعداد سهام عادی فرضی صادر شده و تعداد سهام عادی بازخرید شده از محل عواید قراردادهای آپشن و وارانت) اعمال شود. این سهام عادی اضافی باید در محاسبه سود هر سهم تقلیل یافته منظور شود. این بیان دقیقاً مطابق با بند ۶۳ از استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ می‌باشد و تاییدکننده سیاست‌های همگرایی استانداردهای این دو هیات است.

۴- سهام قابل انتشار مشروط

بر طبق بند ۵۲ از استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ در محاسبه سود پایه هر سهم، سهام عادی قابل صدور مشروط، به عنوان سهام عادی تلقی و در صورت محقق شدن شرایط (یعنی وقوع رویدادهای مندرج در قرارداد صدور سهام)، باید آن را در محاسبه سود هر سهم تقلیل یافته منظور کرد. سهام قابل انتشار مشروط از ابتدای دوره (یا از تاریخ قرارداد سهام مشروط، چنانچه دیرتر باشد) منظور می‌شود. لیکن بیانیه ۱۲۸، از نظر دوره زمانی قابلیت اعمال سهام مذکور، با استاندارد حسابداری بین‌المللی در تضاد است. بنابراین هیئت تصمیم گرفت که سهام قابل صدور مشروط از شروع دوره جاری با احتمال تحقق شرایط لازم، یا تاریخ ترتیبات سهام مشروط (اگر دیرتر است)، در محاسبات سود هر سهم تقلیل یافته اعمال شود و گامی دیگر در جهت همگرایی استانداردها بردارد.

راه طولانی تا همگرایی

اگر چه همگرایی، یک موضوع مهم در پیش‌نویس استاندارد است و به عنوان محور بحث قرار دارد، لیکن رهنمودهای عملی و اصلاحات پیشنهادی ارائه شده در بیانیه ۱۲۸ هیات استانداردهای حسابداری مالی، با رهنمودهای عملی مطرح در استاندارد شماره ۳۳ استاندارد بین‌المللی حسابداری، در برخی موضوعات متفاوت است. به عبارت دیگر، رهنمودهای ارائه شده در این پیش‌نویس اصلاحی بیانیه شماره ۱۲۸، به سطحی فراتر از جزئیات ارائه شده در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ پیش رفته‌اند. این پیش‌نویس رهنمودهای عملی برای ابزارهای قابل تبدیل اجباری فراهم کرده و در عمل اقدام به تعریف آنها می‌کند. به علاوه، اثر متقابل بین رهنمودها را نیز در بند ۲۹ بیانیه شماره ۱۲۸، برای سهام قابل صدور مشروط تشریح می‌کند.

در نهایت هیئت عنوان می‌کند که هیات استاندارد بین‌المللی حسابداری قصد دارد به هنگام نهایی شدن این پیش‌نویس، در راستای نیل به همگرایی بیشتر بین‌المللی، اقدام به رسیدگی و بررسی تفاوت‌های باقی مانده بین اصول پذیرفته شده ایالات متحده و استانداردهای بین‌المللی

سیستم

انبار و کنترل موجودی

- چندین انبار و محل استقرار
- کنترل دریافت کالا (کیفی و فنی)
- کنترل بچ و تاریخ انقضا
- کنترل ابزار و اقلام چند بار مصرف
- نقل و انتقال اطلاعات انبار فیزیکی
- صدور حواله بر اساس درخت محصول
- روشهای قیمت گذاری متعدد
- انجام عملیات انبارگردانی
- تحلیل ABC

طراحی مبتنی بر تحلیل صحیح شناسایی



نرم افزاری سی . اس . دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۸۲ ۴۸ ۱۲
دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳ ۶۹ ۹۸
۸۸۸۴ ۶۵ ۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

گزارشگری مالی (IFRS) بکند و این در حقیقت گامی در جهت پروژه همگرایی هیئت‌ها از سوی این نهاد بین‌المللی حسابداری تلقی می‌شود.

بنا به اعلام هیات استانداردهای حسابداری مالی، این پیش‌نویس بعد از پانزدهم ژوئن سال ۲۰۰۶ قابل اجرا خواهد بود. هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، انتظار ندارد تغییرات مهمی در گزارشگری مالی ناشی از به کارگیری بندهای این بیانیه اصلاحی، روی دهد، لذا این هیات اعتقاد ندارد که زمان قابل ملاحظه‌ای برای پیاده‌سازی لازم باشد و معتقد است که واحدهای تجاری متاثر از این بیانیه اصلاحی، به اندازه کافی تا زمان انتشار نسخه‌نهایی استاندارد، فرصت تطبیق با شرایط جدید را دارند. لازم به ذکر است که استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ نیز پس از اصلاحات انجام شده بر روی آن، برای دوره‌های مالی قابل اجرا است که از اول ژانویه ۲۰۰۵ و بعد از آن آغاز می‌شوند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بر روی این بیانیه اصلاحی و همچنین با ملاحظه اظهارنظرهای ارسال شده راجع به این پیش‌نویس، تغییرات پیشنهادی در این پیش‌نویس توانسته است به اهداف مورد نظر پیشگفته، دست یابد و رضایت نسبی و اتفاق نظر مطلوبی را ایجاد کند.

تجزیه و تحلیل پیش نویس

ماموریت هیات استانداردهای حسابداری مالی، ایجاد و بهبود استانداردهای حسابداری مالی و گزارشگری، برای راهنمایی و آموزش عمومی تهیه‌کنندگان اطلاعات، حساب‌رسان و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است. هیئت در انجام این مأموریت تلاش می‌کند که استانداردی، با لحاظ کردن همه نیازهای مهم ارائه دهد. به طوری که هزینه‌های ایجاد شده ناشی از این استاندارد از منافع ناشی از به کارگیری آن اطلاعات کمتر باشد. اگر چه هزینه پیاده‌سازی استاندارد جدید به یک باره ایجاد نمی‌شود، لیکن باید در نظر داشت که سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بالفعل و بالقوه و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات، از بهبود در گزارشگری مالی منتفع می‌شوند و نقش بازارهای سرمایه در تجهیز کاراتر منابع اقتصادی، پررنگ‌تر خواهد شد. در مورد این

پیش‌نویس انتظار نمی‌رود که هزینه‌های پیاده‌سازی آن، چندان با اهمیت باشد. مضافاً این که همگرایی با نهادهای بین‌المللی در محاسبه سود هر سهم، هزینه واحدهای تجاری را کاهش می‌دهد که صورت‌های مالی خود را برای استفاده در خارج از کشور تهیه می‌کنند. به عبارت دیگر، با تصویب اصلاحات این پیش‌نویس، علاوه بر کاهش هزینه شرکت‌های بین‌المللی در گزارشگری مالی و تهیه اطلاعات مربوط، تجزیه و تحلیل سایر شرکت‌های داخلی آمریکا در سطحی جهانی نیز امکان‌پذیر خواهد شد. از دیگر اثرات بالقوه این بیانیه پیشنهادی می‌توان به افزایش شفافیت صورت‌های مالی شرکت‌هایی اشاره کرد که از ابزار مالی پیچیده استفاده می‌کنند. این بحث بیشتر در مورد محاسبه سود هر سهم تقلیل یافته مصداق پیدا می‌کند و در مورد سود پایه هر سهم مشکلات کمتر است. با اجرایی شدن این پیش‌نویس انتظار می‌رود که تعارضات در نحوه برخورد با ابزارهای مالی، بین شرکت‌ها و حساب‌برسان آنها به طور محسوسی کاهش یابد.

تغییرات ملحوظ شده در بیانیه پیشنهادی، می‌تواند با تشریح و شفافیت رهنمودهای عملی درباره ابزارهای مالی قابل تبدیل اجباری و روش سهام خزانه، قراردادهایی که ممکن است به وسیله وجه نقد یا سهام تسویه شوند و سهام قابل صدور مشروط، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای اصول پذیرفته شده حسابداری آمریکا (GAAP) و بر مبنای استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFAS) را افزایش دهد.

با اجرای این بیانیه پیشنهادی، پشتوانه ذهنی تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، از بابت نحوه برخورد مناسب‌تر با ابزارهای مالی پیچیده، تقویت می‌شود و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری به دلیل کاهش میزان قضاوت‌های شخصی و تمایلات جانب‌دارانه در مورد حالات مختلف ابزارهای مالی، افزایش خواهد یافت و سود هر سهم پایه و تقلیل یافته محاسبه شده، از مقبولیت بیشتری بین ذی‌نفعان اطلاعات شرکت برخوردار خواهد شد. این افزایش در قابلیت اتکای اطلاعات، به سطح جدیدی از موازنه بین خصوصیات کیفی اصلی اطلاعات خواهد انجامید که می‌تواند آثار مثبتی بر

تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی داشته باشد.

با توجه به بررسی و تحلیل‌های صورت گرفته و مطالب ارائه شده، به نظر می‌رسد این استاندارد احتمالاً بیشتر بر شرکت‌هایی تاثیر خواهد داشت که در ساختار تامین مالی خود از ابزارهای مالی پیچیده بهره برده و به لحاظ ابعاد تجاری نیز در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند و سهام عادی آنها در بورس‌های معتبر جهانی معامله می‌شود. لذا این انتظار وجود دارد که بانک‌های سرمایه‌گذاری و انواع شرکت‌های چند ملیتی ثبت شده در ایالات متحده بیشترین تاثیر را از این پیش‌نویس احساس کنند.

تا پیش از این بیانیه شرکت‌ها می‌توانستند از خلاءهای موجود در رهنمودهای عملی محاسبات سود اولیه هر سهم و سود تقلیل یافته هر سهم، جهت مدیریت سود هر سهم بهره‌گیری کنند و در حقیقت استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را از جهت نحوه برخورد با برخی ابزارهای مالی دچار گمراهی سازند. با صدور بیانیه جدید تا حد قابل قبولی از این مسائل کاسته خواهد شد و گروه‌هایی همچون سرمایه‌گذاران بالقوه و فعلی شرکت و اعتباردهندگان بازار سرمایه و به خصوص تحلیل‌گران بازارهای مالی را، از بابت بهبود کیفیت اطلاعات منتفع خواهند شد. در مقابل شرکت‌هایی که حجم عمده‌ای از تامین مالی‌های خود را از محل ابزارهای مالی مذکور در این بیانیه فراهم کرده‌اند، ممکن است به علت کاهش سود تقلیل یافته هر سهم خود، دچار مشکلاتی شوند.

به اعتقاد نگارندگان با توجه به بررسی که روی نظرات واصله در مورد این پیش‌نویس و نسخه قبلی آن انجام شده، می‌توان اظهار داشت که این بیانیه نهایتاً به یک نوع مصالحه بین آرای مختلف طرفین ذی‌نفع دست یافته است و لزوماً تمام مباحث مطرح در پیشنهاد ارائه شده، متکی به مبانی علمی حسابداری نمی‌باشد. با کمی دقت در این پیش‌نویس، می‌توان ردپای مشخصی از یک هنجار عمومی بین حسابداران را مشاهده کرد که همان تمایل به محدودیت بیش از پیش خود است. با مطالعه اظهارنظرهای حسابداران رسمی پیرامون این پیش‌نویس مشاهده می‌شود که به وضوح

سیستم

کنترل داراییهای ثابت

• امکان طبقه بندی اموال
در سطوح مختلف

• امکان تهیه شناسنامه دارایی ها

• امکان تهیه کلیه گزارشات
گردش اموال

• درج اطلاعات انواع بیمه های اموال

• امکان تعریف وابستگی بین اموال

• امکان تعویض پلاک



نرم افزاری سی . اس . دی

موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۸۲۴۸۱۲

دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳۶۹۹۸

۸۸۸۴۶۵۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

درخواست تعاریفی مشخص و فراگیر از ابزارهای مالی می‌کنند. زیرا آنها دنبال تعیین دقیق حوزه‌های مسئولیتی خود هستند تا بتوانند مسئولیت پاسخگویی خود را به بهترین نحو انجام دهند و از گزند اتهامات دادگاه‌ها نیز در امان بمانند.

محافظه کاری یکی از عناصری است که در این بیانیه سعی شده است به نحو مناسب به آن پرداخته شود. اگر چه نمی‌توان اثر منفی اعمال محافظه کاری را به عنوان نوعی محدودیت بر ویژگی‌های کیفی (به خصوص مربوط بودن) کتمان کرد، لیکن این مسئله ناشی از ویژگی عمومی سرمایه‌گذاران، یعنی ریسک‌گریزی و عدم تقارن تابع زیان می‌باشد. به عبارت دیگر، آنها همیشه مایل‌اند که از بدترین وضعیت ممکن، اطلاعات کاملی داشته باشند. این مسئله یکی از بارزترین نشانه‌های اعمال چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری در حسابداری است که به وضوح درباره محاسبه سود هر سهم به مورد اجرا گذاشته است.

ضرورت تدوین استاندارد حسابداری سود هر سهم در ایران

در بند ۶۶ استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران تحت عنوان «نحوه ارائه صورت‌های مالی»، انعکاس عایدی هر سهم در صورت سود و زیان یا یادداشت‌های توضیحی الزامی شده است. در بند ۶۷ همین استاندارد نیز بیان شده است که: «عایدی هر سهم از طریق تقسیم سود خالص بر تعداد سهام در تاریخ ترازنامه محاسبه می‌شود.»^{۳۱} همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، طبق این بند از میانگین موزون تعداد سهام در طی دوره استفاده نمی‌شود که باعث سازگاری بیشتر سود هر سهم با واقعیت‌های اقتصادی می‌شود. به هر حال سود هر سهم محاسبه شده بر مبنای میانگین موزون سهام طی دوره، می‌تواند نتایج مالی ناشی از تغییرات سرمایه که در ماه‌های میانی یک دوره مالی واقع می‌شود را به نحو مناسب‌تری منعکس کند. به عنوان مثال، اگر بانک پارسیان که در مهرماه ۸۴ به میزان ۱۵۰ درصد افزایش سرمایه داده است، برآورد سود هر سهم خود برای آن سال بر مبنای میانگین موزون سهام طی سال ۸۴ محاسبه می‌کرد، رقم ۴۳ درصد سود هر سهم بالاتر از رقم محاسبه شده بر

مبنای تعداد سهام در پایان سال ۱۳۸۴ بود. به هر حال لازم است در سطح تفسیری نظریه، تبیین مناسبی برای سود هر سهم ارائه گردد که بر مبنای میانگین موزون سهام محاسبه می‌شود یک تفسیر احتمالی این است که چنین رقمی بیانگر قدرت سودآوری می‌باشد. لذا بیشترین استفاده آن در مدل‌های ارزشیابی سهام است. از آنجایی که سود هر سهم از اهمیت زیادی در قیمت‌گذاری سهام در ایران برخوردار است، لازم است که دقت بیشتری در محاسبه و افشای آن صورت گرفته و در راستای طرح‌های همگرایی بین‌المللی، استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۳ مبنای قرار گیرد. واقعیت این است که عدم توجه کافی به این مهم، موجب نقل و انتقال ثروت بین سهامداران مختلف خواهد شد.

متأسفانه مشاهده می‌شود که عدم بروزرسانی دانش حسابداری در بحث محاسبه سود هر سهم، گریبانگیر عالی‌ترین آزمون‌های علمی کشور در زمینه حسابداری نیز شده است. به عنوان نمونه، در آزمون ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی ایران در اسفندماه ۱۳۸۴، سئوالی در مورد محاسبه سود هر سهم ارائه شده بود که طبق کلید ارائه شده توسط سازمان سنجش، پاسخ آن براساس بیانیه شماره ۱۵ هیات اصول حسابداری ایالات متحده (مطرح شده در نشریه شماره ۹۴ سازمان حسابرسی تحت عنوان «شرکت‌های سهامی») بود در حالی که این استاندارد، ۹ سال پیش ملغی شده است.

با توجه به تدوین پیش‌نویس استاندارد حسابداری سود هر سهم، از سوی سازمان حسابرسی (به عنوان متولی قانونی تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی در ایران)، امید است که مشکلات موجود در حیظه حرفه حسابداری و آموزش حسابداری به حداقل برسد. از آنجایی که این استاندارد برگرفته از استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ و بومی‌سازی شده براساس شرایط ایران می‌باشد، انتظار می‌رود که بخشی از مشکلات محاسبه و گزارش سود هر سهم مرتفع شود.

نکته قابل تامل دیگر در مورد این استاندارد، توصیه به افشای اجزای تشکیل‌دهنده سود می‌باشد که می‌تواند استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی را در تصمیم‌گیری خود یاری

رساند. این مسئله در استاندارد شماره ۱۲۸ هیات استانداردهای حسابداری مالی و استاندارد شماره ۳۳ استاندارد بین‌المللی حسابداری نیز مورد تأکید است. مضافاً این که با تدوین این استاندارد، گام دیگری در جهت همگرایی استانداردهای حسابداری مالی برداشته می‌شود و موجب کاهش هزینه واحدهای تجاری در تهیه اطلاعات و قابلیت مقایسه شرکت‌های ایرانی در سطح بین‌المللی خواهد شد. در این حالت، با افزایش شفافیت اطلاعات، میزان ریسک اطلاعاتی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ایرانی نیز کاهش یافته و به دنبال آن از هزینه معاملات تجاری ایران در سطح بین‌المللی کاسته می‌شود.

از دیگر دلایلی که ضرورت تدوین استاندارد حسابداری سود هر سهم در ایران را مطرح می‌سازد، وجود بسترهای حقوقی در مورد امکان ظهور ابزارهای مالی قابل تبدیل در ایران است. در قانون تجارت ایران، مواد متعددی درخصوص تعویض و تبدیل اوراق قرضه وجود دارد (مواد ۶۱ تا ۷۱ قانون تجارت) که با برخی از ابزارهای مالی قابل تبدیل در سطح بین‌المللی، شبیه است. به‌عنوان نمونه، در ماده ۶۱ قانون تجارت آمده است که «اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد. در این صورت مجمع عمومی فوق‌العاده باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت، مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه، افزایش سرمایه شرکت را اقلأً برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.» لذا به نظر می‌رسد، در انتشار اوراق مشارکت توسط برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، امکان بهره‌گیری از مواد قانونی فوق در آینده نزدیک وجود دارد و متعاقباً باید در مورد آثار این ابزارهای مالی بر محاسبه سود هر سهم تصمیم‌گیری شود. همچنین قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۴) به شورای بورس اختیار تصویب ابزارهای مالی جدید را داده است (بند ۴ ماده ۴).

نتیجه‌گیری

این مقاله با به چالش کشیدن یکی از مهم‌ترین محصولات فرایند حسابداری مالی، یعنی سود هر سهم، دغدغه‌های

اولین نرم افزار هزینه یابی فعالیت

سیستم حسابداری صنعتی

- برنامه ریزی
- کنترل
- محاسبات قیمت
- تمام شده

طراحی مبتنی بر تحلیل صحیح تنهاری



نرم افزاری سی.اس.دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۸۲۴۸۱۲
دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳۶۹۹۸
۸۸۸۴۶۵۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

موجود در این زمینه را مطرح سازد. در این راه نگارندگان تلاش کردند با تشریح اهمیت سود هر سهم، محدودیت‌های آن و سابقه قانون‌مندی سود هر سهم، بستر فکری لازم در این زمینه را فراهم کنند تا بدین وسیله، ضرورت‌های تدوین استاندارد حسابداری سود هر سهم در ایران را مورد بررسی قرار دهند. همچنین سعی شد آخرین طرح‌های در دست اقدام، پیرامون اصلاح استانداردهای حسابداری سود هر سهم نیز مورد بحث قرار گیرند تا از این طریق جدیدترین دستاوردهای علمی بررسی شوند.

با توجه به تحلیل‌هایی صورت گرفته بر روی پیش‌نویس اصلاح بخش‌هایی از بیانیه شماره ۱۲۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی ایالات (به‌عنوان یکی از طرح‌های حال حاضر درباره سود هر سهم)، می‌توان اظهار داشت که این هیأت حداکثر تلاش خود را برای همگرایی هر چه بیشتر بین اصول پذیرفته شده حسابداری ایالات متحده با استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی بین‌المللی انجام داده است و نظرات ارائه شده در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۳ را در بیانیه پیشنهادی خود در نظر گرفته و گامی مهم در جهت پروژه همگرایی دو نهاد برداشته است.

به نظر نگارندگان، به رغم تمام محاسن موجود که در ارائه رهنمودهای عملی جهت برخورد با انواع حالت‌های خاص حسابداری (مانند اثر ابزارهای مالی پیچیده در محاسبات مربوط به سود هر سهم) باید تغییراتی در این پیش‌نویس ارائه می‌شد که بیشتر محتوای موضوع را به چالش می‌کشید و با ارائه چارچوب‌های نظری از بحث سود تقلیل یافته و پایه هر سهم، مسئله را به صورت بنیادی‌تری حل می‌کرد. بدیهی است در غیر این صورت، با توجه به رشد جهانی تجارت و ظهور موضوعات نو، در آینده نزدیک مجدداً نیاز به صرف هزینه‌ای مشابه برای اعمال اصلاحات جدید خواهد بود. از طرف دیگر نمی‌توان توقع داشت که پروژه‌های عظیمی مانند همگرایی استانداردها به سوی یک هدف مشخص، لزوماً همیشه مناسب باشد. قطعاً موضوعاتی در محیط خاص اقتصادی هر کشوری وجود دارد که نیازمند بومی‌سازی است. بحث همگرایی از

- 24- the treasury stock method
- 25- Financial liabilities
- 26- Equity instruments
- 27- Preference shares
- 28- the carrying amount of an extinguished liability
- 29- assumed proceeds
- 30- incremental shares

۳۱- در این استاندارد به جای سود هر سهم از اصطلاح عایدی هر سهم استفاده شده است.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- ۱- بیدختی، هادی، کیفیت اطلاعات و نقد شوندگی سهام (مصاحبه)، جهان اقتصاد، شماره ۲۰۹۸ مورخ ۸۰/۶/۲۸.
- ۲- قانون تجارت، تدوین: منصور - جهانگیر، چاپ سی و یکم، تهران، نشر دیدار، ۱۳۸۳، صفحه ۴۱.

منابع انگلیسی

- 1- FASB , Statement of Financial Accounting Standards No. 128 (Earnings per Share), February 1997.
- 2- FASB , Exposure Draft of a proposed Statement of Financial Accounting Standards Earnings per Share an amendment of FASB Statement No. 128), September 2005.
- 3- IASB, International accounting standard 33 (Earnings per Share), march 2004.

موضوعات اجتناب ناپذیر حرفه حسابداری می باشد که مسائلی همچون پیوستن به سازمان تجارت جهانی و موج جهانی شدن، ضرورت بیش از پیش آن را مطرح می سازد. لذا لازم است که در تدوین استانداردهای حسابداری مالی ایران نیز، با توجه به شرایط خاص کشور، اقدام به همگرایی با استانداردهای بین المللی شود.

پی نوشت ها

- 1- Earning Per Share (EPS)
- 2- Dividend Per Share (DPS)
- 3- Financial Accounting Standards Board (FASB)
- 4- International Accounting Standard (IAS)
- 5- Basic Earning Per Share (BEPS)
- 6- Diluted Earning Per Share (DEPS)
- 7- Convergence
- 8- Exposure Draft (ED)
- 9- Contingently issuable shares
- 10- Mandatorily convertible instruments
- 11- Option
- 12- Warrant

تفاوت اصلی اختیار معامله (option) با اختیار خرید سهام (warrant) این است که اختیار معامله به طور گسترده در بازارهای مالی به عنوان یک ابزار مصون سازی استفاده می شود و صادرکننده آن لزوماً شرکت صادرکننده سهام نیست. ولی در مورد اختیار خرید سهام، در صورت اعمال، شرکت صادر کننده آن ملزم به انتشار سهام خود می باشد.

- 13- contracts that may be settled in cash or shares
- 14- Accounting Research Bulletins (ARB)
- 15- Accounting Principle Board (APB)
- 16- Primary Earning Per Share (PEPS)
- 17- Fully Duilted Earning Per Share (FDEPS)
- 18- Statement of Standard Accounting Principle (SSAP)
- 19- Financial Reporting Standard (FRS)
- ۲۰- در بخشنامه های بورس از اصطلاح درآمد هر سهم استفاده شده است.
- 21- Functional Fixation
- 22- International Accounting Standards Board (IASB)
- 23- divergent

تسلیمت

جناب آقای حسن خدایی
بازرس اصلی انجمن

با کمال تاسف فوت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیمت عرض نموده برای حضرتعالی صبر و شکیبایی و برای آن مرحومه علو درجات مسئلت می نمایم.

انجمن حسابداران خبره ایران